

تحولات جهانی و سپاه‌های آن بر اقتصاد ایران؛ با تأکید بر سیاست افزایش نرخ بهره آمریکا



مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
گروه پژوهشی توسعه، تامین مالی و اقتصاد بین‌الملل
مجموعه گزارش شماره ۳۶۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسه گزارش

عنوان	تحوالات جهانی و پیامدهای آن بر اقتصاد ایران؛ با تأکید بر سیاست افزایش نرخ بهره آمریکا
کد شناسه	۱۴۰۱-۸-۱۰۴۱۰
گروه پژوهشی	توسعه، تأمین مالی و اقتصاد بین‌الملل
پدیدآورندگان (به ترتیب حروف الفبا)	یونس تیموری، علی‌اکبر خسروی‌نژاد، یدالله دیوسالار، غلامرضا گرائی‌نژاد، الهام وفائی
مشاور علمی	دکتر غلامرضا گرائی‌نژاد
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
تاریخ انتشار	تابستان ۱۴۰۱
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نیست.	
حقوق معنوی اثر به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.	
آدرس: تهران - خیابان نجات‌اللہی - خیابان استاد جعفر شهری (سپند) - پلاک ۱۶ شماره‌های تماس ۰۲۱-۴۳۳۰۶۰۰۰ شماره پیام‌رسان ۰۹۹۲۱۵۷۵۸۸۴۳	
https://www.dfrc.ir/	

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
خلاصه مدیریتی.....	أ
مقدمه.....	۱
۱- سیاست افزایش نرخ بهره آمریکا.....	۵
۱-۱- روند چرایی اقدام به سیاست افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو.....	۵
۲-۱- اثرگذاری بر اقتصاد کشور آمریکا.....	۶
۳-۱- اثرگذاری بر اقتصاد سایر کشورها.....	۷
۱-۳-۱- تبیین نظری اثرگذاری سیاست افزایش نرخ بهره آمریکا بر کشورهای دیگر.....	۷
۱-۳-۲- تأثیر بر اقتصاد کشورهای اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای توسعه یافته.....	۸
۱-۳-۳- تأثیر بر اقتصادهای نوظهور.....	۹
۱-۳-۴- تأثیر بر اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت.....	۱۰
۱-۳-۵- تأثیر بر اقتصاد سایر کشورها.....	۱۱
۱-۳-۶- تأثیر بر بازار جهانی طلا.....	۱۱
۱-۳-۷- تأثیر بر بازار رمزارزها در جهان و ایران.....	۱۲
۱-۴-۱- اثرگذاری افزایش نرخ بهره آمریکا بر اقتصاد ایران.....	۱۳
۱-۴-۱- تحلیل روند.....	۱۳
۱-۴-۲- کانال‌های اثرگذاری بر اقتصاد ایران.....	۱۶
۲- تحولات بحران اوکراین و تأثیر آن بر اقتصاد جهان و ایران.....	۱۸
۱-۲-۱- اثرات جنگ اوکراین بر اقتصاد جهانی.....	۱۸
۲-۱-۱- بحران اوکراین و قیمت جهانی کالاهای اساسی.....	۲۰
۲-۱-۲- بحران اوکراین و تأثیر بر بازارهای مالی جهان.....	۲۱
۲-۱-۳- بحران اوکراین و تأثیر بر نهاده‌ها و برخی فلزات اساسی جهان.....	۲۱
۲-۱-۴- بحران اوکراین و زنجیره تأمین عرضه جهانی.....	۲۲
۲-۱-۵- بحران اوکراین و اختلال در زنجیره حلال.....	۲۳
۲-۲- اثرات جنگ اوکراین بر اقتصاد ایران.....	۲۳
۳- شوک همه‌گیری با تأکید بر تجربه کووید-۱۹ و اقتصاد ایران.....	۲۶
۴- سیاست‌های تجاری جدید اتحادیه اروپا.....	۳۳
۵- تحولات کشورهای همسایه و تأثیر آنها بر اقتصاد ایران.....	۳۵
۱-۵-۱- تحولات کشور ترکیه.....	۳۵
۱-۵-۱- تضعیف لیر ترکیه.....	۳۵
۱-۵-۲- صادرات گاز ترکیه به اروپا.....	۳۹

- ۴۰ ۲-۵- تحولات کشور عراق
- ۴۳ ۳-۵- تحولات کشور افغانستان
- ۴۵ ۱-۳-۵- تعاملات و چالش‌های ژئوپلیتیک ایران و افغانستان
- ۴۷ ۲-۳-۵- تجارت ایران و افغانستان
- ۴۷ ۳-۳-۵- ترانزیت ایران و افغانستان
- ۴۸ ۴-۳-۵- تعاملات انرژی ایران و افغانستان
- ۵۰ ۴-۵- تحولات کشور هند و سیاست‌های تجاری آن
- ۵۳ ۶- اثرات کوتاه‌مدت تغییرات اقلیمی کم‌آبی
- ۵۵ ۷- تحریم و اثرات آن بر اقتصاد ایران
- ۵۸ ۸- نکات پایانی؛ تحولات اخیر اقتصاد ایران بیشتر متأثر از تحولات جهانی است یا سیاست‌های داخلی
- ۶۲ منابع

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۱۳	جدول ۱: آماره‌های توصیفی داده‌های ماهیانه متغیرهای منتخب اقتصاد ایران و آمریکا
۱۴	جدول ۲: برآورد و آزمون ضرایب همبستگی میان متغیرهای منتخب اقتصاد ایران و آمریکا
۱۵	جدول ۳: برآورد و آزمون ضرایب همبستگی میان تفاضل اول متغیرهای منتخب اقتصاد ایران و آمریکا
۲۷	جدول ۴: روند تغییرات فصلی رشد اقتصادی در کشورهای منتخب در دوران همه‌گیری کرونا

فهرست نمودارها

صفحه

عنوان

-
- نمودار ۱: سناریوهای مختلف ریسک‌های جهانی..... ۲
- نمودار ۲: پیش‌بینی شاخص قیمت مصرف‌کنندگان..... ۴
- نمودار ۳: بازدهی اوراق خزانه ۱۰ ساله ایالات متحده آمریکا..... ۵
- نمودار ۴: ترکیب ساعات کار از دست رفته جهانی در سال ۲۰۲۰ بر اساس مناطق..... ۲۸
- نمودار ۵: برآورد IMF از تغییرات کسری بودجه دولت‌ها به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی..... ۲۹
- نمودار ۶: مبادلات تجاری بین اتحادیه اروپا و روسیه در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۱..... ۳۹
- نمودار ۷: مبادلات تجاری اتحادیه اروپا و روسیه بر اساس گروه‌های کالایی در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۲۱..... ۳۹
- نمودار ۸: سهم گرن‌های بین‌المللی در تولید ناخالص داخلی افغانستان..... ۴۴
- نمودار ۹: کاهش واردات و افزایش صادرات افغانستان در سال‌های اخیر..... ۴۵

فهرست شکل‌ها

صفحه

عنوان

-
- شکل ۱: کانال‌های اثرگذاری همه‌گیری بر اقتصاد ایران ۳۰
- شکل ۲: کانال‌های اثرگذاری همه‌گیری بر امنیت غذایی در ایران ۳۱

خلاصه مدیریتی

اقتصاد آمریکا در ماه‌های اخیر شاهد یک سیاست انقباضی شدید به واسطه افزایش نرخ بهره بانکی توسط فدرال رزرو بوده که در دهه‌های اخیر بی‌سابقه است. با بروز بحران ناشی از همه‌گیری کرونا در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ و ترس از رکود حاصل از آن، اغلب کشورهای جهان از جمله آمریکا که سیاست‌های حمایتی و انبساطی در پیش گرفته بودند اکنون با فروکش کردن تبعات این همه‌گیری، اقتصاد آنها با خطر تورم مواجه شده‌اند؛ بنابراین، فدرال رزرو آمریکا سیاست‌های انقباضی خود از جمله افزایش نرخ بهره بانکی را برای مقابله با این خطر اجرا کرده است.

تحولات دیگری نیز در جهان ایجاد شده است از جمله تبعات همه‌گیری کرونا، جنگ روسیه و اوکراین، سیاست‌های اتحادیه اروپا و تحولات کشورهای منطقه مانند ترکیه، عراق و غیره که می‌تواند علاوه بر اینکه خود به‌طور مستقیم اقتصاد جهان و کشور را تحت تأثیر قرار دهد، کانالی برای تقویت اثرگذاری سیاست‌های انقباضی آمریکا بر اقتصاد جهان نیز باشد. در این گزارش، این تحولات و کانال‌های اثرگذاری آنها بر اقتصاد جهان و ایران مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعات منابع مرتبط، مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه مالیه بین‌الملل و اخذ نظرات آنها منابع مورد استفاده برای بررسی موارد مذکور می‌باشد.

اثرات سیاست انقباضی افزایش نرخ بهره آمریکا در سه بخش اصلی تأثیر بر اقتصاد آمریکا، دیگر کشورها و ایران مورد توجه قرار گرفته است. بالا رفتن نرخ بهره بانکی توسط فدرال رزرو به‌طور مستقیم از کانال سرمایه‌گذاری منجر به افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری، تقاضای کل و در نهایت تولید ناخالص داخلی آمریکا می‌شود به طوری که در ماه‌های اخیر، اقتصاد آمریکا حدود ۱/۴ درصد کوچک‌تر شده است. کشورهای اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای توسعه یافته مانند آلمان، ژاپن، سوئیس و غیره نیز در واکنش به افزایش نرخ بهره آمریکا و بالا رفتن ارزش دلار در بازارهای جهانی، اقدام به افزایش نرخ بهره خود کرده‌اند که در نتیجه آن انتظار می‌رود رشد اقتصاد جهانی کند شود.

تأثیر افزایش نرخ بهره آمریکا بر اقتصاد ایران، این است که اثرگذاری مذکور اغلب از طریق بخش غیررسمی به بخش رسمی اقتصاد کشور منتقل می‌شود. با توجه به بسته بودن اقتصاد و حجم پایین نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی به عنوان یکی از معیارهای درجه باز بودن اقتصاد، ممکن است اثر این افزایش بر متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهایی با نظام پولی لنگر ارزی مانند ایران، کاملاً در کوتاه‌مدت احساس نشود. نتایج حاصل از آزمون ضرایب همبستگی میان متغیرهای منتخب اقتصاد آمریکا با متغیرهای منتخب اقتصاد ایران نیز حاکی از آن است که این متغیرها با یکدیگر همبستگی نداشته و از این‌رو رابطه خطی ندارند.

تحولات نظامی بین روسیه و اوکراین نیز در کنار سیاست پولی انقباضی آمریکا یکی دیگر از مسائل و تحولات جهانی است که می‌تواند متغیرهای اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. مهم‌ترین کانال اثرگذاری آن، امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در کشورهای جهان و خدشه‌دار شدن زنجیره تأمین کالاها است که از این راه می‌تواند بازارهای مختلف در مناطق متفاوت جهان را تحت تأثیر قرار دهد. اثرات این تحول نیز در دو سطح اقتصاد جهانی و اقتصاد ایران مورد تحلیل قرار گرفته است. علاوه بر ریسک فزاینده‌ای که بحران نظامی اوکراین به لحاظ گسترش جنگ در کشورهای دیگر دارد، دو عامل اقتصادی انرژی و غلات نیز از جمله مواردی می‌باشند که این دو کشور سهم قابل توجهی از منابع آنها را در جهان دارا هستند. بر همین اساس با مواجهه اقتصاد جهان با بحران جنگ، زنجیره تأمین و عرضه مواد اولیه تولید در مقیاس جهانی دچار مشکل شده و اقتصاد بسیاری از کشورها را نیز با چالش‌ها و مسائل مختلفی همراه کرده است.

تحلیل بحران اوکراین در سطح اقتصاد جهان متمرکز بر مسائل تأمین و قیمت جهانی کالاهای اساسی، تأثیر این بحران بر بازارهای مالی جهان، نهاده‌ها و برخی فلزات اساسی مانند طلا، آلومینیوم و نیکل، زنجیره تأمین عرضه جهانی و زنجیره بازارهای اسلامی (حلال) است. جایگاه پائین ایران در اقتصاد جهانی و بسته بودن آن به واسطه تحریم‌ها ممکن است مانند افزایش نرخ بهره آمریکا موجب شود تا اقتصاد ایران تأثیرپذیری کمی از بحران اوکراین داشته باشد. با وجود این، اقتصاد ایران به دلیل مراودات تجاری با کشور روسیه به عنوان یکی از طرف‌های درگیری ممکن است اثرپذیری نسبی از این بحران داشته باشد. کما اینکه دو کشور روسیه و اوکراین با چین روابط تجاری بالایی داشته‌اند و چین به عنوان مهم‌ترین طرف تجاری ایران در سال‌های اخیر است که تحت تأثیر پیامدهای درگیری مذکور می‌باشد. بنابراین، کانال‌های انتقال تبعات ناشی از تحولات روسیه و اوکراین به اقتصاد ایران در مقایسه با تحول سیاست پولی انقباضی آمریکا، بیشتر و مستقیم است.

بحران ناشی از همه‌گیری یکی دیگر از تحولاتی است که می‌تواند عملکرد اقتصاد کشورهای جهان را تحت تأثیر قرار دهد. همه‌گیری کرونا که اکنون سویه‌های جدید آن در جوامع بین‌المللی مطرح بوده و همین‌طور همه‌گیری‌های دیگری ممکن است در آینده نزدیک، اقتصاد کشورها را مجدداً درنوردند و با پیامدهای منفی، کشورهای جهان را دچار بحران کنند. برای مثال، اثراتی که همه‌گیری کرونا بر اقتصاد اغلب کشورها داشته که از جهات گوناگونی قابل بررسی است. نخستین و بزرگ‌ترین کانال ایجاد تغییرات در اقتصاد کشورها از ناحیه همه‌گیری و گسترش نااطمینانی بوده است. در نتیجه این آثار وسیع، تولید و رشد اقتصادی کشورها به شدت کاهش یافته به طوری که بحران اقتصادی ناشی از آن بعد از بحران ۱۹۲۹، بی‌سابقه بوده است. اثر دیگر همه‌گیری در بازار کار، افزایش نرخ بیکاری کشورها بوده است. در سال ۲۰۲۱، بیش از ۹۳ درصد نیروی کار جهان به شکلی تحت تأثیر این همه‌گیری قرار گرفته و ۸/۸ درصد از ساعت کار در فصل سوم سال ۲۰۲۰ نسبت به فصل آخر سال ۲۰۱۹ کاهش یافته است.

اقتصاد ایران نیز در دوران همه‌گیری کووید-۱۹، از دو سمت دچار چالش شد؛ یکی تکانه برونزای تقاضای جهانی برای کالاهای داخلی و تأمین مواد اولیه خارجی برای تولید و سرمایه‌گذاری خارجی و دیگری چالش‌های

درونی اقتصاد ناشی از تعطیلی کسب و کارها و اخلاف در زنجیره تأمین در داخل است. این همه‌گیری از کانال‌های کاهش قیمت نفت و فرآورده‌های آن، محدودیت در واردات و صادرات شرکای تجاری، ایجاد موانع صادرات مواد غذایی به‌ویژه کالاهای اساسی، ایجاد محدودیت در تردد بازرگانان و توریسم و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داد. قلمرو این اثرگذاری‌ها در بخش‌های تولید کشاورزی، صنعت، معدن و همچنین خدمات به‌واسطه کانال‌های اثرگذاری مختلف، گسترده بوده است.

تحولات کشورهای همسایه ایران نیز به‌واسطه حجم مراودات تجاری، فرهنگی و سیاسی که با کشور دارند، به عنوان یکی دیگر از تحولات بیرونی است که می‌تواند اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار دهد. تضعیف لیر کشور ترکیه (به دلیل اقدام دولت ترکیه به خلق پول بدون پشتوانه و کاهش نرخ سود بانکی) یکی از تحولات مذکور می‌تواند باشد. به دلیل سهم بالایی که ترکیه در صادرات ایران دارد و رقابتی که این دو در بازار کشورهای همسایه مانند عراق دارند، ارزش پائین پول ترکیه در مقابل عراق می‌تواند فرصت صادرات این کشور را در مقابل ایران تقویت کرده و بخشی از بازار خارجی را از دست ایران خارج کند. تهدید دیگر، تضعیف لیر ترکیه در مقابل ایران می‌تواند خروج ارز از کشور برای خرید ملک و واحدهای مسکونی در ترکیه به دلیل کاهش ارزش لیر در مقابل دلار باشد.

تحول دیگر ترکیه، صادرات گاز این کشور به اروپا است. به دنبال چالش‌های سیاسی بین کشورهای اروپا و روسیه به عنوان مهم‌ترین صادرکننده گاز جهان، این فرصت برای ترکیه ایجاد شده است تا کمبود گاز در بازار اروپا را پوشش دهد؛ اما از آنجا که ترکیه، خود در واردات گاز وابسته به روسیه و ایران است، این اتفاق می‌تواند برای صادرات گاز ایران فرصت مناسبی باشد.

عراق نیز ظرفیت‌ها و بازارهای مناسبی برای صادرات دارد که ایران با استفاده از آن می‌تواند تجارت خارجی خود را تقویت کند. حفظ و گسترش بازارهای صادراتی برای یک دوره طولانی مدت و داشتن روابط پایدار و باثبات حقایقی است که برآوردن آنها نیاز به طراحی راهبردهای صادراتی مناسب در قبال کشورهای دیگر دارد. تنوع بخشی مراودات تجاری بین دو کشور، ایجاد تجارت دوجانبه و دوطرفه به‌گونه‌ای که برای طرف دیگر نیز، باقی ماندن در تجارت برای دوره طولانی با صرفه اقتصادی همراه باشد.

افغانستان نیز به عنوان یکی دیگر از همسایگان است که سال‌های گذشته روابط تجاری خوبی با ایران داشته است؛ اما با توجه به شرایط فعلی به وجود آمده در این کشور و بی‌ثباتی سیاسی آن، ممکن است تجارت این کشور با ایران را با چالش‌هایی مواجه سازد. همچنین ورود پناهندگان غیرقانونی از افغانستان به داخل کشور می‌تواند پیامدهای اقتصادی برای ایران به همراه داشته باشد. تحولات اخیر افغانستان بدون شک فضا را برای شرکت‌های ایرانی ناامن کرده و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در این کشور را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، قرار

گرفتن افغانستان به عنوان حلقه اتصال کشورهای پاکستان و ازبکستان به واسطه خط آهن ترمز- مزار شریف- کابل- پیشاور، اهمیت ژئواکونومیک بندر چابهار را تضعیف خواهد کرد.

تغییرات اقلیمی یکی دیگر از تحولاتی است که جهان را با چالش‌های متعددی مواجه کرده است. می‌توان گفت این مسئله حتی در کوتاه‌مدت پیامدهای اقتصادی و اجتماعی زیادی به همراه دارد. با توجه به شرایط تورم رکودی کنونی ایجاد شده، این عامل یکی از مسائل شکل‌گیری بیکاری و افزایش فقر در مناطق مختلف کشور است که باعث تخلیه مناطق روستایی و تمرکز در کلان‌شهرها می‌گردد. کاهش کشاورزی نیز با توجه به شرایط فعلی، هزینه‌های تولید و یا واردات را افزایش داده و تمامی این عوامل می‌توانند تورم را تشدید نموده و قدرت خرید مردم و رفاه عمومی را نیز کاهش دهند.

در نهایت تحریم‌های اعمال شده بر اقتصاد ایران، به عنوان یکی دیگر از تحولاتی است که توانسته اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار دهد. اثرات تحریم‌ها بر نرخ ارز، تورم، رشد تولید، اشتغال و مشارکت نیروی کار در ایران وجود دارد؛ اما نباید صدمات ناشی از سال‌ها سوء مدیریت اقتصادی را دست‌کم گرفت. نمی‌توان رشد تولید پایین ایران نسبت به ظرفیت‌های آن، تورم بالا و نوسانات زیاد آن را به تحریم‌ها نسبت داد؛ زیرا این‌ها ریشه‌های داخلی ناشی از دوره‌های طولانی ضعف در عملکرد اقتصادی، قیمت‌های نسبی دستکاری شده، سیستم بانکی ضعیف و توسعه نیافتگی نهادهای مالی دارند.

بنابراین می‌توان گفت فعلاً به دلیل تحریم‌ها و بسته بودن اقتصاد ایران چندان متأثر از شوک‌های کوچک جهانی نیست و شوک تحریم حتی از شوک پاندمی کرونا بالاتر است. در حقیقت شوک تحریم فشار بر گلوگاه‌های اقتصاد ایران آورده است. با این حال، عوامل مزمن داخلی ناشی از سیاست‌گذاری‌های نوسانی و بعضاً غلط به عنوان ریشه تداوم مشکلات اقتصادی هستند. تحریم و کرونا نیز توانسته‌اند به شدت بر این مشکلات بیفزایند. بنابراین به نظر می‌رسد تحولات اخیر ایران بیشتر حاصل عقبه تاریخی سیاست‌های داخلی ایران می‌باشد که تورم موجود حاصل از اشتغال‌زایی‌های ناپایدار بوده که نتیجه آن، چاپ پول به وسیله بانک مرکزی و افزایش نقدینگی است.

همچنین، بخشی از افزایش قیمت‌ها به علت افزایش انتظارات تورمی می‌تواند باشد که به دنبال آن، افزایش نرخ ارز، تداوم تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری بین‌المللی برای کشور به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاستی و فرهنگی هم می‌تواند به واسطه ارتباط بین بازارها و بخش‌های مختلف اقتصادی بر متغیرهای کلان اقتصادی تأثیرگذار باشند که پاندمی کرونا، بحران مالی رخ داده در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، جنگ روسیه و اوکراین و ... از جمله این موارد است. در خصوص تأثیر تورم اخیر ایران از متغیرهای جهانی باید به این نکته نیز توجه کرد که سیاست‌های اتخاذ شده طی سال‌ها، همواره ایران با تورم انباشته مواجه بوده است و تحولات جهانی می‌تواند سیاست‌های کنترل تورمی دولت را با مشکل مواجه سازد و از این طریق تورم داخلی را تحت تأثیر قرار دهد.

در این زمینه، یکی دیگر از علت‌های آسیب‌پذیر بودن اقتصاد ایران، پایین بودن GDP بخش غیرنفتی کشور و افزایش انتظارات تورمی است که لزوم تقویت بیش از پیش بخش‌های اقتصادی مانند صنعت و کنترل انتظارات برای موفقیت، سیاست‌های دولتی را می‌طلبد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که هرگونه شوک سیاست‌های پولی و مالی در کشورهای مختلف و نیز سیاست‌های اتخاذ شده در داخل هر دو بر متغیرهای کلان اقتصادی تأثیرگذار باشد که بسته به شرایط، پارامترها، نظام‌های پولی و ارزی و همچنین نوع سیاست پولی و مالی اتخاذ شده می‌تواند آثار و پیامدهای متفاوتی داشته باشد.

اقتصاد ایران در ماه‌های اخیر، شاهد تحولات بسیاری هم از ناحیه داخل و هم در سطح جهانی بوده که هر یک به نوبه خود، دارای اثرات و پیامدهای متفاوتی بر اقتصاد کشور می‌باشند. نوسانات بازار نرخ ارز و افزایش سطح قیمت‌ها در سه ماه ابتدایی سال ۱۴۰۱، مهم‌ترین اثرپذیری اقتصاد از تحولات مذکور است. مهم‌ترین تحولات جهانی شامل افزایش نرخ بهره آمریکا در نتیجه سیاست پولی انقباضی فدرال رزرو، بحران اوکراین و درگیری نظامی این کشور با روسیه، همه‌گیری کرونا و سوبه‌های جدید آن و تحولات کشورهای همسایه ایران (مانند بحران افغانستان، تحولات عراق و سیاست‌های اقتصادی ترکیه) است. این تحولات در کنار سیاست‌های اقتصادی داخل مانند حذف ارز ترجیحی، رشد مستمر نقدینگی در ماه‌ها و سال‌های گذشته و برخی سیاست‌های اصلاحی دیگر دولت (مانند سیاست‌های مالیاتی در بودجه مصوب سال ۱۴۰۱) به همراه تحریم‌های تحمیلی به اقتصاد کشور، موجب ایجاد نوسانات قیمتی اخیر در اقتصاد کشور شده است.

گزارش حاضر با تحلیل هریک از این تحولات، کانال‌های اثرگذاری آن‌ها بر اقتصاد جهان و سپس اقتصاد ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. تأکید اصلی گزارش بر تحولات سیاست پولی آمریکا است که به واسطه افزایش نرخ بهره بانکی و اثرات سریع و قابل توجه آن، اقتصاد بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی را تحت تأثیر قرار داده است. در وهله اول، اثرگذاری مستقیم این سیاست آمریکا بر اقتصاد ایران به لحاظ نظری و تجربی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سپس کانال‌های غیرمستقیم که به واسطه کشورهای تحت تأثیر این سیاست در سطح جهانی ممکن است اقتصاد ایران را مورد اصابت قرار دهد، تحلیل شده است. واکنش کشورهای مختلف در قبال افزایش نرخ بهره آمریکا می‌تواند به لحاظ میزان مرادوات آنها با ایران، اثرات متفاوتی را بر اقتصاد کشور ایجاد کرده و بخش‌های مختلفی از اقتصاد را هدف قرار دهد.

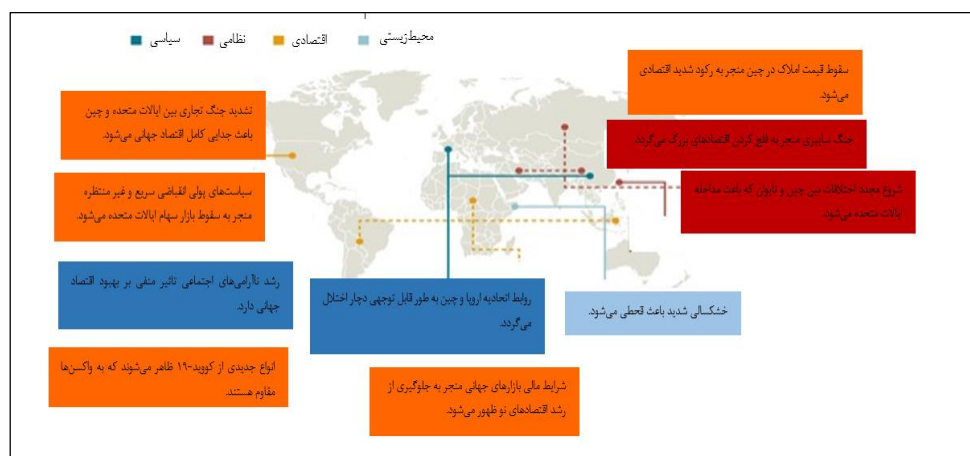
تحولات دیگر از جمله بحران درگیری نظامی روسیه با اوکراین، با اثرگذاری بر قیمت جهانی برخی کالاهای اساسی از جمله گندم، همه کشورهای جهان را به نوعی درگیر پیامدهای منفی خود کرده است. سرریز این پیامدها به کالاهای دیگر در کنار سیاست افزایش نرخ بهره آمریکا، تورم جهانی را در اغلب کشورها رقم زده و جهان شاهد یک افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است. البته آسیب‌های ناشی از همه‌گیری کرونا در دو سال گذشته نیز در رقم خوردن نرخ‌های تورم فزاینده بین کشورها نقش قابل توجهی دارد. هزینه‌ها و مخارجی که دولت‌ها برای مقابله با وضعیت رکودی ناشی از کرونا انجام داده بودند، اکنون آنها را مجاب به اتخاذ سیاست‌های انقباضی کرده تا از افزایش قیمت‌های ناشی از هزینه‌های همه‌گیری کرونا جلوگیری شود. این اتفاق برای اغلب کشورهای اروپایی و آمریکا رخ داده و در حال تشدید است.

پدیده در حال گسترش رمزارزها در دهه‌های اخیر، تحول دیگری است که سایر بازارهای جهان را تحت تأثیر قرار داده است. چنانکه استقبال گسترده جهانی در سال‌های اخیر از ارزهای دیجیتال و تعمیق بیشتر آن،

موجب شده تا شوک‌های وارده بر اقتصاد جهان از جمله جنگ، سیاست‌های انقباضی کشورها و غیره بتواند با تحت تأثیر قرار دادن انتظارات سرمایه‌گذاران ارزهای دیجیتال، اثرات چشمگیری بر اقتصاد کشورها در مقیاس جهانی داشته باشد. تغییرات اقلیمی در سطح جهان، به‌ویژه بحران کم‌آبی تحول دیگری است که در سال‌های اخیر توانسته عملکرد اقتصادی بسیاری از کشورها را تحت تأثیر قرار دهد.

به طور کلی واحد اطلاعات اکونومیست^۱ با استفاده از پیش‌بینی‌های اقتصاد کلان، طبقه‌بندی ریسک، تحلیل‌های سیاسی، سیاست و صنعت، اقدام به شناسایی سناریوهای جهانی در سال ۲۰۲۲ نموده که می‌تواند تورم و نرخ بهره جهانی را تحت تأثیر قرار دهد. ۱۰ ریسک تهدیدکننده جهان در سال ۲۰۲۲ بر اساس پیش‌بینی واحد اطلاعات اکونومیست به شرح زیر است:

- ۱- تشدید جنگ تجاری بین ایالات متحده و چین باعث دوشاخگی اقتصاد جهانی می‌شود.
- ۲- سیاست‌های پولی انقباضی سریع و غیرمنتظره منجر به سقوط بازار سهام ایالات متحده می‌شود.
- ۳- سقوط قیمت املاک در چین منجر به رکود شدید اقتصادی می‌شود.
- ۴- شرایط مالی بازارهای جهانی منجر به جلوگیری از رشد اقتصادهای نوظهور می‌شود.
- ۵- انواع جدیدی از کووید-۱۹ ظاهر می‌شوند که به واکنش‌ها مقاوم هستند.
- ۶- رشد ناآرامی‌های اجتماعی تأثیر منفی بر بهبود اقتصاد جهانی دارد.
- ۷- شروع مجدد اختلافات بین چین و تایوان که باعث مداخله ایالات متحده می‌شود.
- ۸- روابط اتحادیه اروپا و چین به طور قابل توجهی دچار اختلال می‌گردد.
- ۹- خشکسالی شدید باعث قحطی می‌شود.
- ۱۰- جنگ سایبری منجر به فلج کردن اقتصادهای بزرگ می‌گردد.



نمودار ۱: سناریوهای مختلف ریسک‌های جهانی

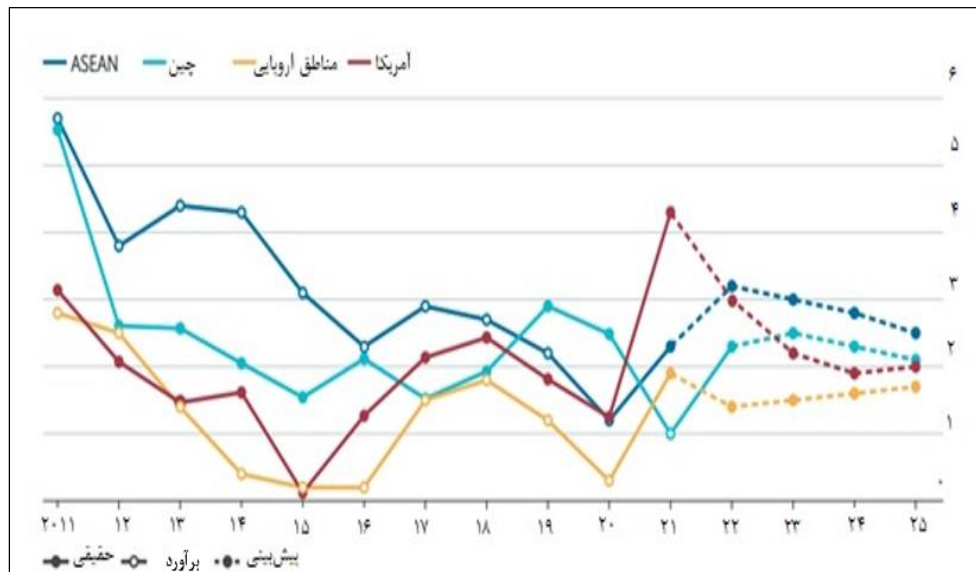
سناریو ۱: تشدید جنگ تجاری چین و ایالات متحده

ایالات متحده و چین برای نفوذ بیشتر در مدیریت جهانی در حال رقابت هستند. جو بایدن رئیس جمهور ایالات متحده در تلاش است تا کشورهای همفکر (عمدتاً غربی) را متقاعد کند که به طور مشترک بر چین فشار بیاورند که این فشار شامل محدودیت‌هایی در حوزه‌های تجاری، فناوری، مالی و سرمایه‌گذاری همراه با تحریم‌ها است. اگرچه بیشتر در عرصه فناوری مشهود است؛ اما این خطر وجود دارد که استراتژی متخذ بخش‌های صنعتی یا مصرف‌کننده را در برگیرد، به طوری که در یک سناریوی افراطی می‌تواند به یک موضع بی‌طرف از نظر اقتصادی برای کشورهای ثالث تبدیل شود و اقتصادهای حامی چین و ایالات متحده را از هم جدا کند. دوشاخه شدن کامل اقتصاد جهانی، شرکت‌ها را مجبور می‌کند تا دو زنجیره تأمین را با استانداردهای تکنولوژیکی متفاوت راه‌اندازی کنند. پیاده‌سازی شبکه‌های مخابراتی 5G ممکن است در برخی کشورها به تعویق بیفتد و تحریم‌های چین باعث افزایش عدم اطمینان در مورد تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی شود.

سناریو ۲: سقوط بورس ایالات متحده در اتخاذ سیاست‌های پولی انقباضی شدید

بررسی زنجیره تأمین، افزایش قیمت‌های انرژی، سیاست‌های پولی انبساطی و بهبود بخش واقعی اقتصاد (صنعت)، همگی عامل افزایش شدید تورم ایالات متحده در سال ۲۰۲۱ بوده است. بسیاری از این عوامل احتمالاً با تغییر اقتصاد ایالات متحده کاهش می‌یابند. به نظر می‌رسد که افزایش تورم، طولانی‌مدت نخواهد بود؛ اما باعث می‌شود که فدرال رزرو (بانک مرکزی) شروع به سیاست‌های پولی انقباضی با کاهش خرید دارایی‌های خود کند. در این حال، اگر انقباض پولی در بلندمدت انجام شود، نمی‌تواند تورم را در میان‌مدت رفع کند و ممکن است افزایش نرخ بهره تا سال ۲۰۲۲ ادامه داشته باشد.

با توجه به این‌که قیمت سهام/درآمد در حال حاضر بالاتر از قبل از سقوط سال‌های ۱۹۲۹ و ۲۰۰۷-۲۰۰۸ است، افزایش سریع نرخ بهره می‌تواند باعث سقوط شدید بازار سهام شود. تعداد بالای سرمایه‌گذاران خرد به این معنی است که قیمت سهام به شدت بر مصرف‌کننده‌های نهایی تأثیر می‌گذارد و احتمالاً اقتصاد ایالات متحده را تهدید می‌کند.



نمودار ۲: پیش‌بینی شاخص قیمت مصرف‌کنندگان

Source: EIU

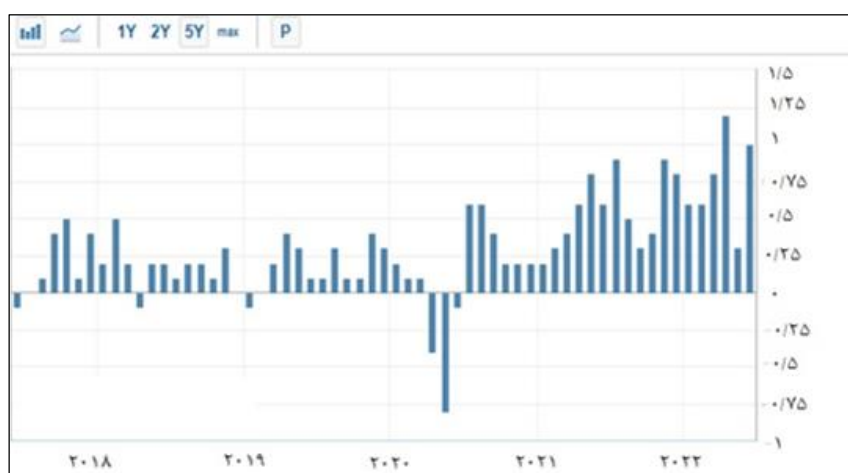
بر اساس فهرست مفصلی از تحولات جهانی که تا بدین جا گفته شد، در این گزارش مهم‌ترین تحولات که اثرگذارترین در روندهای جهانی می‌توانند باشند، انتخاب و نحوه اثرگذاری آنها بر اقتصاد جهان و ایران مورد تحلیل قرار گرفته است به طوری که انتخاب این تحولات و تحلیل کانال‌های اثرگذاری آنها بر اساس مطالعات منابع مرتبط، مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه مالی بین‌الملل و اخذ نظرات آنها انجام شده است. این تحولات شامل افزایش نرخ بهره آمریکا، بحران اوکراین، شوک ناشی از پاندمی، تحولات کشورهای همسایه و اروپا، تغییرات اقلیمی (کم‌آبی) و تحریم‌ها علیه اقتصاد کشور است که به صورت مشروح مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱- سیاست افزایش نرخ بهره آمریکا

۱-۱- روند چرایی اقدام به سیاست افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو

با شیوع همه‌گیری کرونا، به دلیل ترس از رکود ناشی از همه‌گیری، فدرال رزرو آمریکا با تزریق بیش از ۳ تریلیون دلار پول، خرید اوراق قرضه دولت آمریکا و همچنین کاهش نرخ بهره به ۰/۲۵ درصد تلاش کرد تا به توسعه و رشد کسب و کارها کمک کند و نتیجه آن، رشد اقتصادی قابل توجه آمریکا در سال ۲۰۲۱ بود. بعد از اقدامات فدرال رزرو، نرخ بیکاری آمریکا به طرز چشمگیری کاهش پیدا کرد و به سطوح قبل از شیوع همه‌گیری کرونا رسید. کسب و کارها رشد کردند و نتیجه این رشد در بازار رمزارزها و بورس آمریکا نمایان شد. بعد از اقدامات انبساطی بی‌سابقه بانک مرکزی آمریکا و با توجه به نرخ تورم بالا، فدرال رزرو تصمیم به کنترل تورم و رشد اقتصادی کرد و برای این موضوع دست به دامان افزایش نرخ بهره، کاهش ترازنامه بانک مرکزی و همچنین کاهش نرخ وام‌دهی شد.

بدین منظور بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو) در تاریخ چهار می (۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۱) در تلاش برای کنترل تورم که به بالاترین حد خود در ۴۰ سال گذشته رسیده است، افزایش نیم درصدی (۵۰ واحدی) نرخ بهره را اعلام کرد که نخستین چرخش بزرگ از می سال ۲۰۰۰ است. علاوه بر نرخ بهره، بانک مرکزی ماهانه ۱۰۰ میلیارد دلار از حجم ترازنامه خود را کاهش می‌دهد. به بیان بهتر، بانک مرکزی اوراق قرضه دولت آمریکا و شرکت‌ها را خریداری کرده و برای انجام سیاست‌های انقباضی یا اوراق قرضه را به صاحبانش بازگردانده و یا اینکه در اقدامی رایج‌تر اوراق را در بازار آزاد به فروش می‌رساند که این اتفاق سبب کاهش قیمت اوراق قرضه و افزایش نرخ بهره بلندمدت بازار می‌شود.



نمودار ۳: بازدهی اوراق خزانه ۱۰ ساله ایالات متحده آمریکا

Source: Investing.com

مطابق نمودار ۳ پس از شیوع ویروس کرونا، بازدهی اوراق خزانه ۱۰ ساله ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۰ به پایین‌ترین سطح بازدهی خود از سال ۱۹۸۱ تا به امروز رسید و مجدداً پس از حمایت‌های خزانه‌داری ایالات متحده، بازدهی این اوراق به محدوده سال ۲۰۱۸ بازگشت. این اتفاقات نشان از سیاست‌های پولی انقباضی سختگیرانه کشور آمریکا دارد و در همین دوران، کسری بودجه دولت نیز در حال کاهش می‌باشد. لازم است اثرات این سیاست‌های انقباضی از سطوح مختلف اثرگذاری بر اقتصاد آمریکا و دیگر کشورها مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲- اثرگذاری بر اقتصاد کشور آمریکا

پس از آنکه فدرال رزرو آمریکا تصمیم به افزایش نرخ بهره گرفت، هزینه استقراض نیز به دنبال آن افزایش یافته است چنانکه این افزایش‌ها آغازگر تأثیرات پلکانی و زنجیروار در اقتصاد آمریکا خواهد شد. به عنوان نخستین حلقه، بانک‌ها نرخ بهره خود را برای مشتریان و صاحبان کسب‌وکار افزایش می‌دهند که به دنبال آن، هزینه خرید خانه یا تأمین مالی شرکت‌ها افزایش می‌یابد. در نتیجه به دلیل افزایش هزینه مصرف‌کننده، رشد اقتصادی کند می‌شود. به هر حال این مسئله هزینه کالاها را ثابت نگه داشته و تورم را کاهش می‌دهد. آمارهای سه ماهه آغازین سال ۲۰۲۲ آمریکا نشان می‌دهند که رشد اقتصادی این کشور در ماه‌های مذکور حدود ۱/۴ درصد کاهش داشته و انتظار می‌رود این کاهش در ماه‌های آتی که با افزایش بیشتر نرخ بهره همراه است، شدیدتر شود.

افزایش نرخ بهره در آمریکا به موجب سیاست انقباضی پولی می‌تواند منجر به کاهش عرضه دلار در سطح داخلی آمریکا و در سطح بین‌المللی گردد که این امر منجر به افزایش قیمت دلار در سطح بین‌المللی خواهد شد؛ چراکه با افزایش نرخ بهره و افزایش تقاضای دلار، ورود سرمایه به آمریکا بیشتر شده و قیمت دلار در سطح بین‌المللی افزایش می‌یابد.

افزایش نرخ بهره آمریکا قبل از همه بر سیستم مالی، بانکی و بیمه‌ای خود آمریکا اثرگذار است و هزینه وام را افزایش می‌دهد. بنابراین اعطای تسهیلات به بخش‌های کسب‌وکار، بخش مسکن و غیره پرهزینه شده (نرخ تسهیلات بیش از نرخ بهره بانکی بالا می‌رود) و حجم آن کاهش می‌یابد. چون افزایش نرخ بهره یک‌درصدی، میزان اقساط وام‌ها را حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ دلار افزایش می‌دهد؛ بنابراین، افزایش نرخ بهره آمریکا و کاهش ترازنامه فدرال رزرو به عنوان ابزار سیاست پولی انقباضی به طور مستقیم از کانال سرمایه‌گذاری منجر به افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری، تقاضای کل و در نهایت کنترل سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ تورم در این کشور خواهد شد.

البته این افزایش در طی چند مرحله و به تدریج صورت گرفته و به ۱/۷۵ درصد خواهد رسید که ۰/۷۵ درصد افزایش خواهد یافت؛ بنابراین، این افزایش در سمت تقاضای اقتصاد این کشور اثر آنی و لحظه‌ای خواهد داشت. این کشور برای افزایش اشتغال و ظرفیت تولید و کاهش نرخ بیکاری می‌تواند از ابزارهای سیاست مالی مانند کنترل هزینه‌ها و کاهش نرخ مالیات‌ها و یا مالیات‌های ثابت نیز بهره بگیرد. در این صورت انگیزه کسب و کار و فعالیت‌های تولیدی افزایش یافته و در سمت عرضه به انتقال منحنی عرضه کل (AS) به سمت راست و در نتیجه کاهش سطح عمومی قیمت‌ها منجر خواهد شد.

۱-۳- اثر گذاری بر اقتصاد سایر کشورها

۱-۳-۱- تبیین نظری اثر گذاری سیاست افزایش نرخ بهره آمریکا بر کشورهای دیگر

به طور کلی، واکنش کشورهای مختلف به شوک پولی آمریکا بر اساس ویژگی‌هایی که هر یک دارند، متفاوت است. میزان استقلال بانک مرکزی، میزان استقلال سیاست پولی، سهم تجارت هر کشور با آمریکا از کل تولید ناخالص داخلی آن کشور و درجه باز بودن مالی کشورها ویژگی‌هایی هستند که نحوه واکنش کشورهای مختلف در مقابل شوک پولی آمریکا را مشخص می‌کند.

کشورهایی که نرخ ارز شناورتری دارند، دارای استقلال بیشتری برای بانک مرکزی هستند. از سوی دیگر، کشورهای که استقلال بانک مرکزی بیشتری دارند، واکنش مثبت به شوک پولی آمریکا نشان می‌دهند. برای مثال با افزایش نرخ بهره بانکی در آمریکا، واکنش سیاست‌های پولی این کشورها به گونه‌ای است که نرخ بهره آنها نیز افزایش می‌یابد. بر اساس تئوری‌های اقتصادی نیز، با توجه به اینکه یکی از وظایف اصلی بانک مرکزی کنترل تورم است، می‌توان انتظار داشت کشورهایی که بانک مرکزی مستقل‌تری دارند، برای جلوگیری از فشار تورمی ناشی از کاهش ارزش پول داخلی در واکنش به شوک پولی انقباضی کشور آمریکا، نرخ بهره کوتاه‌مدت را افزایش می‌دهد. اما واکنش مثبت کشورهای دارای بانک مرکزی مستقل، زمانی قوی‌تر است که سهم تجارت خارجی آنها با آمریکا از تولید ناخالص داخلی‌شان نسبت به دیگر کشورها بالاتر باشد. بنابراین هرچقدر سهم تجارت کشوری با آمریکا از تولید ناخالص داخلی‌اش بالاتر باشد، میزان واکنش او به شوک پولی انقباضی آمریکا شدیدتر خواهد بود؛ در مقابل هر قدر این سهم کمتر باشد، میزان واکنش نیز ضعیف‌تر است.

کشورهایی که سیاست گذاری پولی آنها با سیاست پولی آمریکا همراهی می‌کند و برای مثال به هنگام سیاست پولی انقباضی آمریکا و افزایش نرخ بهره، این کشورها نیز نرخ بهره خود را افزایش می‌دهند (کانادا)، به عنوان کشورهایی هستند که استقلال سیاست پولی کمتری دارند، درجه بازتری از لحاظ مالی داشته و واکنش مثبت به شوک پولی آمریکا نشان می‌دهند.

در مقابل، کشورهایی که همراهی کمتری با سیاست پولی آمریکا داشته و به اصطلاح، استقلال سیاست پولی بیشتری دارند، به عنوان کشورهایی هستند که درجه باز بودن از لحاظ مالی در آنها پایین است و اغلب این کشورها، در مقابل شوک پولی آمریکا واکنش منفی از خود نشان می‌دهند؛ یعنی با افزایش نرخ بهره آمریکا، نرخ بهره کوتاه‌مدت آنها کاهش می‌یابد. در مقابل، کشورهایی که درجه باز بودن مالی بیشتری دارند، استقلال سیاست پولی کمتری خواهند داشت و کشورهای با استقلال سیاست پولی کمتر، ثبات نرخ ارز بیشتری نسبت به کشورهای با استقلال سیاست پولی بیشتر دارند.

در تئوری، بر اساس فرضیه سه‌گانه ناممکن، بین درجه باز بودن مالی، ثبات نرخ ارز و استقلال سیاست پولی همواره یک بده بستان وجود دارد و سیاست‌گذار نمی‌تواند به هر سه آنها به‌طور همزمان دست یابد. بنابراین کشورهایی که از سیاست پولی آمریکا بیشتر پیروی می‌کنند، استقلال سیاست پولی کمتری دارند و در مقابل، درجه باز بودن مالی آنها بیشتر است. این کشورها واکنش مثبت به شوک پولی آمریکا نشان می‌دهند و ثبات نرخ ارز آنها نیز نسبتاً بالاتر است (هرچند این ثبات به لحاظ آماری معنی‌دار نیست).

همچنین کشورهایی که از سیاست پولی آمریکا کمتر پیروی می‌کنند، استقلال سیاست پولی برای آنها بیشتر بوده و در مقابل، درجه باز بودن مالی آنها کمتر است. این کشورها اغلب واکنش منفی به شوک پولی آمریکا نشان می‌دهند و در مقابل سیاست پولی انقباضی آمریکا، نرخ بهره خود را کاهش می‌دهند. ویژگی‌هایی که به لحاظ نظری گفته شد، برای گروه‌های مختلفی از کشورهای اعم از کشورهای اروپایی، اقتصادهای نوظهور، کشورهای با اقتصاد نفتی متفاوت است که در ادامه این بخش به هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

کشور ایران نیز به دلیل عدم استقلال بانک مرکزی، نداشتن نرخ ارز شناور و درجه پایین باز بودن مالی دارای ویژگی‌هایی متفاوت از کشورهایی است که در اینجا بررسی می‌شود. به نظر می‌رسد علاوه بر ویژگی‌های گفته شده، سهم کم تجارت با آمریکا از تولید ناخالص داخلی ایران، ویژگی دیگری باشد که موجب می‌شود واکنش سیاستی ایران به شوک پولی انقباضی آمریکا قابل ملاحظه نبوده و در واقع، اثرپذیری چندانی از این شوک نداشته باشد.

۱-۳-۲- تأثیر بر اقتصاد کشورهای اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای توسعه یافته

تأثیر افزایش نرخ بهره در اقتصاد جهان، از محل تقویت دلار اتفاق خواهد افتاد. علاوه بر این، تقویت دلار جریان سرمایه به سمت آمریکا را نیز افزایش می‌دهد. البته باید دید و رصد کرد واکنش دیگر کشورها به خصوص اتحادیه اروپا و ژاپن چه خواهد بود. به نظر می‌رسد آثار این افزایش نرخ بهره تا نیمه اول و اواخر پاییز مشخص می‌شود.

شاید بتوان گفت فارغ از سیاست آمریکا، افزایش نرخ بهره در برخی کشورها برای مقابله با تورم آنها انجام خواهد شد. به عنوان مثال بانک مرکزی اروپا، از قبل قصد افزایش نرخ بهره به میزان ۰/۲۵ درصد در ماه ژوئیه و ۰/۵ درصد در ماه سپتامبر را داشت، با این اقدام فدرال رزرو آمریکا، به نظر می‌رسد افزایش نرخ بهره خود را تسریع کنند تا مانع خروج سرمایه از کشورشان شوند. بانک مرکزی سوئیس نرخ بهره خود را ۰/۲۵ درصد و بانک مرکزی انگلیس هم ۰/۵ درصد افزایش داده است و ژاپن نیز قصد افزایش نرخ بهره خود را دارد.

اگر روند افزایش نرخ بهره کشورها این‌گونه ادامه یابد، وضعیت برابری پول کشورها در برابر دلار، کماکان ادامه پیدا می‌کند؛ اما اگر کشورهای دیگر، به‌ویژه اتحادیه اروپا با برنامه‌های قبلی خود ادامه دهد، افت یورو در مقابل دلار اتفاق خواهد افتاد. معنی این اقدامات این است که: ۱- دلار کماکان در حال و آینده پول قوی خواهد بود. ۲- یورو همچنان ضعیف‌تر است و دامنه نوسان آن بین ۱/۰۲-۱/۰۵ (۱/۰۶) درصد است تا موقعی که اتحادیه اروپا برای افزایش نرخ بهره تصمیم جدی‌تری بگیرد. ۳- پیچیدگی وضعیت اقتصادی اروپا در مقایسه با هر جای دیگر زیاد است (به جهت تعداد زیاد کشورها و نیاز به اجماع بین آنها)، به همین دلیل اتحادیه اروپا در زمان‌های لازم بسیار کند است و نسبت به کشورهای دیگر، با وقفه زمانی کار می‌کند.

بنابراین در آینده نه‌چندان دور، فارغ از اینکه اتحادیه اروپا چه زمانی تصمیم به افزایش نرخ بهره بگیرد، حجم پول در جهان کم و بسیار گران خواهد شد. بنابراین نقدینگی موضوع بسیار با اهمیتی شده و مشکل اصلی کسب‌وکار خواهد بود. روند افزایش قیمت‌ها به‌جز اتحادیه اروپا در دیگر کشورها کند خواهد شد. قیمت کامودیتی‌ها کاهش می‌یابد (نه خیلی زیاد) و یا در همین سطح تثبیت می‌شود. بنابراین، در آینده علاوه بر مشکل نقدینگی و پول برای کسب‌وکار، ریسک معاملات نیز افزایش می‌یابد و نکول از قراردادهای و تعهدات هم افزایش پیدا خواهد کرد. به نظر می‌آید که در نتیجه سیاست‌های افزایش نرخ بهره آمریکا و به دنبال آن سایر کشورها، در میان‌مدت اقتصاد جهان در حال ورود به رکود ۲ تا ۳ ساله است.

۱-۳-۳- تأثیر بر اقتصادهای نوظهور

بر اساس آنچه گفته شد، اثرات افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو نه‌تنها در آمریکا احساس خواهد شد بلکه ارزش برابری دلار در مقابل دیگر ارزها نیز افزایش می‌یابد. بنابراین افزایش نرخ بهره بانکی می‌تواند نشان از پایان رسمی بحران مالی در آمریکا و آغازی برای عادی شدن سیاست‌های پولی این کشور باشد. با این اقدام بسیاری از صاحبان سرمایه احتمالاً پول‌های خود را از بازارهای در حال ظهور خارج می‌کنند؛ چراکه اکنون در آمریکا مجدد بهره بانکی بالاتر برقرار شده است. این باعث می‌شود که تأمین مالی سرمایه‌گذاری در بازارهای در حال ظهور با مشکل مواجه شود و رشد در آن‌ها کاهش پیدا کند چنانکه این مهم‌ترین پیامد بالا بردن نرخ بهره آمریکا در اقتصاد دنیا خواهد بود.

همچنین این احتمال وجود دارد که کشورهای با بدهی‌های کلان مواجه‌اند نتوانند سیاست کاهش تورمی را دنبال کنند؛ چراکه برخی از کشورهای در حال توسعه که قبل از شروع کرونا به منظور اجرای سیاست‌های خود اقدام به اخذ وام‌های دلاری از ایالات متحده و بانک جهانی نموده‌اند، در دوران کرونا سرمایه‌گذاری‌های به عمل آمده با شکست مواجه شده است و این کشورها در حال حاضر مجبور به پرداخت اقساط وام‌ها می‌باشند. این کشورها که اغلب اقتصادهای در حال ظهور هستند، احتمالاً با افزایش نرخ دلار مجبور به اخذ سیاست‌های انبساطی و شاهد افزایش نرخ تورم در کشور خود خواهند شد. لازم به ذکر است که ایالات متحده آمریکا، تورم خود را از طریق افزایش نرخ دلار به تمامی کشورهای جهان با ضریب اهرم صادر می‌کند و این بیش از کشورهای دیگر، اقتصادهای نوظهور را دچار چالش خواهد کرد.

۱-۳-۴- تأثیر بر اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت

یکی از عوامل مهم در توضیح رفتار قیمت جهانی نفت خام در کوتاه‌مدت را می‌توان تغییر در نرخ بهره آمریکا دانست. به این ترتیب، در کوتاه‌مدت تغییر نرخ بهره باعث ایجاد انحراف در مسیر قیمت نفت خام از مسیر تعادلی می‌شود. این فرایند با تغییر نرخ بهره که به طور عمده ناشی از سیاست پولی بازار باز در فدرال رزرو است، به وجود می‌آید. به عنوان مثال، افزایش نرخ بهره عاملی است در جهت ترغیب فروش اوراق قرضه که به نوبه خود قیمت آن در اثر افزایش عرضه این اوراق، کاهش می‌یابد. از آنجا که قیمت و نرخ بهره اوراق رابطه عکس یکدیگر دارند، اتفاق مذکور باعث جذاب‌تر شدن خرید اوراق و هدایت نقدینگی از بازارهای دیگر، از جمله بازارهای آتی به سمت این اوراق خواهد شد. این اتفاق موجب اثرگذاری منفی افزایش نرخ بهره بر قیمت جهانی نفت خام می‌شود.

بنابراین هرچه تفاوت نرخ‌های بهره آمریکا و کشورهای صادرکننده نفت بیشتر باشد، تأثیر منفی افزایش نرخ بهره آمریکا بر درآمد این کشورها به واسطه کاهش قیمت نفت، بیشتر خواهد شد. بنابراین با افزایش نرخ بهره آمریکا، قیمت نفت و سایر کامودیتی‌ها ممکن است کاهش یابد. از آنجا که مهم‌ترین منابع درآمدی کشورهای صادرکننده نفت، به جز فروش نفت خام، فروش مشتقات نفتی و میعانات گازی است که آمریکا از بزرگ‌ترین مشتریان آن در جهان بوده و محصولات مذکور را در بازارهای جهانی خریداری می‌کند. بنابراین با افزایش نرخ بهره آمریکا که حجم تولید و در نتیجه مصرف نفت و سایر کامودیتی‌ها کاهش می‌یابد و به دنبال آن قیمت این محصولات هم کاهش خواهد یافت. این اتفاقات موجب کاهش درآمد کشورهای صادرکننده نفت در نتیجه سیاست پولی انقباضی آمریکا می‌شود.

۱-۳-۵- تأثیر بر اقتصاد سایر کشورها

لازم به ذکر است بسته به شرایط اقتصادی در کشورهای مختلف، نحوه واکنش به سیاست افزایش نرخ بهره آمریکا متفاوت خواهد بود. در کشورهایی که سیاست هدف‌گذاری و کاهش انحراف‌های تورمی را دنبال می‌کنند مانند نیوزلند، ترکیه، استرالیا، ارمنستان و ... افزایش نرخ بهره و در نتیجه کنترل نرخ تورم می‌تواند سیاست مناسبی در این زمینه تلقی شود. اما در کشورهایی که سیاست‌های لنگر ارزی و یا سایر سیاست‌های پولی را دنبال می‌کنند همانند ایران، عربستان سعودی، امارات، قطر و ... اجرای این سیاست ممکن است به تنهایی پیامدهای مثبتی همانند کنترل نرخ تورم و سطح عمومی قیمت‌ها را به همراه نداشته باشد و استفاده از ابزارهای سیاست مالی بتواند طرف عرضه اقتصاد را تحریک نموده و اقتصاد این کشورها را در رکود قرار ندهد. اقتصاد با کاهش تقاضای کل و سطح عمومی قیمت‌ها در رکود قرار گرفته و لازم است از سیاست‌های دیگری برای خروج از رکود استفاده شود.

۱-۳-۶- تأثیر بر بازار جهانی طلا

از آنجا که اقتصاد آمریکا به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا شناخته می‌شود، قیمت‌گذاری اغلب کالاها از جمله طلا با ارز این کشور، یعنی دلار صورت می‌گیرد؛ بنابراین ارزش دلار بر روی بازار طلا بسیار اثرگذار است. در ادامه چگونگی تأثیرگذاری سیاست‌های نرخ بهره از طریق بانک‌های آمریکا بر روی نرخ دلار و بازار طلا را بررسی خواهیم کرد. اصولاً از نرخ بهره به عنوان یک سیاست انقباضی استفاده می‌شود و این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که اقتصاد در شرایط مطلوبی به سر می‌برد. بنابراین زمانی که فدرال رزرو آمریکا نرخ بهره خود را افزایش می‌دهد، این سیگنال به بازار مخابره می‌شود که اقتصاد آمریکا در حال رشد است و در نتیجه ارزش دلار در برابر سایر ارزها بالا می‌رود؛ بنابراین قیمت جهانی طلا افت خواهد کرد.

اثر دیگر نرخ بهره بر روی بازار جهانی طلا به این دلیل است که فلز طلا به عنوان یک دارایی بدون بهره (برخلاف اوراق قرضه، بهره یا سود سالیانه ندارد و ارزش آن فقط به خودش است) محسوب می‌شود. پس زمانی که نرخ بهره افزایش می‌یابد، هزینه فرصت نگهداری طلا بالا رفته و بازار برای کسب سود بیشتر به سمت اوراق قرضه متمایل می‌شود و افراد تمایل کمتری برای خرید طلا به عنوان یک دارایی بدون پرداخت بهره خواهند داشت و این موضوع تقاضای طلا را در بازارهای جهانی کمتر کرده و بازهم باعث افت قیمت طلا خواهد شد.

بنابراین با افزایش نرخ بهره در آمریکا، ارزش دلار تقویت شده و قیمت طلا در بازارهای جهانی کاهش می‌یابد. افزایش نرخ بهره موجب تقویت ارزش دلار در برابر دیگر ارزهای جهانی می‌شود و در نتیجه جذابیت فلز زرد را برای سرمایه‌گذاران کمتر کرده تا کاهش تقاضا، افت قیمت را رقم بزند. پیش از این، از زمان شروع بحران جهانی در سال ۲۰۰۷ و کاهش نرخ بهره آمریکا، قیمت جهانی طلا روند رو به رشدی داشت و از حدود ۵۰۰

دلار در هر اونس به ۱۸۰۰ دلار در سال ۲۰۱۱ رسید. پس از آن با توجه به بهبود اقتصاد جهانی و خروج تدریجی اقتصاد آمریکا از رکود، قیمت جهانی طلا به کمتر از ۱۱۰۰ دلار در هر اونس رسید و اکنون حتی پیش‌بینی‌ها از کاهش قیمت جهانی طلا به کمتر از هزار دلار پس از افزایش نرخ بهره آمریکا حکایت دارد.

البته در مورد این مسئله برای اقتصاد ایران باید گفت، هرچند سیاست افزایش نرخ بهره آمریکا توسط فدرال رزرو با کاهش جذابیت طلا برای سرمایه‌گذاری، باعث افت قیمت طلا خواهد شد. با این حال باید این مسئله را نیز در نظر گرفت که در شرایط فعلی اقتصاد ایران، طلا (به عنوان دارایی با ریسک کمتر) باز هم به عنوان ابزار سرمایه‌گذاری همواره دارای مطلوبیت بوده و ممکن است در بازار ایران، کاهش قیمت طلا کمتر از بازار جهانی آن باشد.

۱-۳-۷- تأثیر بر بازار رمزارزها در جهان و ایران

افزایش نرخ بهره آمریکا، جذابیت سپرده‌گذاری و خرید اوراق قرضه در این کشور را نیز افزایش داده و به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر بازار رمزارزها و ریزش ارزش آنها در ماه‌های اخیر نیز می‌تواند باشد. به طور کلی، گسترش معاملات رمزارزها موجب کاهش استقلال پولی بانک‌های مرکزی جهان شده است و نوسانات رمزارزها باعث گردیده تا قدرت بانک‌های مرکزی در اجرای سیاست‌های پولی کاهش یابد. این چالش برای کشورهای در حال توسعه، با جدیت بیشتری همراه است به طوری که با ایجاد نوسانات در این بازارها، خروج سرمایه ارزی از این کشورها قابل توجه است. ایران به عنوان پنجمین استخراج‌کننده بزرگ دنیا برای رمزارزها معرفی شده است. در سال ۲۰۲۱، چین (۰.۴۶٪)، آمریکا (۰.۱۷٪)، قزاقستان (۰.۸٪) و روسیه (۰.۷٪) و ایران (۰.۵٪) معاملات جهانی این بازار را تشکیل داده‌اند.

گسترش بازار رمزارزها موجب تغییرات ساختاری در بازارهای مالی کشورها شده و بسته به توسعه این بازارها (هم بازار ارز دیجیتال و هم بازار مالی کشور) اثرات متفاوتی در آنها داشته است: در کشور چین تأثیر مثبت و معنی‌دار بر بازدهی و حجم بازارهای مالی این کشور داشته در حالی که در تایوان، اثرگذاری منفی بوده است. این اثرگذاری متفاوت، به واسطه حجم معاملات رمزارزها و سیستم حکمرانی رمزارزهای^۱ متفاوتی که این دو کشور دارند، ایجاد شده است.

در چین آمارها نشان می‌دهد با افزایش نوسانات رمزارزها، تقاضای سرمایه‌گذاران برای پول داخل بیشتر می‌شود و این باعث افزایش ارزش پول ملی به صورت معنی‌دار می‌گردد. چنانکه در ریزش اخیر قیمتی ارزهای دیجیتال، ارزش پول ملی این کشور تحت تأثیر منفی بازار مذکور قرار نگرفت؛ اما نتایج بررسی آماری در ایران نشان می‌دهد، معاملات رمزارزها و نوسانات آن ارتباط معنی‌داری با نوسانات نرخ ارز دلار و همین‌طور ارزش ریال در

بازار ایران ندارد. در واقع، هرچند ارتباط نوسانات ارزش رمز ارز بیت کوین با ارزش نرخ دلار در بازار ایران منفی است و با کاهش ارزش رمز ارز، ارزش دلار افزایش یافته است؛ اما این ارتباط از لحاظ آماری معنی دار نیست.

۱-۴- اثرگذاری افزایش نرخ بهره آمریکا بر اقتصاد ایران

۱-۴-۱- تحلیل روند

در این قسمت از گزارش به دنبال بررسی رابطه میان نرخ تورم، نرخ دلار و نرخ یورو در اقتصاد ایران با متغیرهای اقتصاد کلان ایالات متحده آمریکا؛ یعنی نرخ دلار (به SDR)، نرخ تورم و نرخ بهره این کشور هستیم. برای بررسی متغیر نرخ بهره، از نرخ بازده اوراق خزانه با سررسید یکساله استفاده شده است. برای درک بهتر از وضعیت این متغیرها لازم است آماره‌های توصیفی آن‌ها را برآورد و ارائه نماییم. جدول (۱) آماره‌های توصیفی داده‌های پیش‌گفته به صورت ماهیانه برای دوره زمانی آوریل ۲۰۱۳ (فروردین ۱۳۹۲) تا انتهای ژوئن سال ۲۰۲۲ (خرداد ۱۴۰۱)؛ یعنی ۱۱۱ مشاهده ماهانه را نشان می‌دهد.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی داده‌های ماهیانه متغیرهای منتخب اقتصاد ایران و آمریکا برای دوره فروردین ۱۳۹۲ تا خرداد ۱۴۰۱

نام متغیر	نرخ تورم ماهانه ایران	نرخ دلار (ریال)	نرخ دلار آمریکا به SDR	نرخ تورم ماهانه آمریکا	نرخ بازده اوراق خزانه با سررسید یکساله (آمریکا)
آماره	INF-IR	DOLAR	USD	INF-US	MY1Y
میانگین	۲۳.۸	۱۰۵۰۱۲	۰.۷۰۵۲	۲.۲۲	۰.۸۶
میانه	۲۴.۵	۴۰۶۴۶	۰.۷۱۱۹	۱.۷۰	۰.۵۳
حداکثر	۴۵.۸	۳۱۴۰۸۶	۰.۷۴۶۸	۹.۱۰	۲.۷۰
حداقل	۶.۹	۲۹۴۹۸	۰.۶۴۵۹	-۰.۲۰	۰.۰۵
انحراف معیار	۱۳.۲۹	۹۰۷۲۳	۰.۰۲۶۰	۲.۰۰	۰.۸۶
چولگی	۰.۱۱	۰.۹۱	-۰.۹۸	۱.۸۸	۰.۸۱
کشیدگی	۱.۴۶	۲.۳۰	۳.۰۲	۶.۱۵	۲.۱۹
تعداد مشاهدات (ماه)	۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱

مأخذ: فدرال رزرو آمریکا و صندوق بین‌المللی پول، محاسبات پژوهش حاضر

برای آزمون همبستگی میان متغیرهای منتخب اقتصاد آمریکا و ایران ضروری است، ضرایب همبستگی بین سطح و تفاضل اول این متغیرها برآورد و تحلیل شوند. جدول (۲) ضرایب همبستگی میان متغیرهای منتخب اقتصاد ایران و آمریکا برای دوره فروردین ۱۳۹۲ تا خرداد ۱۴۰۱ را برآورد و ارائه کرده است.

جدول ۲: برآورد و آزمون ضرایب همبستگی میان متغیرهای منتخب اقتصاد ایران و آمریکا برای دوره فروردین ۱۳۹۲ تا خرداد ۱۴۰۱

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	آماره t	ارزش احتمال*
INF-IR	USD	-۰.۲۰۱۳	-۲.۱	۰.۰۳
تورم ایران	دلار به SDR			
DOLAR	USD	۰.۲۹۹۲	۳.۳	۰.۰۰
دلار به ریال	دلار به SDR			
EURO	USD	۰.۲۵۸۱	۲.۸	۰.۰۱
یورو به ریال	دلار به SDR			
INF-IR	INF-IR	۰.۴۷۵۶	۵.۶	۰.۰۰
تورم ایران	تورم آمریکا			
DOLAR	INF-IR	۰.۶۷۳۴	۹.۵	۰.۰۰
دلار به ریال	تورم آمریکا			
EURO	INF-IR	۰.۶۶۲۲	۹.۲	۰.۰۰
یورو به ریال	تورم آمریکا			
INF-IR	MY1Y	-۰.۲۱۱۷	-۲.۳	۰.۰۳
تورم ایران	سررسید یک‌ساله			
DOLAR	MY1Y	۰.۰۳۳۳	۰.۳	**۰.۷۳
دلار به ریال	سررسید یک‌ساله			
EURO	MY1Y	۰.۰۰۹۶	۰.۱	**۰.۹۲
یورو به ریال	سررسید یک‌ساله			

* چنانچه ارزش احتمال کوچک‌تر یا مساوی ۰,۰۵ باشد؛ یعنی با احتمال ۹۵ درصد ضریب به دست آمده مورد قبول و تأیید است.
 ** ضریب همبستگی مورد نظر از نظر آماری معنی‌دار نیست.

نتایج جدول (۲) به شرح زیر است:

- از تعداد ۹ زوج متغیر مندرج در جدول (۲) ضرایب همبستگی تعداد ۷ زوج از نظر آماری معنی‌دار هستند. زوج متغیرهای نرخ دلار به ریال ایران با نرخ بازده اوراق خزانه یک‌ساله آمریکا و نرخ یورو به ریال ایران با نرخ بازده اوراق خزانه یک‌ساله آمریکا از نظر آماری معنی‌دار نیستند.
- نرخ تورم در ایران (INF-IR) با نرخ دلار آمریکا به SDR ضریب همبستگی منفی و معنی‌دار دارد که مورد تردید است. در جدول بعدی این ضریب همبستگی را برای تفاضل اول محاسبه و آزمون خواهیم کرد.
- نرخ تورم در ایران (INF-IR) با نرخ تورم در آمریکا همبستگی مثبت و با نرخ بازده اوراق خزانه آمریکا همبستگی منفی و معنی‌دار دارد. همانند بند ۲ این دو همبستگی به دست آمده مورد تردید بوده که لازم است ضرایب همبستگی تفاضل اول آن‌ها محاسبه و آزمون شود.

۴- نرخ دلار و یورو در بازار ایران با نرخ دلار آمریکا به SDR همبستگی مثبت داشته که مورد پذیرش است. این دو متغیر همچنین با نرخ بازده خزانه آمریکا همبستگی مثبت دارند که قابل قبول است. نحوه اثرگذاری به این صورت است که افزایش نرخ بازده خزانه (نرخ بهره) در آمریکا موجب کاهش تورم و تقویت دلار می‌شود و از آنجاکه دلار آمریکا با نرخ دلار در بازار ایران همبستگی مثبت دارد، پس نرخ دلار در بازار ایران نیز افزایش می‌یابد.

ضرایب همبستگی در جدول (۲) بر اساس سطح متغیرها برآورد و محاسبه شده است. برای اطمینان از کاذب نبودن آن‌ها، لازم است ضرایب همبستگی میان تغییرات این متغیرها برآورد و آزمون شود. جدول (۳) ضرایب همبستگی میان تفاضل اول متغیرهای منتخب اقتصاد ایران و آمریکا برای دوره فروردین ۱۳۹۲ تا خرداد ۱۴۰۱ را نشان می‌دهد.

جدول ۳: برآورد و آزمون ضرایب همبستگی میان تفاضل اول متغیرهای منتخب اقتصاد ایران و آمریکا برای دوره فروردین ۱۳۹۲ تا خرداد ۱۴۰۱

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	آماره t	ارزش احتمال*
INF-IR	USD	-۰.۱۱۴۱	-۱.۲	۰.۲۳**
تورم ایران	دلار به SDR			
DOLAR	USD	۰.۰۸۰۹	۰.۸	۰.۴۰**
دلار به ریال	دلار به SDR			
EURO	USD	-۰.۰۲۹۱	-۰.۳	۰.۷۶**
یورو به ریال	دلار به SDR			
INF-IR	INF-IR	۰.۱۳۰۸	۱.۴	۰.۱۷**
تورم ایران	تورم آمریکا			
DOLAR	INF-IR	-۰.۰۲۶۰	-۰.۳	۰.۷۹**
دلار به ریال	تورم آمریکا			
EURO	INF-IR	-۰.۰۳۳۶	-۰.۴	۰.۷۳**
یورو به ریال	تورم آمریکا			
INF-IR	MY1Y	-۰.۰۴۸۱	-۰.۵	۰.۶۲**
تورم ایران	سررسید یک‌ساله			
DOLAR	MY1Y	۰.۰۰۷۱	۰.۱	۰.۹۴**
دلار به ریال	سررسید یک‌ساله			
EURO	MY1Y	-۰.۰۳۴۴	-۰.۴	۰.۷۲**
یورو به ریال	سررسید یک‌ساله			

* چنانچه ارزش احتمال کوچک‌تر یا مساوی ۰.۰۵ باشد؛ یعنی با احتمال ۹۵ درصد ضریب به‌دست‌آمده مورد قبول و تأیید است.

** ضریب همبستگی مورد نظر به لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

بر اساس نتایج جدول (۳) هیچ‌کدام از ضرایب همبستگی میان تفاضل اول زوج‌های دوتایی متغیرهای مورد بررسی از نظر آماری معنی‌دار نیستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت متغیرهای منتخب اقتصاد آمریکا با متغیرهای منتخب اقتصاد ایران همبستگی ندارند؛ به عبارت دیگر، این متغیرها با هم رابطه خطی ندارند. ممکن است این رابطه به صورت غیرخطی بوده و یا رابطه مذکور به شکل وقفه‌ای عمل کند که بررسی و آزمون آن نیازمند طراحی و برآورد مدل اقتصادسنجی است.

۱-۴-۲- کانال‌های اثرگذاری بر اقتصاد ایران

افزایش نرخ بهره آمریکا منجر به کاهش سرمایه‌گذاری، تقاضای کل و سطح عمومی قیمت‌ها شده و در نتیجه نرخ تورم در این کشور کاهش می‌یابد. با توجه به اینکه ایران دارای لنگر تعدیلی نرخ دلار است، این تأثیر از طریق تقویت دلار بر اقتصاد ایران اثرگذار خواهد بود و موجب افزایش نرخ تورم در اقتصاد می‌شود. هزینه پول در بازار افزایش می‌یابد؛ اما بخش رسمی اقتصاد به دلیل عدم کارکرد نرخ بهره، در نتیجه این افزایش هزینه، درگیر اثر انقباض، ازدحام، آشوب و نااطمینانی می‌شود.

درواقع آنچه در اقتصاد ما اتفاق می‌افتد، اغلب از طریق بخش غیررسمی به رسمی ما منتقل می‌شود؛ اما ذکر این نکته ضروری است که ایران سیاست‌های انفعالی تجاری و تعرفه‌ای دارد. برای مثال، این سیاست‌ها می‌تواند در قالب اکو و مذاکرات اورال آسیا دنبال شود؛ در حالی که تا حدود زیادی سیاست‌های تجاری و اقتصادی در ایران به پانویس و فوت نوت روابط بین‌الملل سیاست خارجی تبدیل شده است. ایران در این زمینه‌ها بسیار زیاد دچار انفعال است.

بنابراین، با توجه به بسته بودن اقتصاد و حجم پایین نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی به عنوان یکی از معیارهای درجه باز بودن اقتصاد ممکن است اثر این افزایش بر متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهایی با نظام پولی لنگر ارزی مانند ایران کاملاً در کوتاه‌مدت احساس نشود. متغیری که ارتباط بین اقتصاد داخل با اقتصادهای خارج را برقرار می‌کند، نرخ ارز حقیقی است که به صورت حاصل ضرب نرخ ارز اسمی در نسبت شاخص بهای تولیدکننده در آمریکا به شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در ایران تعریف می‌شود.

در حال حاضر مخرج کسر که بیانگر شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در ایران است در مقایسه با صورت کسر بیشتر می‌باشد؛ لذا این نسبت در حال کاهش است. اگر افزایش نرخ ارز اسمی یا ارزش دلار برحسب ریال بر کاهش این نسبت غلبه نماید، انتظار بر این است که نرخ ارز حقیقی افزایش یافته و به تبع آن، قدرت رقابت‌پذیری کالاها و خدمات داخلی در مقایسه با کالاهای خارجی افزایش یافته و در نتیجه از طریق انتقال منحنی تعادل بازار کالا (IS) به سمت راست و بالا به افزایش نرخ بهره و تولید و درآمد ملی کمک کرده و ظرفیت تولید را افزایش دهد.

اگر نرخ ارز حقیقی کاهش یابد تحلیل در جهت عکس صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، با کاهش نرخ ارز حقیقی و انتقال منحنی IS به سمت چپ، نرخ بهره کاهش و تولید و درآمد ملی هم کاهش می‌یابد. اگرچه احتمالاً تقاضا برای کامودیتی‌ها، صادرات ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما نکته‌ای که باید مدنظر داشت این است که کالاهای تولید و صادر شده در کشورهای در حال توسعه چندان از ارزش افزوده بالاتری برخوردار نبوده و افزایش نرخ ارز حقیقی در این قبیل کشورها نمی‌تواند منجر به تحریک صادرات و تولید شود، زیرا صادرات مازاد تولید است.

بر همین اساس، در این شرایط نمی‌توان انتظار داشت اشتغال افزایش یابد که این متغیر به عنوان متغیر عملکردی با مسائل و چالش‌های خاص خود در بازار کار و قوانین آن مواجه است که خود موضوع تحلیل و بحث مجزایی را می‌طلبد. به عنوان جمع‌بندی مباحث در صورتی که هدف کاهش زیان اجتماعی در کشور باشد این مهم می‌تواند از طریق اجرای سیاست‌های مالی انبساطی و عمدتاً کاهش نرخ مالیات و بهبود فضای کسب و کار و افزایش سهم هزینه‌های تحقیق و توسعه و نیز توجه به مقوله اقتصاد دانش‌پایه و دانش‌محور باشد که از طریق ارتقای بهره‌وری عوامل تولید می‌تواند به افزایش تولید، اشتغال و در نتیجه کاهش سطح عمومی قیمت‌ها و کنترل نرخ تورم از جانب طرف عرضه^۱ منجر شود.

۲- تحولات بحران اوکراین و تأثیر آن بر اقتصاد جهان و ایران

۲-۱- اثرات جنگ اوکراین بر اقتصاد جهانی

تحولات نظامی بین روسیه و اوکراین نیز در کنار سیاست پولی انقباضی آمریکا، یکی دیگر از مسائل و تحولات جهانی است که می‌تواند متغیرهای اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و به کاهش امنیت سرمایه‌گذاری در کشورها و کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم خارجی منجر شود. با کاهش سرمایه‌گذاری، انتقال و ورود فناوری و تکنولوژی تولید تقلیل یافته و در نتیجه تابع تولید به سمت چپ و بالا منتقل شده که در نتیجه آن، کاهش تولید و اشتغال و قرار گرفتن اقتصاد در رکود از جانب عرضه و نیز تقاضا خواهد بود.

از سوی دیگر با کاهش امنیت سرمایه‌گذاری و نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری حساب تراز سرمایه با کسری مواجه شده که در نتیجه آن توازن و تعادل تراز پرداخت‌ها به هم خورده و سرانجام انتقال سرمایه به کشورهای خارج و ایمن از نظر امنیت سرمایه‌گذاری و کاهش تولید و اشتغال خواهد بود. همچنین این پدیده‌ها می‌تواند بر بخش‌های مختلف اقتصادی به یک میزان اثرگذار نبوده و اثرات متفاوتی به همراه داشته باشد که با روش مدل‌های تعادل عمومی محاسبه‌پذیر و به‌ویژه تصادفی پویا آثار شوک‌های وارده بر متغیرهای کلان اقتصادی و نیز میرایی و یا نامیرایی آنها را می‌توان تجزیه و تحلیل و بر این اساس توصیه سیاست‌گذاری مناسب ارائه کرد.

بررسی وضعیت اقتصادی روسیه و اوکراین نشان می‌دهد که این دو کشور مجموعاً ۱۲ درصد از وسعت جغرافیایی جهان و ۲/۵ درصد از جمعیت جهان را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در سال ۲۰۲۰، کشور اوکراین برخلاف روسیه رشد مثبت اقتصادی را تجربه کرده است. وضعیت اقتصادی در روسیه و اوکراین نشانگر آن است که درآمد سرانه روسیه حدود دو برابر درآمد سرانه در اوکراین است. این دو کشور مجموعاً حدود ۱/۳ درصد صادرات جهان و ۲ درصد واردات جهان را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین روسیه و اوکراین با چین روابط تجاری بالایی داشته‌اند و چین جزء سه کشور در صدر تجارت با دو کشور بوده است، هرچند که روابط چین با روسیه بسیار استراتژیک و عمیق است.

بر همین اساس، این بحران برای کشورهای جهان، تهدیدها و فرصتهایی را به همراه دارد. مسلماً یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهایی که بحران مذکور می‌تواند برای کشورهای به‌خصوص اروپایی داشته باشد، مسئله انتقال انرژی است. امروزه کشور روسیه یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان گاز اروپا بوده و این موضوع تبدیل به اهرم فشاری برای روسیه شده است و کشورهای اروپایی به راحتی قادر به اعمال تحریم‌های سختگیرانه علیه این کشور نیستند. همچنین با این بحران، قیمت نفت جهانی با افزایش بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شده است که می‌تواند بر زنجیره تأمین کالاها نیز اثرگذار باشد. از طرفی کشورهای درگیر این بحران؛ یعنی روسیه و اوکراین جزء کشورهای اصلی تولیدکننده غلات در دنیا هستند که این موضوع بسیاری از کشورها را در تأمین کالاهای

اساسی خود با نگرانی روبه‌رو کرده است. از طرفی با شروع پاندمی کرونا، کشورهای دنیا به خصوص کشورهای اروپایی به تدریج در حال خروج از رکود ناشی از کرونا بودند که با بحران به وجود آمده و علاوه بر آن، افزایش قیمت انرژی، می‌توان انتظار به وجود آمدن یک رکود تومی در کشورهای اروپایی را داشت. در این بین تأثیرات جانبی دیگر این بحران بر بخش گردشگری، قیمت طلای جهانی و همچنین دستاوردهای علمی از طریق محدودیت‌های پذیرش دانشجو نیز، قابل بررسی است.

گزارش جدید بانک جهانی در مورد چشم‌انداز بازار کالاهای کلیدی در جهان که ۲۲ آوریل ۲۰۲۲ منتشر شده است، در مورد تأثیرات جنگ اوکراین بر قیمت کالاها در جهان هشدار می‌دهد. این گزارش استدلال می‌کند که جنگ اوکراین الگوهای سابق تجارت، تولید و مصرف را در جهان به صورتی چشمگیر تحت تأثیر قرار داده و قیمت‌ها بسیار افزایش یافته است. افزایش قیمت‌ها تا پایان سال ۲۰۲۴ ادامه پیدا خواهد کرد. از منظر گزارش، افزایش قیمت انرژی در دو سال گذشته بیشترین میزان از سال ۱۹۷۳ و بحران جهانی نفت بوده است. قیمت آن دسته از مواد غذایی که روسیه و اوکراین تولیدکنندگان بزرگ آن محسوب می‌شوند و همچنین کودهای شیمیایی که برای تولید به گاز طبیعی نیاز دارند به بالاترین میزان از سال ۲۰۰۸ رسیده است. بانک جهانی آن را بزرگ‌ترین شوک به قیمت کالاها از دهه ۱۹۷۰ توصیف کرده است.

علاوه بر افزایش قیمت‌ها، مشکلات ناشی از جنگ باعث شده تا محدودیت‌ها در تجارت مواد غذایی، سوخت‌های فسیلی و کودهای شیمیایی افزایش یابد. روند افزایش قیمت و کمبود توأمان کالاهای بسیار کلیدی، باعث شده تا اقتصاد جهانی با رکود تومی مواجه شود. بانک جهانی در گزارش‌های خود پیش‌بینی کرده است که قیمت حامل‌های انرژی در سال ۲۰۲۰ بیش از ۵۰ درصد افزایش یابد و سپس در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ اندکی تعدیل گردد.

قیمت کالاهای دیگر شامل محصولات کشاورزی و فلزات نیز حدود ۲۰ درصد در سال ۲۰۲۲ افزایش خواهد یافت و در سال‌های آتی قدری تعدیل خواهد شد. در صورتی که جنگ اوکراین طولانی شود و تحریم‌های بیشتری علیه روسیه، به‌ویژه در صنعت نفت و گاز این کشور صورت گیرد، قیمت کالاهای مورد اشاره از پیش‌بینی‌های گزارش نیز فراتر خواهد رفت.

با تأثیر فزاینده جنگ بر تجارت و تولید نفت، انتظار می‌رود قیمت نفت برنت در سال ۲۰۲۲ به‌طور میانگین ۱۰۰ دلار باشد که بالاترین میزان از سال ۲۰۱۳ محسوب می‌شود و افزایش ۴۰ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۱ را نشان می‌دهد. قیمت نفت برنت در سال ۲۰۲۳، ۹۲ دلار برآورد شده که نسبت به میانگین ۵ سال اخیر که ۶۰ دلار بوده است افزایش زیادی خواهد بود. قیمت گاز طبیعی در اروپا در سال ۲۰۲۲ دو برابر قیمت این حامل انرژی در مقایسه با سال ۲۰۲۱ خواهد بود و قیمت زغال‌سنگ ۸۰ درصد افزایش خواهد یافت. قیمت غلات تا پایان سال ۲۰۲۲ حدود ۴۰ درصد افزایش خواهد یافت که بالاترین میزان قیمت این محصولات در

دهه‌های اخیر خواهد بود. قیمت فلزات حدود ۱۶ درصد در سال جاری میلادی افزایش خواهد یافت و در سال ۲۰۲۳ اندکی تعدیل خواهد شد. در ادامه با تفصیل بیشتری به کانال‌های اثرگذاری بحران اوکراین بر اقتصاد جهان پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱- بحران اوکراین و قیمت جهانی کالاهای اساسی

انرژی و نفت به عنوان مهم‌ترین کالاهای اساسی در سطح جهان هستند که به دنبال بحران جنگ روسیه و اوکراین، با افزایش قیمت جهانی آنها نرخ تورم اغلب کشورهای جهان افزایش پیدا کرده است. علاوه بر این، قیمت کالاهای ضروری مانند گندم، خوراک دام و روغن نیز به شدت در ماه‌های اخیر رشد کرده و روی افزایش قیمت کالاهای وارداتی کشورها تأثیر گذاشته است. به طور کلی، افزایش جهانی قیمت برخی کالاهای اساسی که سهم زیادی در مصرف جهانی دارند، موجب افزایش قیمت این کالاها در کشورهای مختلف شده و منجر به کاهش مصرف این نوع کالاها گردیده است. در مقیاس وسیع‌تر، کاهش مخارج این نوع کالاها می‌تواند باعث کاهش تولید ناخالص داخلی و حتی سرمایه‌گذاری (در برخی کشورها که این نوع کالاها میزان تقاضای بالایی دارند)، شود.

بر اساس پژوهش‌های انجام گرفته، اثر افزایش قیمت کالاهای اساسی (به‌ویژه گندم و ...) بر افزایش کالاهایی مانند نان در کشورهای مختلف، به سهم کشاورز از دلار مواد غذایی در آن کشور^۱ و درصدی از درآمد افراد که صرف مواد غذایی می‌شود، بستگی دارد. به عنوان مثال، متوسط سهم کشاورز برای هر دلاری که صرف یک قرص نان در کانادا می‌شود، ۴ درصد و برای خمیر که فرایند تولید کمتری در مقایسه با نان دارد، ۱۹ درصد است. به طور کلی، سهم کشاورز از دلار غذایی در آمریکا حدوداً ۱۶ درصد و در کانادا این مقدار، کمی بالاتر است.

درواقع هرچه قدر برای یک کالا، مراحل ارزش افزوده بیشتری بعد از کشاورزی در فرایند تولید اقتصادی کشور وجود داشته باشد، سهم کشاورز از دلار غذایی آن کشور کمتر خواهد بود. بنابراین در کشورهای در حال توسعه، سهم کشاورز بسیار بالا بوده که حدود ۵۰ درصد است و در نتیجه، ضریب همبستگی بسیار قوی بین قیمت گندم و قیمت نان در این کشورها وجود دارد. بر این اساس، افزایش قیمت گندم اثر بیشتری بر روی قیمت تولیدات با پایه گندم^۲ در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای پیشرفته خواهد داشت.

از طرف دیگر هرچه متوسط درصد درآمدی خرج شده روی مواد غذایی در یک کشور بالاتر باشد (که در کشورهای در حال توسعه معمولاً چنین است)، نیاز به واردات بیشتر گندم با هزینه بالاتر در مقایسه با حالتی

1. Farmer share of their food dollar
2. Wheat-based products

که این کشورها از اوکراین وارد می‌کردند، خواهند داشت. به عبارت دیگر، آنها در تنگنای بازار مجبور به هزینه بیشتری خواهند شد و تورم مواد غذایی آنها در مقایسه با کشورهای پردرآمد، بالاتر خواهد بود.

۲-۱-۲- بحران اوکراین و تأثیر بر بازارهای مالی جهان

سبد دارایی‌های فعالان اقتصادی و مردم، ترکیبی از انواع دارایی‌ها از جمله اوراق بهادار؛ و این سال‌ها نیز انواع رمزارزها است. در حالت طبیعی صاحبان دارایی‌ها در پی حداکثرسازی مطلوبیت انتظاری سبد دارایی خود هستند و با تغییر نرخ هریک، جابجایی و تغییر تقاضا برای انواع دارایی و در نتیجه تغییر قیمت و بازدهی هریک رخ می‌دهد. بر این اساس، بروز جنگ در هر منطقه احتمالاً موجب تأثیر بر بورس همان کشور و گسترش جنگ، موجب سرایت تأثیر ناامنی بر بورس‌های منطقه و جهان خواهد شد و این نیز موجب تغییرات قیمتی به نفع طلا می‌شود.

تغییرات تقاضا و حرکت به سمت طلا به عنوان نقدترین فلز دارای ارزش در جهان، به طور طبیعی بر کاهش تقاضا بر سایر انواع دارایی‌ها از جمله رمزارزها مؤثر خواهد بود. تأثیر جنگ بر ریزش ارزش رمزارزها طبیعی و قابل پیش‌بینی بود؛ اما ادامه این روند به نحوه واکنش جهان به رفتار روسیه، احتمال ورود سایر کشورها به جنگ بستگی دارد که به نظر می‌رسد واکنش‌های غیرنظامی کشورهای دیگر تا حدودی موجب بازگشت قیمت‌ها به روند قبلی شده است.

بحران اوکراین باعث افزایش قیمت نفت و سقوط بازارهای بورس در جهان شده است. شاخص بورس در اغلب کشورهای جهان در طول بحران اوکراین شاهد ریزش بوده و این اثرپذیری برای کشورهای آسیایی مانند ژاپن، هنگ‌کنگ، چین و خود روسیه شدیدتر بوده است. همچنین اثرات این بحران بر کشورهای اوراسیا نیز شدید بوده و تقریباً بازارهای سرمایه همه کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا که اغلب کشورهای مستقل‌المنافع هستند، تحت تأثیر این بحران قرار گرفته و شاهد سقوط شاخص‌های بورس خود در ماه‌های اخیر هستند.

۲-۱-۳- بحران اوکراین و تأثیر بر نهاده‌ها و برخی فلزات اساسی جهان

با شروع جنگ، افراد بسیاری از سرمایه و دارایی خود را از بازار سهام و ارز خارج می‌کنند. حتی برخی از اқشار جامعه، دارایی خود را به صورت واحد پولی کشورشان نگهداری نمی‌کنند؛ زیرا احتمال اینکه به هر دلیلی کشور درگیر جنگ شود و ارزش واحد ارزی آن کاهش پیدا کند، وجود دارد. بنابراین، پول و سرمایه به سمت دارایی‌هایی می‌روند که در تمام دنیا ارزشمند تلقی می‌شوند؛ چراکه این دارایی‌ها آسان‌تر به پول نقد تبدیل می‌شوند. از جمله این دارایی‌ها می‌توان به طلا، نقره و برخی فلزات ارزشمند مانند نیکل، آلومینیوم، نفت و گاز و غیره اشاره کرد.

در نتیجه با ادامه جنگ اوکراین، افراد سرمایه خود را تبدیل به دارایی‌هایی می‌کنند که قابلیت تبدیل سریع به پول نقد در محل زندگی یا در کشورهای دیگر دارد. بنابراین با شدت گرفتن جنگ و ادامه آن، باید انتظار رشد بیشتر قیمت دارایی‌های مذکور در بازارهای جهانی را داشت. از آنجاکه کشور روسیه جزء مهم‌ترین صادرکنندگان فلزاتی مانند طلا، آلومینیوم و نیکل در بازارهای جهانی است و از طرفی، این فلزات بخش مهمی از تولیدات صنعتی را در جهان ممکن می‌سازد؛ بنابراین با تحریم روسیه و درگیری این کشور در جنگ اوکراین، تأمین این فلزات برای دیگر کشورهای جهان با چالش مواجه خواهد شد.

۲-۱-۴- بحران اوکراین و زنجیره تأمین عرضه جهانی

با افزایش شدید قیمت نفت و گاز به دلیل جنگ، هزینه‌های حمل‌ونقل نیز افزایش خواهد یافت. آنچه کمتر آشکار بوده اما به همان اندازه مهم است، محدودیت‌های تحمیلی جنگ بر توانایی استفاده از زیرساخت‌های حمل‌ونقل روسیه برای حمایت از تولید در آسیا است. در واقع، بسیاری از شرکت‌ها روی ساخت قطعات و کالاهای نهایی در چین و استفاده از راه‌آهن روسیه برای انتقال این اقلام به شرق و غرب اروپا حساب باز کرده بودند. البته، امکان حمل برخی از این اقلام از طریق راه‌های هوایی وجود دارد؛ اما این روش به طور قابل توجهی گران‌تر است، به‌ویژه اکنون که پروازهای خطوط هوایی باید روسیه را دور بزنند.

کشور اوکراین حدود ۵۰ درصد گاز نئون جهان را تأمین می‌کند که برای تولید تراشه‌های نیمه‌هادی استفاده می‌شود. دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ اکنون در تلاش برای به دست آوردن منابع جایگزین هستند؛ اما عرضه در حال کاهش بوده و قیمت‌ها به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. روسیه و اوکراین نیز صادرکنندگان بزرگ غلات مانند ذرت، جو و گندم و همچنین کود هستند. در حالی که تأثیر کامل جنگ بر عرضه جهانی مواد غذایی هنوز مشخص نیست و قیمت‌ها در حال حاضر سر به فلک کشیده است.

این عوامل علاقه به استراتژی‌های زنجیره تأمین محلی را افزایش می‌دهند. فرانسه در حال افزایش وابستگی خود به نیروگاه‌های هسته‌ای است؛ با وجود اینکه در حال حاضر ۷۰ درصد برق خود را تولید می‌کند. دولت‌های ایالات متحده و هلند مانع از فروش پیشرفته‌ترین دستگاه‌های تجهیزات پیشرفته لیتوگرافی نیمه‌رسانا به چین شده‌اند. در نهایت، تأثیر شگفت‌انگیز جنگ اوکراین بر خودروسازی اروپا، خطر مرتبط با زنجیره تأمین فعلی جهانی را برجسته کرده است. به عنوان مثال، فولکس‌واگن و بی‌ام‌و خطوط مونتاژ در آلمان را به دلیل کمبود تجهیزات سیم‌کشی تولید شده در اوکراین توسط شرکت آلمانی Leoni، تعطیل کرده‌اند. تا زمانی که سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی در مناطق محلی اتفاق نیفتد، شرکت‌ها باید زنجیره تأمین خود را آزمایش کرده و استراتژی‌هایی را دنبال نمایند تا آنها را در برابر خطرات مقاوم‌تر کند. در حال حاضر تنها مورد مشخص، این است که چالش‌های زنجیره تأمین جهانی در آینده قابل پیش‌بینی افزایش خواهد یافت.

۲-۱-۵- بحران اوکراین و اختلال در زنجیره حلال

جنگ اوکراین تأثیرات قابل توجهی بر بازار مواد غذایی و امنیت غذایی کشورهای اسلامی و بازار موسوم به حلال گذاشته است. بخش عمده‌ای از کشورهای اسلامی به واردات مواد غذایی از روسیه و اوکراین به شدت وابسته‌اند. شرایط جنگی باعث شده تا زنجیره ارزش دچار اختلال شود، کمبود و گرانی مواد غذایی در این کشورها به‌طور فزاینده‌ای احساس گردد. در برخی موارد تا ۵۰ درصد واردات بعضی مواد غذایی کشورهای اسلامی از اوکراین و روسیه انجام می‌شود. عربستان سعودی حدود نیمی از گندم مورد نیاز خود را از روسیه و اوکراین وارد می‌کند. همچنین روسیه بزرگ‌ترین تأمین‌کننده گندم امارات متحده عربی است و سهم ۵۰ درصدی در واردات گندم این کشور دارد. حدود ۷۳ درصد روغن آفتابگردان امارات متحده عربی از اوکراین و ۷ درصد آن از روسیه وارد می‌شود. در سطح کلان‌تر شورای همکاری خلیج فارس حدود ۹۰ درصد مواد غذایی مورد نیاز خود را از خارج وارد می‌کند؛ بنابراین هرگونه اختلال در زنجیره‌های عرضه می‌تواند تأثیر منفی شدیدی بر امنیت غذایی این کشورها بگذارد.

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای مقابله با این وضعیت، نظارت‌ها بر بازار را تشدید کرده و واردات از آمریکای لاتین را افزایش داده‌اند. همچنین آنها کمک‌های مالی به کشورهای شمال آفریقا، به‌ویژه مصر و الجزایر برای مقابله با ناامنی فزاینده غذایی را افزایش داده‌اند. بازار حلال در کشورهای مسلمان آفریقایی بیش از خلیج فارس تحت تأثیر این جنگ قرار گرفته است. اوکراین صادرکننده اصلی گندم، غلات، روغن آفتابگردان و سایر محصولات غذایی به آفریقا است. در شرایط کنونی کاهش صادرات باعث شده تا امنیت غذایی کشورهای مانند تونس آسیب‌پذیر شود.

آسیب‌پذیری در کشورهای فقیر آفریقایی بیش از تونس، مصر و الجزایر است. در صورتی که جنگ اوکراین تا تابستان، فصل برداشت محصولات کشاورزی مداوم یابد، ناامنی غذایی در طیفی از کشورهای اسلامی تشدید خواهد شد. جایگزین کردن واردات از اوکراین و روسیه برای این کشورها بسیار دشوار است. واردات از کشورهای مانند هند و استرالیا و آرژانتین حدود ۲۰۰ درصد قیمت‌ها را افزایش خواهد داد. افزایش شدید قیمت مواد غذایی در طیفی از کشورها از جمله کشورهای اسلامی ممکن است به شورش‌های جدیدی منجر شود.

۲-۲- اثرات جنگ اوکراین بر اقتصاد ایران

جایگاه پائین اقتصاد ایران در جهان و بسته بودن آن به‌واسطه تحریم‌ها ممکن است مانند افزایش نرخ بهره آمریکا، موجب اثرپذیری کمتری از تحول نظامی اوکراین و روسیه نیز داشته باشد. با وجود این، اقتصاد ایران به‌واسطه مراودات تجاری و اقتصادی که به‌ویژه با یکی از طرف‌های درگیری نظامی؛ یعنی کشور روسیه دارد، به نظر می‌رسد اثرپذیری نسبی از این تحول جهانی داشته باشد. کما اینکه دو کشور روسیه و اوکراین با چین

روابط تجاری بالایی داشته‌اند و چین به عنوان مهم‌ترین طرف تجاری ایران در سال‌های اخیر است که تحت تأثیر پیامدهای درگیری مذکور می‌باشد. بنابراین کانال‌های انتقال تبعات ناشی از تحولات روسیه و اوکراین به اقتصاد ایران، در مقایسه با تحول سیاست پولی انقباضی آمریکا بیشتر و مستقیم است.

در همین رابطه ذکر این نکته ضروری است که در سال ۲۰۲۰ صادرات ایران به روسیه ده برابر صادرات به اوکراین بوده و کشور روسیه رتبه نهم را به خود اختصاص داده که همین رتبه برای اوکراین، ۳۸ بوده است. همچنین واردات ایران از روسیه حدود ۲۰ برابر واردات ایران از اوکراین بوده است و کشور روسیه از این لحاظ رتبه ۷ را به خود اختصاص داده و همین رتبه برای اوکراین، ۳۸ است. این نکته گواه حجم بالای تجارت ایران با روسیه به عنوان یکی از شرکای اصلی تجاری بوده است. بنابراین تبعات تأثیرپذیری روسیه از این درگیری نظامی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم و از کانال‌های گوناگون وارد اقتصاد ایران شده و بازارهای آن را می‌تواند مختل کند.

در بررسی تأثیر حمله روسیه به اوکراین بر بازارهای مالی ایران می‌توان گفت، وقوع درگیری در اوکراین با توجه به بهبود قیمت کالاهای پایه‌ای مانند نفت و محصولات وابسته، فرصت‌هایی ولو کوتاه‌مدت برای شرکت‌های ایرانی فراهم می‌آورد؛ اما وقوع شوک عرضه می‌تواند تورم فعلی را در اقتصاد جهان پایدار سازد و اقتصاد کشورها را به سمت رکود تورمی سوق دهد. همچنین این اتفاق می‌تواند در میان مدت قیمت کامودیتی‌ها را رشد دهد. با فشار قیمت‌های بالادست، احتمالاً قیمت محصولات پایین‌دست کمتر رشد خواهد کرد و در کل، تفاوت قیمت محصولات میان‌دست و حاشیه سود بسیاری از فعالیت‌های تولید پایین‌دست افت خواهد کرد. با توجه به ریالی شدن سقف قیمت گاز خوراک در ایران، این موضوع می‌تواند برای شرکت‌های ایرانی فرصتی به حساب آید؛ اما برای برخی از شرکت‌های پایین‌دست که از تفاوت قیمت محصولات جهانی تأثیر می‌پذیرند، برای نمونه تولیدکنندگان پلی پروپیلین یا پتروشیمی‌های خوراک مایع می‌توانند از این تحولات تأثیر منفی بگیرند.

درواقع سرریز این وقایع در صورتی که جریان تجارت را قطع نکند به نفع قیمت کامودیتی‌های تولیدشده در کشورمان و موجب بهبود تراز تجاری خواهد شد. علاوه بر این، از یک‌سو بحران اوکراین باعث وجود ناامنی در منطقه می‌شود و این موضوع ممکن است در ابتدای امر تأثیرات منفی بر بورس ایران داشته باشد. اما از سوی دیگر شاهد افزایش قیمت کامودیتی‌ها به‌خصوص نفت، مس و روی هستیم. ناامن شدن منطقه و همچنین سیاست‌های انقباضی آمریکا، بر روی قیمت دلار نیز تأثیر می‌گذارد و آن را افزایش می‌دهد. این موضوع نیز می‌تواند به نوبه خود بر بورس ایران تأثیرگذار بوده و رشد آن را به‌ویژه برای ارزش سهام محصولات دلاریزه شده، به دنبال داشته باشد.

از سوی دیگر، با توجه به اثر تحولات نظامی روسیه و اوکراین و افزایش نرخ بهره آمریکا بر کاهش تورم آن کشور، اگر رکود بر اقتصاد جهانی حاکم گردد این رکود می‌تواند باعث کاهش بیش از پیش صادرات نفتی و درآمدهای ارزی شده و با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به نفت و صادرات نفتی، رکود جهانی بر اقتصاد ایران اثر گذاشته و موجب کاهش بیش از پیش رشد اقتصادی و افزایش بیکاری خواهد شد. البته این اثرگذاری بر اقتصاد ایران بستگی به مقاوم‌پذیری اقتصاد کشور از شرایط رکودی حاکم خواهد داشت. بنابراین تعیین برآیند اثرات متفاوت بحران اوکراین بر اقتصاد ایران، نیازمند بررسی با جزئیات بیشتر و تحلیل اثرپذیری و کشش‌پذیری بازارهای مختلف اقتصاد کشور در مقابل نوسانات و تحولات ناشی از بحران است.

۳- شوک همه‌گیری با تأکید بر تجربه کووید-۱۹ و اقتصاد ایران

آنگاه که اپیدمی یا پاندمی (همه‌گیری) قلمرو سرزمین‌ها را درمی‌نوردد، نباید کار را با آمدن و رفتن آن تمام‌شده تصور کرد. سوابق تاریخی حاکی از اثرات گسترده اقتصادی و اجتماعی آنها بر جوامع هستند. آنفلوآنزای اسپانیایی که در سال ۱۹۱۸ قسمت عمده اروپا و آمریکا را در بر گرفت طی چهار موج خود حداقل ۲۰ میلیون نفر را به دام مرگ کشانید. بسیاری از مشاغل و کسب و کارها به دلیل بیماری کارکنان یا جلوگیری از ازدحام و گسترش آن، تعطیل یا نیمه تعطیل شدند و البته مشاغل جدیدی نیز از سال ۱۹۱۹ در اروپا پا به عرصه اقتصاد گذاردند. پدیده همه‌گیری کووید-۱۹ نیز به همراه خود تأثیرات گسترده‌ای داشته است. بر اساس آمار رسمی (که برآوردها ارقام واقعی را بیش از دو تا دو و نیم برابر آن می‌دانند) تا به امروز (۲۲ شهریور ۱۴۰۱) حدود ۶۱۴ میلیون نفر مبتلا شدند و نزدیک به ۶ میلیون و ۵۱۸ هزار نفر نیز جان باخته‌اند. از نظر اقتصادی با شرایط فاصله‌گذاری اجتماعی، بخش خدمات بیشترین اثر را پذیرفت و در این میان کسب و کارهای کوچک، فردی و خوداشتغالی بیشترین لطمه را دیدند.^۱

نخستین و بزرگ‌ترین کانال ایجاد تغییرات در اقتصاد کشورها ناشی از گسترش همه‌گیری، افزایش نااطمینانی بود. در نتیجه این آثار وسیع، تولید و رشد اقتصادی کشورها به شدت کاهش یافت و حتی منفی شد. در شش ماه ابتدایی همه‌گیری، گزارش‌های مؤسسات بین‌المللی از ورود به یک دوره رکود که بعد از بحران بزرگ سال ۱۹۲۹ بی‌سابقه بوده است، خبر دادند. صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرد که در سال ۲۰۲۰ اقتصاد جهان بین ۲/۴ تا ۲/۸ درصد کاهش را تجربه نماید و در همان حال، بین ۱۳ تا ۳۲ درصد کاهش در تجارت خارجی اتفاق می‌افتد و قیمت نفت تا ۴۲ درصد کاهش می‌یابد. پیش‌بینی بانک جهانی کاهش ۵/۳ درصدی اقتصاد جهانی بود و گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهان^۲ نیز کاهش ۳ درصدی را برای همان سال پیش‌بینی کرد. در مجموع یک کاهش حدود ۱۲ هزارمیلیاردی در تولیدات جهانی مطرح شده بود.^۳

جدول ۱ نیز نشان‌دهنده افت تولید کشورهای منتخب (که برخی از آنها به شدت درگیر همه‌گیری بوده‌اند) است. ارقام جدول گویای این هستند که برای سال ۲۰۱۹ به جز آرژانتین و استرالیا، همه کشورها رشد مثبت اقتصادی را تجربه کردند. در سال ۲۰۲۰ و اولین سال همه‌گیری کووید-۱۹ رشد اغلب کشورها منفی بوده و بقیه، به جز ترکیه رشد کاهشی داشته‌اند که کاهش رشد کشورهای بزرگ مانند چین اثرات گسترده بر اقتصاد سایر کشورهای جهان را نیز به دنبال داشته است. در دو فصل ابتدایی سال ۲۰۲۱ نیز برخی از کشورها هنوز

1. Economic effects of covid-19 pandemic on entrepreneurship and small businesses, Small Bus Businesses (2022) 58: 593-609.

2. World Economic Outlook.

3. Ajmal, M. M., Khan, M., & Shad, M. K. (2021). The global economic cost of coronavirus pandemic: current and future implications. Public Administration and Policy.

تحولات جهانی و پایداری آن بر اقتصاد ایران؛ ماکلود بر سیاست افزایش نرخ بهره آمریکا

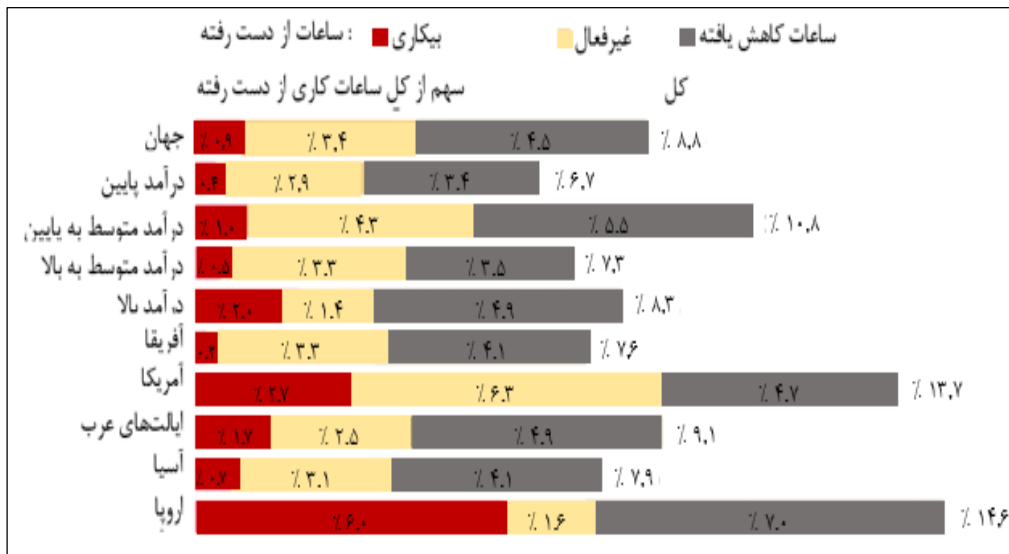
با رشد منفی روبه‌رو بوده‌اند و در مجموع نیز رشد ۰,۶ و ۱,۷ درصدی کشورهای OECD در این دو فصل را با توجه به کاهش مطلق تولید در سال قبل نمی‌توان مناسب تفسیر کرد.

جدول ۴: روند تغییرات فصلی رشد اقتصادی در کشورهای منتخب در دوران همه‌گیری کرونا

تغییرات فصلی	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۰-(۱)	۲۰۲۰-(۲)	۲۰۲۰-(۳)	۲۰۲۰-(۴)	۲۰۲۱-(۱)	۲۰۲۱-(۲)
آلمان	۱,۱	-۴,۶	-۱,۸	-۱۰	۹	۰,۷	-۲	۱,۶
فرانسه	۱,۸	-۷,۹	-۵,۷	-۱۳,۵	۱۸,۶	-۱,۱	۰	۱,۱
ترکیه	۰,۹	۱,۸	۰,۴	-۱۰,۸	۱۶,۴	۱,۲	۲,۲	۰,۹
آمریکا	۲,۳	-۳,۴	-۱,۳	-۸,۹	۷,۵	۱,۱	۱,۵	۱,۶
انگلستان	۱,۴	-۹,۸	-۲,۸	-۱۹,۵	۱۶,۹	۱,۳	-۱,۶	۴,۸
ژاپن	۰,۳	-۴,۸	-۰,۶	-۷,۹	۵,۴	۲,۸	-۱,۱	۰,۵
کره جنوبی	۲	-۱	-۱,۳	-۳,۲	۲,۲	۱,۱	۱,۷	۰,۸
ایتالیا	۰,۳	-۸,۹	-۵,۶	-۱۳,۱	۱۶	-۱,۸	۰,۲	۲,۷
اتریش	۱,۴	-۶,۳	-۲,۶	-۱۰,۶	۱۱,۶	-۳,۱	-۱,۱	۴,۳
اسپانیا	۲	-۱۰,۸	-۵,۴	-۱۷,۸	۱۷,۱	۰	-۰,۴	۱,۸
هندوستان			۰,۶	-۲۴,۵	۲۱,۲	۸,۶	۲,۳	-۱۰,۲
چین	۶,۱	۲,۳	-۸,۷	۱۰	۲,۸	۳	۰,۴	۱,۳
عربستان	۰,۳	-۴,۱	-۱,۶	-۵,۵	۲,۱	۱,۸	-۰,۵	۰,۶
آرژانتین	-۲,۱	-۹,۱	-۴,۱	-۱۵,۸	۱۳,۲	۴,۴	۲,۶	
استرالیا	-۰,۳	-۲,۵	-۰,۳	-۷	۳,۶	۳,۲	۱,۹	۰,۷

منبع: OECD, Quarterly National Accounts Database, September 17, 2021

اثر دیگر همه‌گیری، ناشی از کاهش تولید در بازار کار و برای نیروی کار کشورها نمود یافت. مجمع جهانی اقتصاد و سازمان بین‌المللی کار در گزارش سال ۲۰۲۱ آورده‌اند که ۹۳ درصد از نیروی کار به شکلی تحت تأثیر قرار گرفتند و بیش از ۸,۸ درصد از ساعات کار در فصل سوم سال ۲۰۲۰ نسبت به فصل آخر در سال ۲۰۱۹ کاسته شده است. بر اساس برآورد سازمان بین‌المللی کار، کاهش ساعات کار جهانی را می‌توان در سه دسته بیکار شده در جستجوی کار، شاغلی که ساعت کارش کاهش یافته و دسته سوم بیکار شده که در جستجوی کار نیست (غیرفعال)، طبقه‌بندی کرد. بر همین اساس، ۰,۹ درصد از میزان کار از دست رفته به بیکار شده‌ها و ۷,۹ درصد آن به دو گروه دیگر، یعنی غیرفعال یا شاغل ناقص مربوط می‌شود. در این مورد به نمودار ۴ نگاه کنید.



نمودار ۴: ترکیب ساعات کار از دست رفته جهانی در سال ۲۰۲۰ بر اساس مناطق

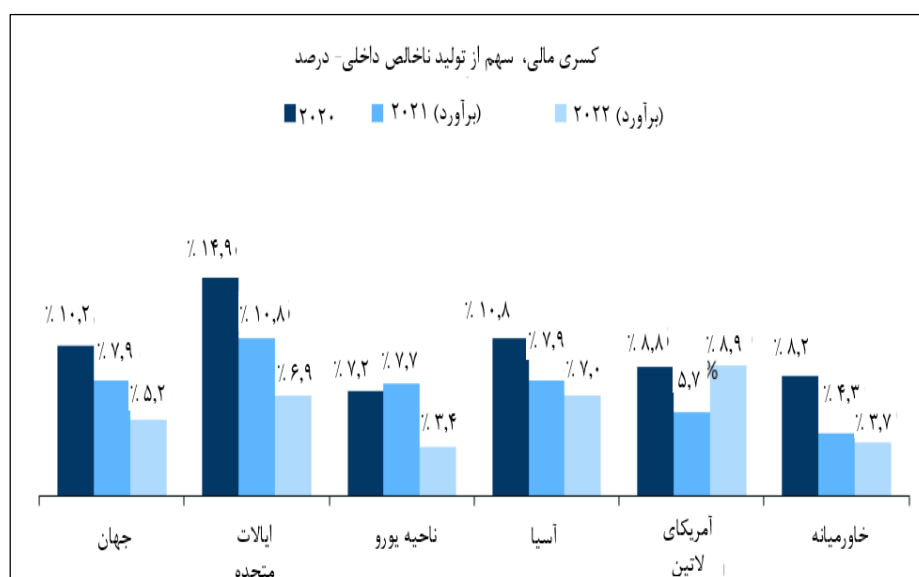
منبع: Covid-19 and the world of work, ILO, 2021

در عرصه سیاست‌گذاری برای مقابله با اثرات کووید-۱۹ در سلامت مردم و حوزه اقتصادی به دو عنوان سیاستی که در کشورها، در کنار سایر سیاست‌ها از جمله سیاست پولی مورد توجه بوده است، پرداخته می‌شود. یکی از این سیاست‌ها دربرگیرنده بسته سیاستی برای اثرگذاری بر معیارهای صنعتی و دیگری مربوط به سیاست‌های مالی دولت است.^۱

در سیاست‌های با محور اثرگذاری بر تولید (صنعت)، سیاست‌های با گستره ملی شامل تسهیل سرمایه‌گذاری (با کاهش موانع اداری و مقررات و افزایش خدمات الکترونیکی و آنلاین)، سیاست جذب و نگهداشت سرمایه با استفاده از آژانس‌های ارتقای سرمایه‌گذاری (اطلاع‌رسانی در مورد کووید-۱۹، پشتیبانی اداری در موارد بحرانی، گسترش خدمات آنلاین و برخط)، سیاست‌های انگیزشی (حمایت از تولیدات مقابله با همه‌گیری، حمایت از تغییر خط تولید و حمایت از فعالیت‌های به‌شدت کاهش یافته)، مشارکت استان در حمایت از صنایع آسیب‌دیده (کمک به برابری بین شرکت‌ها)، حمایت از بنگاه‌های کوچک و محلی و زنجیره ارزش (تأمین مالی یا حمایت مالی از تولید داخلی)، امنیت ملی و سلامت (مانند غربالگری همه‌گیری در صنایع)، سایر مداخلات دولتی در بخش سلامت (تولید اجباری، محدودیت صادرات و تسهیل واردات). همچنین در سطح بین‌المللی نیز سیاست‌های حمایت از مالکیت معنوی سرمایه‌گذاران، حمایت‌هایی در حوزه سلامت برای کاهش ریسک همه‌گیری در کنار اصلاح چهارچوب تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای و سرانجام حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مورد توجه بوده است.

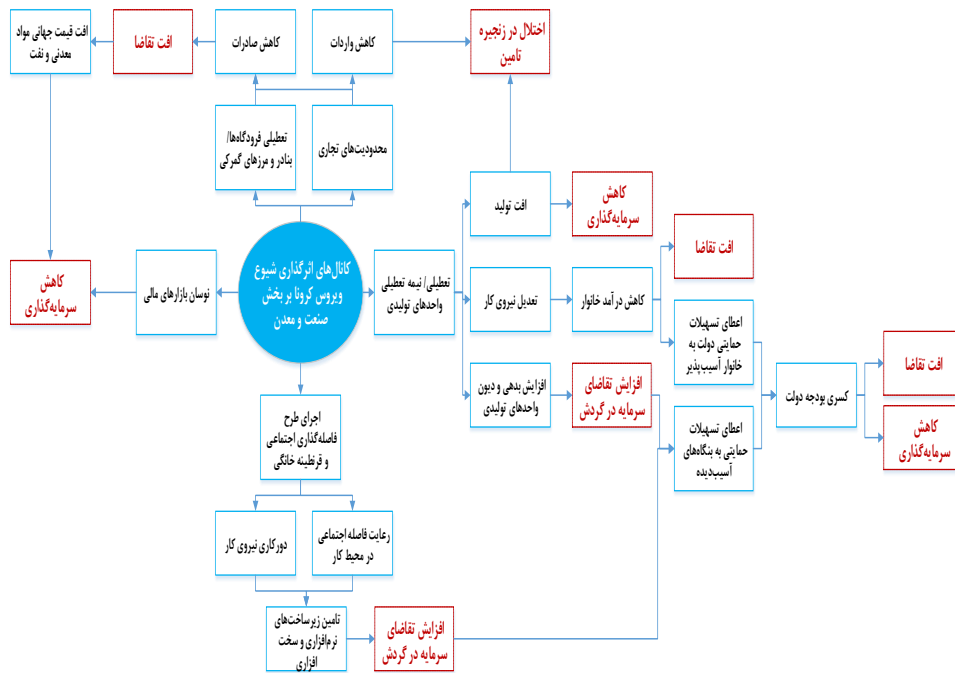
1. Congressional Research Service, Global Economic Effects of COVID-19, November 2021

به عنوان اجزایی از یک سیاست مالی انبساطی، دولت‌های پیشرفته و بازارهای در حال ظهور، از سیاست‌های مختلفی استفاده کرده‌اند. برخی از این ابزارها که در اکثر این کشورها قابل مشاهده است عبارتند از: حمایت گسترده از بخش سلامت، حمایت از خانوار با پرداخت انتقالی هدفمند، سایر کمک‌ها به درآمد نیروی کار، یارانه دستمزد، کاهش مالیات، تبعیض مالیاتی و سرانجام حمایت از بنگاه‌های اقتصادی از طریق: تبعیض مالیاتی، حمایت از نقدینگی، کاهش مالیات‌ها، انتقال هدفمند به برخی بنگاه‌ها. در اثر این سیاست‌های انبساطی حجم بودجه دولت‌ها و اندازه آن نسبت به تولید ناخالص داخلی افزایش یافته است. نمودار ۵ بیانگر این تغییرات در سیاست مالی دولت‌ها در مناطق مختلف جهان به عنوان یک ضرورت در دوران همه‌گیری است.



نمودار ۵: برآورد IMF از تغییرات کسری بودجه دولت‌ها به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به طور خلاصه در دوران همه‌گیری کووید-۱۹، اقتصاد ایران از دو سمت دچار چالش شد.^۱ یکی تکانه برونزای تقاضای جهانی برای کالاهای داخلی و تأمین مواد اولیه خارجی برای تولید و سرمایه‌گذاری خارجی و دیگری چالش‌های درونی اقتصاد کشور ناشی از تعطیلی کسب و کارها و اخلاف در زنجیره تأمین مواد اولیه داخلی برای تولید کالاها که مشکل رشد اقتصادی نامناسب را دوچندان کرد. پاندمی کووید-۱۹ به عنوان یک تکانه برونزا، با توجه به ماهیت آن با دو منشأ تکانه عرضه (با کاهش ظرفیت‌های تولیدی) و تکانه تقاضا (از کانال کاهش خریدهای خانوارها) بر اقتصاد تأثیر می‌گذارد.

۱. در مورد تفصیل مباحث موارد اجمالی مورد اشاره در این مطلب و تحلیل اثرات کرونا و تأثیر آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایران به گزارش تلفیق مطالعات پشتیبان برنامه پسا کرونا، تهیه شده توسط مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری در سال ۱۴۰۰ مراجعه نمایید.



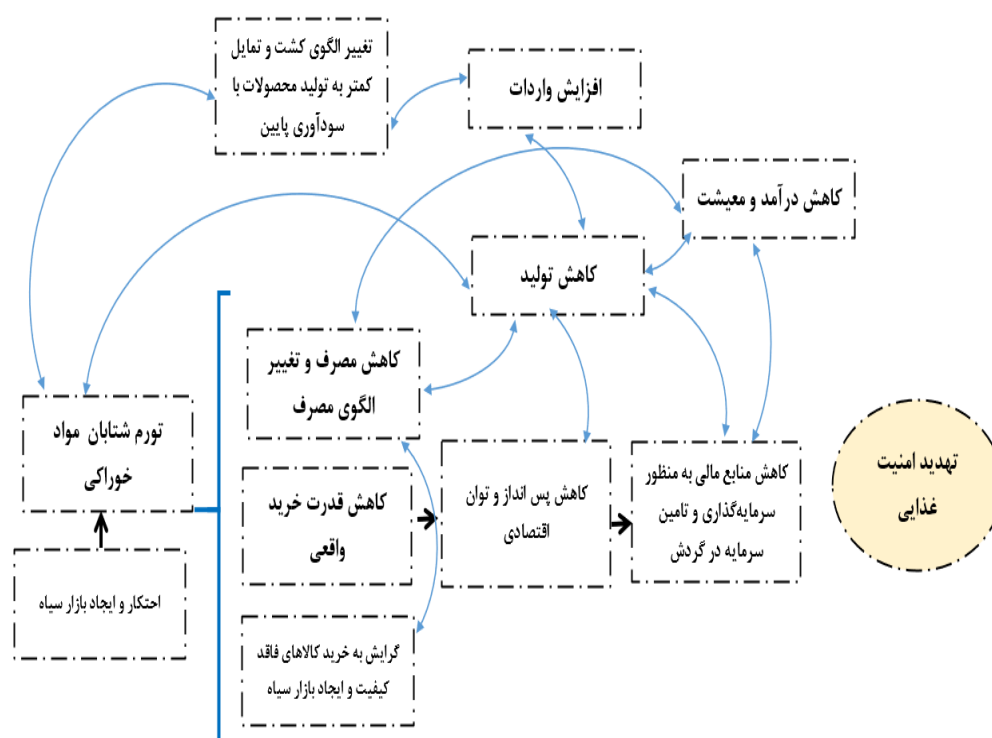
شکل ۱: کانال‌های اثرگذاری همه‌گیری بر اقتصاد ایران

بررسی‌ها نشان می‌دهد پاندمی فوق از کانال‌های کاهش قیمت نفت و فرآورده‌های آن، محدودیت در واردات و صادرات شرکای تجاری، ایجاد موانع صادراتی محصولات مواد غذایی، به‌ویژه کالاهای اساسی، ایجاد محدودیت در تردد بازرگانان و توریسم و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی که عمدتاً برونزا هستند می‌تواند اقتصاد کشور را تحت‌الشعاع قرار دهد. از سوی دیگر، این تکانه‌ها منجر به کاهش تولید کسب و کارها شده و در نهایت به تعدیل نیروی کار می‌انجامد و با افزایش بیکاری، قدرت خرید مردم کاهش یافته و تکانه سمت تقاضا فعال می‌شود. در این میان بخش‌های مختلف اقتصادی مانند بخش صنعت، معدن، خدمات و کشاورزی نیز تحت تأثیر اثرات مخرب بیماری کرونا قرار گرفته‌اند، به طوری که رشد صنعت، معدن (سایر معادن) و خدمات (به‌طور خاص عمده و خرده‌فروشی، فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا) و کشاورزی را تحت تأثیر قرار داده است. در این میان بخش خدمات و به‌طور خاص عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا، بالاترین آسیب را دیده است.

از طرف دیگر تأثیر شیوع این ویروس بر جنبه‌های گوناگون بخش کشاورزی متفاوت بوده که امنیت غذایی را مورد تهدید قرار داده است. اگر از جنبه تولید به بخش کشاورزی توجه شود، چند اتفاق رخ داده که هم‌اکنون بخش کشاورزی را متأثر کرده و در آینده نیز این تأثیر بیشتر می‌شود. نخست اینکه به دلیل محدودیت‌های جابه‌جایی و قرنطینه، دسترسی به بازار محصولات کشاورزی کاهش پیدا کرده و در نتیجه، امکان انتقال بخشی از تولیدات به بازار از بین رفته است. مسئله دوم، مربوط به طرف تقاضاست. با توجه به کاهش سطح درآمد به

دلیل تعطیلی کسب و کارها و مشاغل، مشاهده می‌شود تقاضای محصولات کشاورزی نیز کاهش یافته و در نتیجه، قیمت برخی از محصولات در بازار نیز کاهش داشته است.

در واقع، این کاهش قیمت‌ها به دلیل کم شدن قدرت خرید مردم رخ داده است. مسئله سوم، بحث بازار محصولات کشاورزی است. مسئله چهارم، تغییر هزینه‌ها و قیمت تمام شده به دنبال شیوع کرونا است. بنابراین می‌توان بیان کرد که امنیت غذایی در سه بُعد دسترسی فیزیکی به غذا، دسترسی اقتصادی یا توان خرید و دسترسی به غذای سالم قابل بحث است. دسترسی فیزیکی به مواد غذایی در اثر کاهش تولید داخلی و محدودیت واردات، دسترسی اقتصادی با افزایش تورم تولید و کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده و دسترسی به غذای سالم با عدم رعایت موازین بهداشتی، پروتکل‌های بهداشتی و استانداردهای جهانی ممکن است با تهدید روبه‌رو شود. سازوکار اثرگذاری کووید-۱۹ بر امنیت غذایی، به طور شماتیک به شرح شکل ۲ است.



شکل ۲: کانال‌های اثرگذاری همه‌گیری بر امنیت غذایی در ایران

در بخش خدمات نیز زیربخش‌های مختلف با شدت و ضعف‌های متفاوت از همه‌گیری اثر می‌پذیرند. در ادامه به برخی از کانال‌های اثرگذاری و نتایج آن در زیربخش‌های مهم، اشاره می‌شود.

بازرگانی داخلی

کانال‌های اثرگذاری این پاندمی در حوزه بازرگانی داخلی عبارتند از:

کانال‌های اثرگذاری کرونا بر بخش صنعت، معدن و تجارت در حوزه لجستیک

- توقف یا کندی شدید تردد از مرزهای ریلی و جاده‌ای در ماه‌های ابتدایی شیوع ویروس؛
- محدودیت کشورهای همسایه برای جابجایی کالا از ایران؛
- کاهش فعالیت بنادر ایران و منطقه به دلیل رعایت پروتکل‌های بهداشتی؛
- توقف و کمبود پروازهای بین‌المللی برای جابجایی بار هوایی؛
- کمبود ظرفیت‌های لجستیکی برای انطباق با الگوهای جدید تقاضای خدمات لجستیکی.

کانال‌های اثرگذاری کرونا بر نظام توزیع

- شیوع بیماری و اقدامات مقابله‌ای؛
- نوسانات در عرضه کالاها؛
- تغییرات در الگوهای تقاضا.

کانال‌های اثرگذاری کرونا بر تجارت الکترونیک

- شیفت تقاضا از فروشگاه‌های فیزیکی به سمت تجارت الکترونیک؛
- گسترش تقاضا به گروه‌های جدید مشتریان؛
- تغییرات تقاضا برای گروه‌های کالایی مختلف.

بازرگانی خارجی

شیوع کرونا از کانال‌های زیر تجارت خارجی کشور را تحت تأثیر قرار داده است:

- انسداد مرزها؛
- افت صادرات به دلیل کاهش تقاضای شرکای تجاری از ایران؛
- کاهش صادرات به دلیل انقباض تولیدات داخل؛
- کاهش صادرات به دلیل اقدامات در جهت تنظیم بازار داخل؛
- افت واردات به دلیل محدودیت منابع ارزی.

همچنین در سایر زیربخش‌های خدمات که در ارتباط مستقیم با گردشگری کشور بودند مانند هتلداری و رستوران در کنار خدمات مربوط به اوقات فراغت و تفریح مانند ورزش حرفه‌ای و قهرمانی، هنر (سینما، تئاتر و فعالیت‌های نمایشگاهی)، آموزش (به‌ویژه آموزش‌های کوتاه‌مدت غیررسمی و غیردولتی) به دلیل ارتباط مستقیم با افراد و افت شدید فعالیت‌ها، به‌طور عمده در دوران اوج همه‌گیری مشاهده شده است. در مقابل برخی زیربخش‌ها مانند بخش سلامت به دلیل ماهیت آنها، گسترش خدمات را تجربه کردند. فناوری اطلاعات و ارتباطات و به‌کارگیری آن برای انواع فعالیت‌ها، به‌ویژه در ارائه خدمات با رشد بسیار قابل توجهی روبه‌رو شد.

۴- سیاست‌های تجاری جدید اتحادیه اروپا

محرک‌های اصلی تدوین سیاست تجاری جدید اتحادیه اروپا، گذار قدرت در عرصه بین‌المللی، ظهور قدرت‌های اقتصادی در آسیا، تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیک و رقابت قدرت‌های بزرگ، وخیم‌تر شدن بحران‌های اقلیمی و گذار دیجیتال در عرصه فناوری بوده است. سیاست‌گذاران اتحادیه اروپا به این نتیجه رسیده‌اند که با منطبق تجاری قبلی نمی‌توانند در برابر چالش‌های جدید واکنش نشان دهند. از این رو درصددند با اتخاذ رویکرد فعالانه‌تر، در مسیر اصلاح نظام چندجانبه‌گرایی تجاری حرکت کنند.

اروپا دومین شریک بزرگ تجاری ایران است و تغییر سیاست‌های تجاری می‌تواند تأثیرات مهمی بر روابط ایران و اروپا بگذارد. امروزه روابط تجاری ایران و اروپا در وضعیت مناسبی نیست. اگرچه اراده سیاسی لازم برای بازسازی این روابط وجود دارد؛ اما تا زمانی که تحریم‌های ثانویه آمریکا بر ضد ایران وجود دارد، نمی‌توان به بازسازی و توسعه این روابط امیدوار بود. حرکت به سمت اقتصاد سبز و دیجیتال، ایجاد زنجیره ارزش مسئولیت‌پذیر و پایدار، اصلاح مکانیسم‌های سازمان تجارت جهانی، اجرایی‌سازی موافقت‌نامه‌های تجاری، سیاست‌گذاری تجاری برای منافع ژئوپلیتیک اتحادیه اروپا و تقویت روابط تجاری با همسایگان اروپا از مهم‌ترین رویکردها در قالب سیاست تجاری جدید اتحادیه اروپاست.

اگر بخواهیم تأثیرات این سیاست تجاری را بر ایران بررسی کنیم می‌توان گفت یکی از تأثیرات مثبت سیاست تجاری جدید اروپا بر روابط تجاری ایران، انگیزه‌مندی اروپا برای گسترش روابط تجاری با ایران در رقابت با چین دانست. یکی از انگیزه‌های اولیه تدوین سیاست تجاری جدید اروپا، رقابت اقتصادی با چین به‌خصوص در حوزه همسایگی اروپا در خاورمیانه و آفریقا است. ایران در صورت احیای برجام، می‌تواند از این رقابت در جهت کار اقتصادی و تجاری با شرکت‌های اروپایی و جذب سرمایه‌گذاری بیشتر استفاده کند. تأثیر مثبت دیگر این سیاست برای ایران، سخت‌تر شدن شرایط حضور شرکت‌های چینی در اقتصاد اتحادیه اروپا به دلیل تدوین ضوابط جدید سرمایه‌گذاری و محدود شدن فعالیت شرکت‌های چینی در اروپا به دلیل صبغه دولتی آن‌هاست.

این مسئله می‌تواند انگیزه شرکت‌های چینی برای سرمایه‌گذاری در ایران را افزایش دهد؛ اما این سیاست تجاری جدید تأثیرات منفی بر روابط تجاری ایران نیز بر جای خواهد گذاشت. از جمله سخت‌گیرانه‌تر شدن ضوابط تجاری درباره کالاهای با کاربرد دوگانه می‌تواند موانع جدیدی در روابط تجاری ایران با کشورهای اروپایی و حتی کشورهای دیگر ایجاد کند. تشکیل کارگروه کنترل صادرات در شورای تجارت و فناوری آمریکا و اروپا در سپتامبر ۲۰۲۱ نیز مزید بر علت خواهد شد و می‌توان پیش‌بینی کرد که به میزان تبعیت طرف‌های تجاری و اقتصادی ایران از ضوابط سخت‌گیرانه جدید اتحادیه اروپا در حوزه فناوری‌های حساس، بخشی از تعاملات صنعتی و اقتصادی ایران با کشورهای دیگر دچار اخلاص خواهد شد.

وجه دیگر سیاست تجاری جدید اتحادیه اروپا، سیاست گذار به اقتصاد سبز؛ یعنی کاهش نیاز اروپا به انرژی‌های فسیلی مانند نفت و گاز و کاهش وابستگی به واردات انرژی‌های فسیلی است. اگرچه اروپا در کوتاه‌مدت و میان‌مدت همچنان نیازمند واردات انرژی از خلیج فارس خواهد بود؛ اما در بلندمدت حرکت به سمت اقتصاد غیرفسیلی می‌تواند ارزش راهبردی ایران را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دارندگان منابع انرژی فسیلی جهان برای اروپا کاهش دهد. در حال حاضر به دلیل نبود روابط دیپلماتیک و تجاری رسمی میان ایران و آمریکا، رفع تحریم‌های ثانویه آمریکا پیش‌نیاز اصلی گسترش هرگونه روابط تجاری با اتحادیه اروپا محسوب می‌شود؛ اما بررسی و جستجوی راه‌حل برای پیامدهای منفی سیاست تجاری جدید اروپا، الزامی غیر قابل انکار خواهد بود.

۵- تحولات کشورهای همسایه و تأثیر آنها بر اقتصاد ایران

روابط اقتصادی کشورها با یکدیگر در یک منطقه جغرافیایی و سیاسی برای هر یک از طرفین، ظرفیت‌ها و منافع را ایجاد می‌کند که می‌تواند در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی آنها مؤثر باشد. تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای همسایه ایران، شامل نقاط فرصت و تهدید برای کشور می‌تواند باشد که هر یک باید با جزئیات بیشتر مورد تحلیل قرار گیرد. کشورهای ترکیه، عراق، افغانستان و هند به دلیل داشتن مراودات بیشتر با ایران، مواردی هستند که تحولات آنها، چه مثبت و چه منفی موجب اثرپذیری عملکرد اقتصاد ایران از آنها می‌گردد. در ادامه به تحلیل تحولات و اثرگذاری هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

۵-۱- تحولات کشور ترکیه

۵-۱-۱- تضعیف لیر ترکیه

با توجه به اینکه واحد پول ترکیه صفرهای زیادی داشت، این کشور طی سال‌های مختلف اقدام به حذف صفرها از واحد پولی خود کرد به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۴، شش صفر حذف شد و در سال ۲۰۰۵ یک صفر خود را از دست داد و از آن به بعد به آن لیره ترک جدید گفته شد. در تاریخ ۲۰۰۹ نیز واحد پول ترکیه دوباره تغییر کرد و این بار به لیره ترکیه تبدیل گردید. در واقع، یک میلیون لیر قدیم ترکیه امروزه همان یک لیر است. از آنجاکه ترکیه به صنعت گردشگری وابستگی زیادی داشته است، در سال ۲۰۲۱، متأثر از همه‌گیری بیماری کووید-۱۹، میزان درآمد ترکیه از صنعت توریسم به شدت کاهش یافته و کسب و کارهای خرد نیز نتوانستند گردش مالی مناسبی را در سال گذشته به ثبت برسانند.

بر این اساس پس از همه‌گیری کووید-۱۹، دو اقدام دولت ترکیه باعث تضعیف ارزش لیر ترکیه شد. یکی اینکه دولت ترکیه اقدام به خلق پول بدون پشتوانه کرد و دوم اینکه، نرخ سود بانکی در این کشور کاهش یافت. تصمیم دولت برای کاهش نرخ سود بانکی در چند نوبت، در شرایط رکود اقتصادی حاصل از کرونا باعث آغاز افت پول ملی این کشور شد. افزایش حجم نقدینگی، کاهش نرخ سود بانکی، افزایش تورم و افزایش بدهی‌های خارجی، از مهم‌ترین عوامل سقوط ارزش ذاتی پول ملی ترکیه محسوب می‌شوند. با وجود این شرایط، همچنان دولت این کشور با افزایش نرخ‌های بهره مخالف و معتقد است که این نرخ‌ها باعث افزایش تورم می‌شوند.

در حقیقت هدف دولت ترکیه از این اقدام این است که توسعه مبتنی بر رشد صادرات را پیش بگیرد که در آن نرخ بهره کاهش می‌یابد و ارزش پول ملی به صورت عامدانه پایین نگه داشته می‌شود. در این صورت، کاهش ارزش لیر می‌تواند کالاهای ترکیه را در عرصه بین‌المللی رقابتی‌تر کرده و به کاهش تراز تجاری منفی این کشور کمک کند. این وضعیت می‌تواند به ورود قابل توجه منابع ارزی خارجی منجر شده و در نهایت به واسطه نرخ بهره پایین به افزایش تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال و همچنین در نهایت به کاهش تورم منجر شود؛ اما اینکه این سیاست برای حل بحران ترکیه می‌تواند پاسخگو باشد، جای سؤال است.

در این راستا، اقتصاددانان و سرمایه‌گذاران معتقدند که کاهش بیشتر نرخ‌های بهره باعث سقوط مجدد ارز می‌شود. همچنین، کاهش قدرت خرید در ترکیه در نهایت می‌تواند منجر به کندی اقتصاد یا حتی رکود گردد. اخیراً بانک گلدمن ساکس^۱ آمریکا نیز پیش‌بینی کرده است که اقتصاد ترکیه تا پایان سال ۲۰۲۲، تورم ۸۰ درصدی را تجربه خواهد کرد. تورم در ترکیه در ماه می ۲۰۲۲، از ۷۳ درصد عبور کرده که از جمله دلایل آن بحران ارزی از یک سو و افزایش قیمت بنزین و گازوئیل ناشی از درگیری نظامی روسیه و اوکراین بوده است. بر اساس آمار، در سال ۲۰۲۱ ارزش لیر ترکیه ۴۴ درصد سقوط کرد و از ابتدای سال جاری تاکنون ۲۴ درصد دیگر از ارزش خود را از دست داده است. سقوط ادامه‌دار نرخ برابری لیر در مقابل دلار به دلیل سهم بزرگی که ترکیه در صادرات ایران دارد و از طرف دیگر رقابتی که به صورت جدی دو کشور در بازار کشورهای همسایه مانند عراق دارند، قطعاً چالشی برای تجارت خارجی ایران خواهد بود. ترکیه بعد از چین و امارات مهم‌ترین بازار صادراتی ایران است که میزان صادرات ایران در سال ۱۳۹۹ بیش از ۲,۵ میلیارد دلار (البته این میزان قبل از اعمال تحریم‌های آمریکا و کرونا بیش از ۴,۵ میلیارد دلار بود) و در سال ۱۴۰۰ بیش از ۶ میلیارد دلار بوده است.

در خصوص وضعیت اقتصاد ایران و ترکیه، ضمن تأکید بر این که هر دو تورم بالایی را تجربه می‌کنند؛ اما مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی ترکیه، بدهی شرکت‌های خصوصی به بانک‌های خارجی، کسری حساب جاری و تکیه رشد اقتصادی به اعتبارات کوتاه‌مدت بوده و نگرانی از بازپرداخت اعتبارات باعث شده تمديد اعتباردهی به شرکت‌های ترکیه‌ای کاهش یابد که در نتیجه منجر به کاهش رشد اقتصادی ترکیه شده است. نکته قابل توجه که برای ترکیه بسیار نگران‌کننده است، حجم بالای بدهی خارجی آن می‌باشد که درصد بالایی از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد. در حالی که میزان بدهی خارجی ایران نسبت به کل تولید ناخالص داخلی بسیار کم است و در این خصوص افزایش نرخ ارز، تهدید قابل توجهی را متوجه اقتصاد ایران نمی‌کند. در اقتصاد ایران، مهم‌ترین تهدیدات اقتصادی را می‌توان تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، رشد بالای نقدینگی، کسری بودجه و وضعیت نامناسب نظام بانکی عنوان کرد.

بر اساس گزارش سازمان توسعه تجارت ایران، صادرات کالای غیرنفتی در ایران طی سال ۱۴۰۰ به ۱۲۲۷۷۵ هزار تن و ۴۸۶۱۹ میلیون دلار رسیده که نسبت به سال قبل ۸,۶ درصد از لحاظ وزن و ۳۹,۶ درصد از نظر ارزشی افزایش داشته است. صادرات کالا در اسفند ماه به ۱۰۱۱۷ هزار تن و ۵۱۰۲ میلیون دلار رسیده که نسبت به ماه قبل، ۱۷ درصد از لحاظ وزن کاهش و ۷ درصد از نظر ارزشی افزایش داشته است. پنج بازار نخست صادراتی کشور ایران شامل؛ چین با ارزش ۱۴۳۲۳ میلیون دلار و سهم ۲۹,۵ درصد از کل صادرات، عراق ۸۹۱۵ میلیون دلار و سهم ۱۸,۳ درصد، ترکیه ۶۰۸۱ میلیون دلار و سهم ۱۲,۵ درصد، امارات متحده عربی ۴۹۲۹ میلیون دلار و سهم ۱۰,۱ درصد و افغانستان ۱۸۳۹ میلیون دلار و سهم ۳,۸ درصد است.

1. Goldman Sachs

همچنین، سهم این بازارها از کل صادرات ایران، ۷۴،۲ درصد است. متوسط قیمت هر تن کالای صادرات، ۳۹۶ دلار که نسبت به سال قبل ۲۸،۶ درصد افزایش داشته است.

واردات ایران نیز طی سال ۱۴۰۰ به ۴۱۱۹۹ هزار تن و به ارزش ۵۳۰۱۳ میلیون دلار رسیده که نسبت به سال قبل، ۲۲ درصد از نظر وزن و ۳۶ درصد از نظر ارزش افزایش داشته است. واردات کالا در اسفند ماه به ۴۴۲۲ هزار تن و ۶۴۳۶ میلیون دلار رسیده که نسبت به ماه قبل، ۲۴ درصد از لحاظ وزن و ۲۶ درصد از نظر ارزشی افزایش داشته است. پنج مبدأ بزرگ وارداتی ایران شامل؛ امارات متحده عربی با ارزش ۱۶۵۲۳ میلیون دلار و سهم ۳۱ درصد از کل واردات، چین ۱۲۷۳۹ میلیون دلار و سهم ۲۴ درصد، ترکیه ۵۲۹۲ میلیون دلار و سهم ۱۰ درصد، آلمان ۱۹۱۸ میلیون دلار و سهم ۳،۶ درصد و فدراسیون روسیه ۱۶۶۳ میلیون دلار و سهم ۳ درصد است. سهم ۵ کشور مذکور از کل واردات ایران، ۷۲ درصد است. متوسط قیمت هر تن کالای وارداتی، ۱۲۸۷ دلار می‌باشد و تغییرات نسبت به سال قبل ۱۱،۶ درصد افزایش داشته است.

بنابراین، آخرین آمارها حاکی از آن است که در سال ۱۴۰۰ میزان مبادلات تجاری ایران با ترکیه به بیش از ۱۱ میلیارد دلار رسیده که این رقم نسبت به سال قبل ۶۲ درصد رشد داشته است. در سال ۱۴۰۰ سهم صادرات ایران به ترکیه به بیش از ۶ میلیارد دلار رسیده که این رقم نسبت به سال قبل، ۱۴۱ درصد رشد داشته است. از سوی دیگر، آمارها نشان می‌دهد که صادرات ترکیه به ایران در سال ۱۴۰۰ با رشد ۱۷ درصدی نسبت به سال قبل از آن، به رقم بیش از ۵ میلیارد دلاری رسیده است.^۱ بنابراین با توجه به اینکه، ترکیه سومین مقصد صادراتی و وارداتی ایران محسوب می‌شود، ادامه تضعیف ارزش لیر ترکیه نیز می‌تواند چالش‌هایی را برای اقتصاد ایران به همراه داشته باشد که فرصت‌ها و تهدیدهای حاصل از آن به شرح زیر است:

فرصت‌ها:

- با توجه به شرایط تحریم ایران و افت ارزش ریال، مسائل و مشکلات موجود برای واردات ایران و تضعیف ارزش لیر ترکیه شرایطی را برای ایران جهت افزایش واردات از ترکیه فراهم ساخته تا بتواند برخی مواد اساسی و کالاهای واسطه‌ای را به سهولت از ترکیه وارد کند.
- با توجه به شرایط پیش‌آمده برای ترکیه و ایران و افزایش حساسیت ترکیه به بهره‌گیری از دلار، می‌توان ساز و کارهای لازم برای حذف دلار از معاملات تجاری دوجانبه را فراهم ساخت. اگرچه به نظر می‌رسد هر دو کشور در این مورد توافق نسبی دارند؛ اما باید برای عملیاتی کردن این نوع مبادلات، اقدامات مکفی انجام شود.
- می‌توان شرایطی برای همکاری‌های دوجانبه توسط شرکت‌های داخلی برای سرمایه‌گذاری در ترکیه جهت کاهش اثرات منفی تحریم‌ها ایجاد کرد.

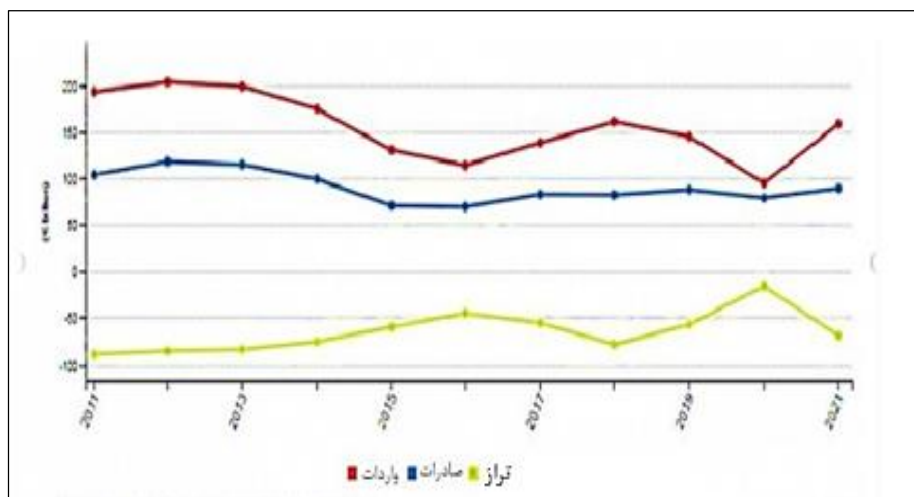
۱. از گزارش اجمالی عملکرد تجارت خارجی کشور سازمان توسعه تجارت ایران (۱۴۰۰) استفاده شده است.

تهدیدها:

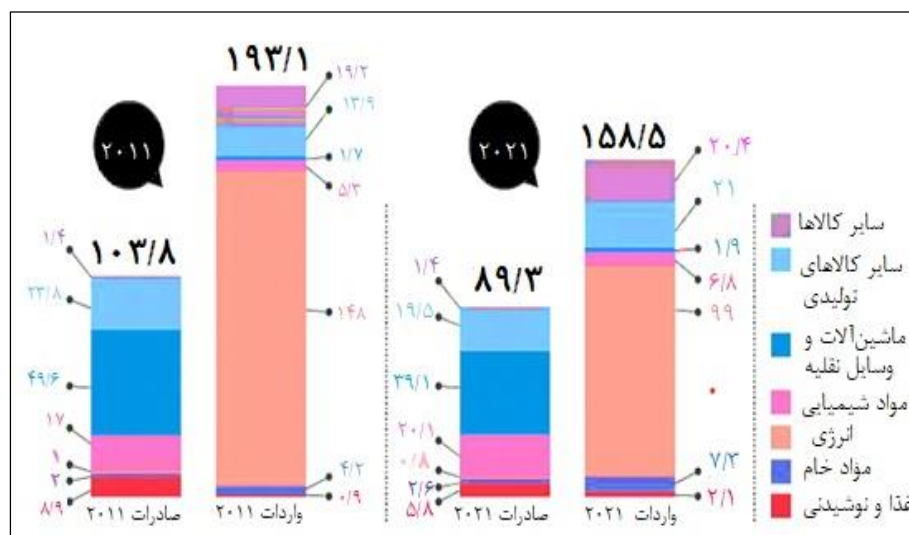
- با توجه به اینکه ایران و ترکیه رقیب صادراتی یکدیگر در منطقه محسوب می‌شوند و بازارهای هدف مشترکی دارند، در صورتی که لیر ترکیه ضعیف شود، قیمت تمام شده کالاهای صادراتی ترکیه ارزان‌تر از ایران می‌شود و توان رقابتی کالاهای ترکیه در برابر ایران افزایش می‌یابد که این مسئله می‌تواند باعث افزایش سهم کالاهای ترکیه‌ای در بازارهای هدف شود که ایران هم در آن حضور دارد و درآمدهای صادراتی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. لازم به ذکر است اگرچه ایران نیز با کاهش ارزش پول ملی مواجه است و تضعیف آن نیز شاید بتوان گفت که از تضعیف پول ترکیه بیشتر است؛ اما این تهدید را شاید نتوان نادیده گرفت؛ زیرا ایران اخیراً تورم ناشی از فشار هزینه را نیز تجربه کرده است. بنابراین افزایش هزینه‌های تولید، ارزش تمام شده کالاها و خدمات تولیدی را نیز افزایش می‌دهد که ایران در صورت محاسبات نادرست ممکن است بازارهای هدف صادراتی را در رقابت با ترکیه که هدفشان حمایت از تولید است را از دست بدهد.
- کاهش شدید ارزش لیر باعث تشدید خرید مسکن و دارایی‌ها در ترکیه شده و می‌تواند باعث خروج بیشتر ارز از ایران گردد.
- افت قابل توجه لیر از یک‌سو، ارزش صادرات ایران به ترکیه را برای صادرکننده‌ها کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، تمایل برای واردات از ترکیه افزایش می‌یابد که اگر واردات مدیریت شده باشد (در جهت ورود کالاهای نهاده‌ای و واسطه‌ای مورد نیاز کشور) در شرایط تحریمی فرصت مناسبی برای ایران است؛ اما اگر مدیریت نشود، می‌تواند تولید داخل را تحت تأثیر قرار دهد.
- کاهش شدیدتر ارزش لیر در ترکیه می‌تواند با جذب گردشگر باعث خروج ارز بیشتر از ایران شود که طی سال‌های مختلف این مسئله مشاهده شده است.
- در شرایط تضعیف شدید ارزش لیر و با توجه به افزایش هزینه‌های تولید در ایران، انگیزه برای ورود کالاهای قاچاق از ترکیه نیز افزایش می‌یابد.

۵-۱-۲- صادرات گاز ترکیه به اروپا

رابطه تجاری بین روسیه و کشورهای اروپایی بیانگر حجم بالای تجارت بین این دو کشور و وابستگی کشورهای اروپایی به واردات انرژی از روسیه بوده که آمارهای مربوطه در نمودارهای ۶ و ۷ ارائه شده است:



نمودار ۶: مبادلات تجاری بین اتحادیه اروپا و روسیه در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۱۱



نمودار ۷: مبادلات تجاری اتحادیه اروپا و روسیه بر اساس گروه‌های کالایی در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۱۱

منبع: <https://ec.europa.eu/eurostat>

آمار و اطلاعات بیانگر این واقعیت است که اقدام روسیه در بستن شیر خط لوله صادرات گاز به اروپا، امنیت انرژی در اروپا را به دلیل نبود جایگزین کافی در کوتاه‌مدت با تهدید روبه‌رو خواهد کرد. این اقدام روسیه در واکنش به تحریم‌های اعمالی آمریکا و متحدان غربی‌اش در پی جنگ در اوکراین بوده است.

به عنوان نمونه، روسیه اقدام به قطع صادرات گاز خود به بلغارستان کرده است. با توجه به اینکه روسیه بازارهای هدف بسیار بزرگ‌تری نسبت به بلغارستان دارد، این اقدام روسیه می‌تواند به عنوان هشدار برای کشورهای اروپا در نظر گرفته شود. بلغارستان برای جبران این اقدام روسیه، باید واردات گاز خود را از ترکیه و یونان تأمین کند. از یک‌سو، با توجه به موقعیت جغرافیایی ترکیه که به عنوان یکی از هاب‌های گازی در اروپا محسوب می‌شود و نیز خط لوله گازی ترکیه به اروپا می‌تواند این نقصان گاز را جبران نماید.

از سوی دیگر، ترکیه در تأمین گاز خود به کشورهایمانند روسیه و حتی ایران وابسته است. این اقدام ترکیه می‌تواند تأمین گاز ترکیه از روسیه را با مشکل مواجه سازد. در این راستا اروپا قصد دارد از راه‌های مختلف از جمله ذخایر جدید در دریای مدیترانه وابستگی انرژی خود را به روسیه کاهش دهد که ترکیه با چالش جدی مواجه خواهد شد، زیرا از یک‌سو با توجه به موقعیت جغرافیایی می‌تواند به عنوان یک صادرکننده گاز عمل کند و از سوی دیگر، خود وابسته به واردات گاز از کشورهای دیگر مانند روسیه و ایران است. بنابراین ایران در این امر باید بتواند فرصت‌های مناسبی از طریق ترکیه برای صادرات گاز خود به اروپا انجام دهد. برای گسترش این امر، ایران می‌تواند جهت جلوگیری از کمبود گاز داخلی به عنوان واسط بین ترکمنستان نیز عمل کرده و با خرید گاز از ترکمنستان و صادرات به ترکیه نیز مانع شکل‌گیری بحران گردد؛ اما ذکر این نکته ضروری است که ایران با چالش‌هایی در صادرات گاز به ترکیه مواجه بوده و حتی مجبور به پرداخت خسارت نیز شده است. بنابراین لازمه استفاده از این فرصت و جلوگیری از عدم تبدیل آن به تهدید، نیازمند روابط بین‌الملل مدبرانه در این حوزه است.^۱

۵-۲- تحولات کشور عراق

ایران در سال‌های اخیر اگرچه تا حدودی توانسته است از فرصت یک بازار مصرفی با جمعیت قابل توجه در همسایگی خود استفاده کند؛ اما به نظر می‌رسد سیاست‌های اقتصادی ایران در قبال عراق نیازمند به‌روزرسانی و حتی بازنگری است. این به‌روزرسانی راهبردهای صادرات به یک پیش‌زمینه اساسی نیاز دارد: حفظ بازارهای صادراتی برای یک دوره طولانی‌مدت و داشتن یک روابط پایدار و باثبات به تحقیقات مستمر و جامعی در حوزه مخاطب‌شناسی و ذائقه‌سنجی وابسته است که بخش‌هایی مانند نوع کالا، کیفیت و زمان تولید، نام‌گذاری و برندینگ، تبلیغات، وضعیت رقبا، توزیع و خدمات پس از فروش را شامل می‌شود.

به همین دلیل نهادهای مدیریت‌کننده صادرات ایران به عراق از جمله سازمان توسعه تجارت، رایزن‌های بازرگانی ایران در عراق، اتاق مشترک بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و عراق، ستاد توسعه روابط اقتصادی ایران با عراق و سایر نهادهای دولتی و خصوصی باید به مسئله تحقیقات بازار اهمیت دهند. حضور مستقیم در

۱. از مطالعات ظفریان (۱۳۹۶) و ورهرامی و همکاران (۱۳۹۷) استفاده شده است.

سطح خرد بازار عراق مانند ایجاد فروشگاه‌های عرضه مستقیم محصولات ایرانی می‌تواند به شناخت متقابل تولیدکننده ایرانی و مصرف‌کننده عراقی کمک کند.

از نخستین مؤلفه‌های ضروری برای بازنگری در راهبردهای کلان صادراتی به عراق، تنوع‌بخشی است. هم‌اکنون بیشتر کالاهایی که به عراق صادر می‌شوند در زمره محصولات غذایی و بهداشتی هستند. اگرچه می‌توان به صادرات ماشین‌آلات کشاورزی نیز اشاره کرد؛ اما به نظر می‌رسد صادرات کالاهای فناورانه، صنعتی، دارو و موارد مشابه که جایگاه چندانی در سبد صادراتی ایران به عراق ندارد، هم ثبات بیشتری دارد و هم درآمد بالاتری نصیب کشور می‌کند. همچنین صادرات کالاهای متنوع به عراق و فاصله گرفتن از صادرات صرف کالاهای سنتی می‌تواند بهره‌وری تولید و کیفیت کالای تولیدکننده ایرانی را ارتقا دهد. بازار عراق، بازاری رقابتی محسوب می‌شود که واردکننده انواع کالاهای مصرفی از چین، ترکیه، امارات، هند و کشورهای اروپایی است.

تنوع‌بخشی به کالاهای صادراتی و توجه به صادرات محصولات فناورانه و صنعتی تا حدودی می‌تواند ایران را از برخی تغییرات در سیاست‌های اقتصادی دولت عراق از جمله در تنظیم بازار و کنترل واردات که بیشتر در حوزه مواد غذایی و محصولات کشاورزی مشاهده می‌شود، مصون نگه دارد.

در صادرات خدمات فنی و مهندسی نیز بازار عراق واجد ظرفیت‌های مناسبی است، به‌ویژه این‌که با بهبود شرایط امنیتی و افزایش درآمدهای نفتی این کشور نسبت به سال ۲۰۱۹ و نیمه نخست سال ۲۰۲۰، روند بازسازی و تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام سرعت خواهد گرفت. این مسئله فرصتی برای شرکت‌های ایرانی است که می‌تواند نتایج مثبتی به دنبال داشته باشد. گسترش صادرات خدمات فنی و مهندسی، علاوه بر این‌که در تنوع‌بخشی به روابط اقتصادی دو کشور اثرات مثبتی خواهد داشت، می‌تواند ارزآوری برای کشور را افزایش داده و همچنین مشکلات اقتصادی شرکت‌های داخلی را کاهش دهد. تقویت توان رقابتی شرکت‌های ایرانی نیز از مزایای حضور در بازار عراق خواهد بود.

فعالیت شرکت‌های فنی و مهندسی ایرانی در کشور عراق باید با برخی الزامات همراه باشد. به‌کارگیری نیروی کار عراقی حداقل در بخشی از پروژه‌ها از جمله این الزامات است که هم باعث تمایل طرف مقابل به تداوم فعالیت شرکت‌های ایرانی در عراق می‌شود و هم دستاوردهای فرهنگی و رسانه‌ای دارد؛ به‌شرط آنکه محتواهای مؤثر و جذاب رسانه‌ای از آن تولید و در شبکه‌های مجازی عراق منتشر شود.

خدمات نیز از جمله بخش‌هایی است که ظرفیت‌های فراوانی دارد. ایران و عراق به دلیل مجموعه‌ای از اشتراکات مذهبی می‌توانند همکاری‌های خود در این عرصه را افزایش دهند که علاوه بر گردشگری زیارتی، گردشگری سلامت نیز باید مورد توجه باشد. توان پزشکی ایران و بعد مسافت، جذابیت‌های بسیاری برای حضور عراقی‌ها

در ایران دارد. شهر شیراز در ایران از جمله نمونه‌های موفق جذب گردشگر سلامت از عراق محسوب می‌شود که الگوی آن قابل تسری به سایر استان‌ها، به‌ویژه استان‌های هم‌مرز با عراق است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های روابط اقتصادی ایران با عراق، تراز تجاری یک‌طرفه به سود ایران است. صادرات سالانه عراق به ایران طی یک دهه اخیر زیر ۱۵۰ میلیون دلار بوده است. سال گذشته تراز تجاری ایران و عراق تقریباً به اندازه میزان صادرات ایران به این کشور بود. البته بخشی از این ناترازی شدید به این دلیل است که اصلی‌ترین کالای صادراتی عراق، نفت بوده که ایران خود از جمله تولیدکنندگان آن محسوب می‌شود. عامل دیگر نیز به اقتصاد مصرفی عراق بازمی‌گردد. عراق تراز تجاری خود با سایر کشورها را با صادرات نفت بهبود می‌بخشد که این امکان تا حدود زیادی در روابط با ایران ممکن نیست.

بنابراین بخشی از عدم تعادل در تراز تجاری میان دو کشور محصول چنین عوامل طبیعی است؛ اما به نظر می‌رسد قسمتی از اعداد و ارقام فعلی در تجارت دو کشور قابل اصلاح باشد و ایران می‌تواند با اتخاذ گام‌هایی ضمن تعادل بخشی نسبی به تراز تجاری خود با عراق، طرف مقابل را برای تداوم این روابط اقتصادی ترغیب کند. از جمله این اقدامات، سیاست تولید مشترک با عراق است. بر اساس این، طرف ایرانی می‌تواند با همکاری یک شرکت عراقی در سرمایه‌گذاری، تأمین مواد اولیه، تجهیز، فرایند تولید، نیروی کار و غیره به تولید مشترک یک کالا اقدام کند.

این اقدام، ضمن وابستگی متقابل میان اقتصادهای دو کشور، طرف عراقی را به تقویت روابط اقتصادی با ایران تشویق کرده و باعث ثبات در سبب صادراتی ایران می‌شود. اقدام دیگر تأمین کالا و نیازهای داخلی از طریق ترانزیت کالا از مسیر عراق است. فعالان اقتصادی عراق با توجه به عدم مواجهه با محدودیت‌هایی که فعالان اقتصادی ایران با آن روبه‌رو هستند، می‌توانند کالای مورد نیاز واردکننده ایرانی را خریداری و تحویل دهند که می‌تواند درآمدهای ترانزیتی نصیب کشور عراق کند.

ایران برای توسعه روابط اقتصادی خود با عراق، نیاز به حمایت بیشتر از بخش خصوصی دارد. طی سال‌های پس از خروج آمریکا از برجام، ایران تجربه موفق در صادرات بخش خصوصی و تجربه نسبتاً ناموفقی در صادرات بخش دولتی به عراق داشت. به عبارت دیگر، بخشی از صادرات کالا و خدمات که بر عهده بخش خصوصی ایران بود، با وجود مواجهه با برخی محدودیت‌ها تداوم یافت و صادرات این بخش دچار کاهش شدید نشد. اما در بخش دولتی که صادرات برق و گاز بود، با وجود اعمال معافیت‌های تحریمی آمریکا که ناشی از نیاز شدید عراق به گاز و برق ایران محسوب می‌شد، تهران برای دریافت مطالبات خود مشکلات بسیاری داشت. به همین دلیل سفرهای متعدد مسئولان ایرانی برای دریافت حدود ۶ میلیارد دلار مطالبات ناشی از فروش برق و گاز به عراق طی سال‌های اخیر دستاورد چندانی نداشته و ایران در دریافت این مطالبات با دینار عراق نیز به دلیل عدم همراهی دولت این کشور موفق نبوده است.

عراق در دوران پساصدام، با وجود انتظار عمومی برای بهبود وضعیت این کشور و جریان درآمدهای سرشار نفتی، به دلیل معضلاتی مانند فساد، بخشی‌نگری، شکاف‌های مذهبی و سیاسی، ظهور تروریسم، تأثیر منفی منازعات بازیگران خارجی، طایفه‌گرایی و کج کارکردی دولت مرکزی نتوانست نارسایی‌های موجود را به نحو احسن مدیریت کند. تصویب یک سند راهبردی باهدف اصلاح بخش عمومی و کاهش وابستگی به نفت و تلاش این کشور برای حمایت از تولید داخلی نیز تاکنون نتوانسته راه به‌جایی ببرد؛ اما عراق همچنان با جدیت به دنبال بازسازی اقتصادی است. از سوی دیگر، درک گسترده مردم این کشور از تأثیر منفی منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی بر ثبات و توسعه اقتصادی عراق، تقویت گفتمان‌های ملی‌گرایی، عرب‌گرایی و نیز محدودیت‌های ژئوپلیتیک این کشور باعث شده تا رفع تنش از سیاست خارجی، به‌ویژه در مرادده با کشورهای عربی نیز در دستور کار حاکمیت این کشور قرار گیرد.

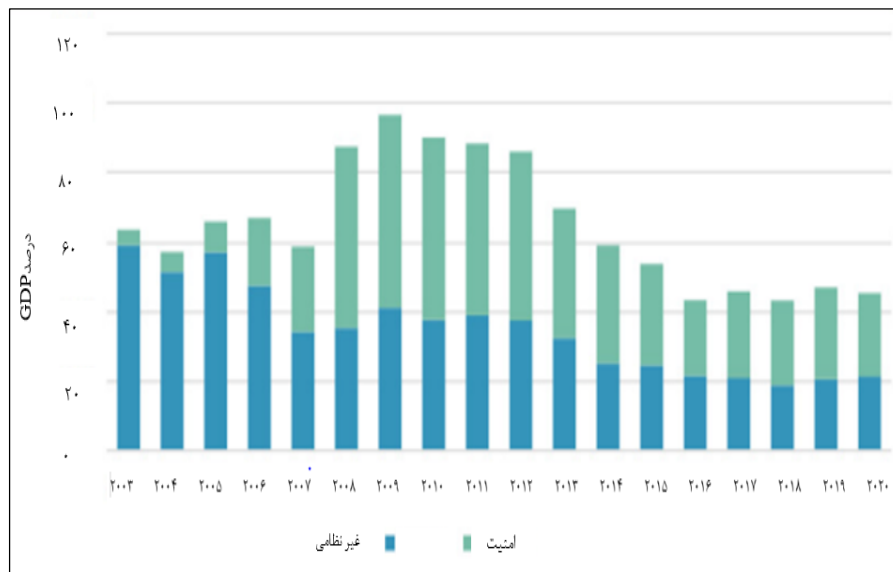
درباره روابط این کشور با ایران، اگرچه در دو دهه اخیر بنا بر توسعه همکاری‌های چندجانبه قرار داشته، اما پیچیدگی‌های بسیاری نیز در این میان ناشی از عوامل متعدد اقتصادی و غیراقتصادی است. افتراقات فرهنگی و مذهبی، القای نقش منفی برای ایران در توسعه و بازسازی عراق به دلیل مسائل سیاسی، چالش‌های ایجادشده توسط احزاب و گروه‌های سیاسی سنتی در عراق، عدم به‌روزرسانی سیاست‌های اقتصادی ایران در مقابل عراق، به‌ویژه در مورد ناترازی تجاری و سایر موضوعات حل نشده در خلال این روابط، از جمله این پیچیدگی‌ها است که لزوم بازنگری در سیاست‌های تجاری و غیرتجاری ایران را در قبال عراق یادآوری می‌کند.

درمجموع فرصت‌ها و چالش‌های موجود در روابط اقتصادی ایران و عراق نشان می‌دهد هدف دستیابی به تجارت ۲۰ میلیارد دلاری، چندان دور از دسترس نیست؛ اما به بازنگری در برخی سیاست‌ها، حمایت از شرکت‌های خصوصی، حذف بوروکراسی اداری در تجارت دوجانبه و توسعه همکاری‌های بانکی و گمرکی نیاز دارد. اینکه دولت عراق تا چه میزان برای چنین آینده‌ای آمادگی دارد، علاوه بر راهبردها و سیاست‌های ایران در مواجهه با این کشور، منوط به برخی تحولات داخلی و منطقه‌ای خواهد بود.

۵-۳- تحولات کشور افغانستان

افغانستان طی سال‌های مختلف وضعیت رشد اقتصادی مناسبی نداشته و آمار فعالیت‌های غیرقانونی مانند قاچاق در آن بسیار بالا بوده است. بر اساس پیش‌بینی‌های بانک جهانی، تولید ناخالص داخلی افغانستان تا پایان سال ۲۰۲۲ نسبت به سال قبل، حدود ۳۰ درصد کاهش خواهد یافت چنانکه پیامدهای ادامه بحران اقتصادی افغانستان، تشدید فقر، آوارگی و تهدیدات ناشی از گسترش افراط‌گرایی خواهد بود. البته لازم به ذکر است که در زمان دولت قبلی افغانستان نیز، بانک جهانی در مورد شرایط اقتصادی این کشور و اینکه افغانستان از کمترین رشد اقتصادی در میان کشورهای منطقه برخوردار است هشدار داده بود که این وضعیت به مراتب نگران‌کننده‌تر شده است. مهم‌ترین مسائل کنونی که افغانستان با آن درگیر می‌باشد به شرح زیر است:

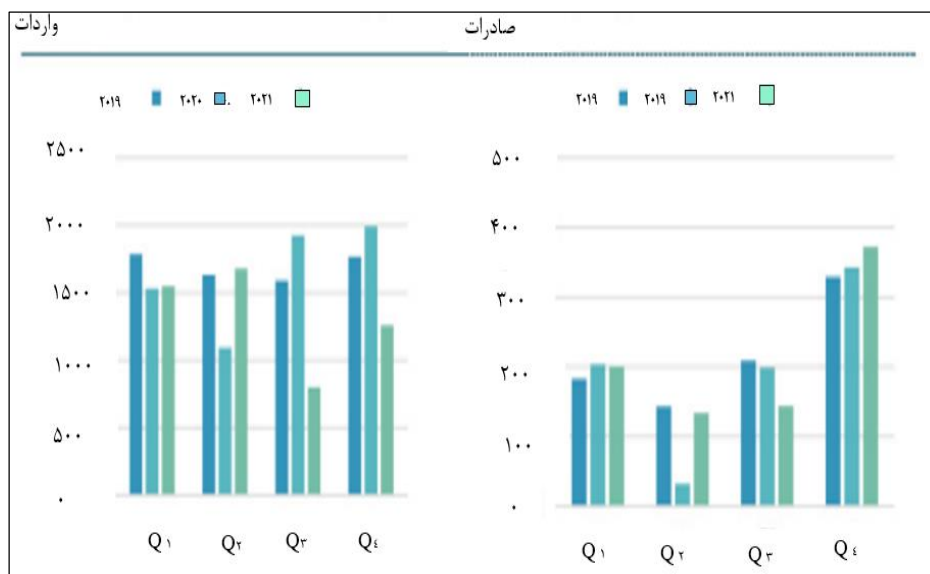
- ابهام در ادامه کمک‌های بین‌المللی به افغانستان در دوره تسلط مجدد طالبان و کاهش شدید آن؛
 - عدم سرمایه‌گذاری خارجی در افغانستان در دو سال اخیر هم‌زمان با تشدید بحران سیاسی و ناامنی در این کشور؛
 - بازدهی بسیار پایین بخش کشاورزی به عنوان مهم‌ترین منبع درآمدی مشروع که درآمد بیش از شصت درصد مردم افغانستان به آن وابسته است؛
 - ضعف فعالیت‌های بخش خصوصی در افغانستان؛
 - گسترش فعالیت‌های غیرقانونی مانند انواع قاچاق، کشت خشخاش و تولید مواد مخدر.
- نمودارهای ۸ و ۹ بخشی از وضعیت اقتصاد بحران‌زده افغانستان را نشان می‌دهند. همان‌گونه که نمودار (۸) نشان می‌دهد اقتصاد افغانستان به شدت به کمک‌های بین‌المللی وابسته بوده تا جایی که در سال ۲۰۲۰ حدود ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را کمک‌های بین‌المللی تشکیل داده‌اند. با برآمدن طالبان، کمک‌های جامعه بین‌المللی بسیار کاهش یافته و این کشور تحت تحریم قرار گرفته است.



نمودار ۸: سهم گرنت‌های بین‌المللی در تولید ناخالص داخلی افغانستان

Source: World Bank Staff Estimates

یکی از حوزه‌های تأثیرگذاری زوال اقتصادی افغانستان بر واردات این کشور بوده است. همان‌گونه که نمودار (۹) نشان می‌دهد واردات این کشور در سال ۲۰۲۱ نسبت به دو سال قبل از آن به صورتی آشکار کاهش یافته است.



نمودار ۹: کاهش واردات و افزایش صادرات افغانستان در سال‌های اخیر

Source: NSIA

سرعت گرفتن زوال اقتصادی افغانستان برای ایران پیامدهای منفی مهمی خواهد داشت. نه تنها ظرفیت یکی از بازارهای مهم صادراتی ایران در محیط همسایگی به سرعت کاهش می‌یابد بلکه این کشور در آستانه فاجعه اقتصادی قرار گرفته است و بحران پناهجویان، ایران را به شدت تهدید می‌کند. بخش عظیمی از جمعیت افغانستان در معرض فقر مطلق و گرسنگی قرار گرفته‌اند و جامعه جهانی نیز کمک‌های چندانی به این کشور ارائه نمی‌کند. چنین شرایطی سیل آوارگان به ایران و پاکستان ادامه خواهد یافت و تأثیرات نامطلوب آن بر اقتصاد کشور تشدید خواهد شد؛ اما با توجه به ملاحظات اشاره‌شده فوق، روابط تجاری آینده ایران در بازار افغانستان در کنار رقبا در چهار حوزه ژئوپلیتیک، تجارت، ترانزیت و تعاملات انرژی قابل بررسی است.

۵-۳-۱- تعاملات و چالش‌های ژئوپلیتیک ایران و افغانستان

طی سال‌های گذشته، همواره ایران روابط خوب تجاری با افغانستان داشته است. افغانستان یکی از مقاصد اصلی صادرات غیرنفتی ایران اعم از محصولات کشاورزی، معدنی و سایر نیازهای داخلی مردم بوده و این امر ظرفیت خوبی برای ورود دلار و ارزهای بین‌المللی از محل تجارت با افغانستان برای ایران ایجاد کرده است. موقعیت بندر استراتژیک چابهار نیز مسیر مناسب ارتباطی و تجاری هند به افغانستان و در مرحله بعدی چین بوده است؛ بنابراین با توجه به شرایط فعلی به وجود آمده و ناامنی و بی‌ثباتی‌های ایجاد شده، ممکن است تجارت ایران با افغانستان با چالش‌هایی مواجه باشد؛ چراکه پیش‌شرط تجارت و منافع مشترک در ثبات و پایداری امنیتی است. ایجاد پایه‌های بی‌ثباتی، باعث عدم توازن و تعادل تجاری و اقتصادی خواهد شد که در این مورد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تقاضا برای محصولات ایرانی می‌تواند کاهش یابد، زیرا در شرایط ناامنی، امنیت و سلامت در اولویت بوده و کاهش رشد اقتصادی در افغانستان و گسترش فقر می‌تواند کاهش تقاضا را تشدید نماید.
- در صورت افزایش ناسازگاری‌ها بین افغانستان و کشورهای اتحادیه اروپا و آمریکا، ممکن است دارایی‌های افغانستان در بانک‌های بین‌المللی بلوکه شده و راه‌های انتقال دلار به شبکه بانکی این کشور مسدود گردد که این موضوع به صورت مستقیم و غیرمستقیم در صادرات ایران و بازگشت درآمد دلاری حاصل از آن، تأثیر خواهد گذاشت. البته ذکر این نکته ضروری است که این مسئله در عمل نیز قابل مشاهده است که کاهش ارزش پول افغانستانی (افغانی) نیز نمایانگر این مسئله است؛ چراکه غالب تبادلات مالی و تجاری دنیا با دلار انجام می‌گیرد و محدود شدن منابع ارزی افغانستان باعث رکود تورمی این کشور شده که آثار آن در تجارت خارجی نیز نمود پیدا خواهد کرد.
- با توجه به اینکه در افغانستان، بخش اعظمی از هزینه‌های عمومی از محل کمک‌های بلاعوض بین‌المللی است، کاهش اعتبارات بین‌المللی باعث ضعیف‌تر شدن قدرت اقتصادی مردم افغانستان و کاهش ورودی دلار به اقتصاد این کشور می‌شود که این موضوع دارای رابطه علی دوطرفه بوده است که خروجی این وضعیت منجر به کاهش حجم تجارت خارجی ایران با افغانستان نیز خواهد شد.
- هزینه‌های امنیت در مرزهای شرقی ایران به دلیل شرایط بی‌ثباتی کنونی ایجاد شده در افغانستان نیز افزایش بیشتری خواهد یافت.
- ورود پناهندگان غیرقانونی افغانی به ایران نیز می‌تواند پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسیاری را به همراه داشته باشد. همزمان با تسلط طالبان بر بیشتر شهرهای افغانستان و افزایش ناامنی‌ها در این کشور به دست طالبان، موج جدیدی از مهاجرت افغان‌ها به سمت ایران نیز آغاز شده است.
- با توجه به اینکه اغلب پناهنده‌های افغانی دارای وضعیت اقتصادی و تحصیلی پایینی می‌باشند؛ بنابراین ورود آن‌ها به بازار کار با توجه به تقاضای دستمزد پایین، به راحتی می‌توانند جایگزین نیروی کار داخلی شوند و فرصت‌های شغلی را برای نیروی انسانی داخلی کاهش دهند.
- عدم برنامه‌ریزی صحیح برای پناهندگان جدید افغانی می‌تواند مسائل آموزشی و بهداشتی را نیز برای کشور به همراه داشته باشد.
- تحولات اخیر در افغانستان بدون شک فضا را برای شرکت‌های ایرانی ناامن کرده و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در این کشور را نیز کاهش داده است.
- مهم‌ترین مسئله نیز، پیگیری مسیر جایگزین چابهار توسط طالبان است که بر مبنای اظهارات مقامات طالبان، دو کشور افغانستان و ازبکستان در مورد توسعه ترانزیت، به‌ویژه راه‌آهن ترمز - مزار شریف -

کابل - پیشاور به تفاهم رسیدند. در قالب این کریدور ازبکستان از مسیر افغانستان به کراچی پاکستان متصل می‌شود و به آب‌های آزاد دسترسی پیدا می‌کند و از دیگر سو پاکستان از طریق افغانستان به آسیای مرکزی دسترسی بهتری خواهد یافت. در این میان افغانستان به عنوان حلقه وصل ازبکستان و پاکستان ایفای نقش می‌نماید. در صورت اجرایی شدن این طرح، اهمیت ژئواکونومیک چابهار بیش از پیش تضعیف خواهد یافت.^۱

۵-۳-۲- تجارت ایران و افغانستان

بر اساس تحلیل مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، افغانستان در دوران حضور نیروهای خارجی در آن، اقتصاد کوچکی داشته و ارزش کل تولید ناخالص داخلی این کشور در سال مالی منتهی به ۲۰۲۰ بالغ بر ۱۹/۸ میلیارد دلار و حجم تجارت خارجی آن در سال مالی منتهی به ۲۰۱۹ قریب به ۹/۵ میلیارد دلار بوده است. با این حال ایران طی سال‌های اخیر توانسته است روابط اقتصادی دوجانبه را به گونه‌ای مدیریت کند که به بزرگ‌ترین صادرکننده به افغانستان تبدیل شده و از سوی دیگر، افغانستان را به سومین مقصد کالاهای صادراتی خود در منطقه تبدیل کند.

مهم‌ترین بازیگران حوزه تجارت در افغانستان به‌طور سنتی کشورهای همسایه به اضافه هند بوده‌اند که در سال‌های حضور نیروهای خارجی، ایالات متحده آمریکا، امارات متحده عربی و ترکیه نیز به مجموعه این بازیگران افزوده شده‌اند. از آنجاکه بازار و اقتصاد این کشور یک بازار کوچک با استعداد زیاد برای آشوب و درگیری بوده و کمتر مورد توجه کشورهای دیگر قرار گرفته است. مهم‌ترین رقیب‌های ایران در این عرصه پاکستان، چین و در سطوح پایین‌تر امارات متحده عربی هستند. کشورهای همسایه آسیای مرکزی، به‌ویژه قزاقستان و ازبکستان دیگر کشورهایی هستند که بالاترین سطح تجارت با افغانستان را دارند؛ اما به نظر می‌رسد که روابط این کشورها با افغانستان تأثیر کمتری از تحولات استراتژیک خواهد پذیرفت.

۵-۳-۳- ترانزیت ایران و افغانستان

دومین حیطة تعیین‌کننده در روابط اقتصادی ایران و افغانستان از منظری ژئواستراتژیک، مسئله ترانزیت است. این حوزه نه‌تنها در پیوند با اقتصاد، بلکه از منظری ژئوپلیتیک است که اهمیت پیدا می‌کند. اهمیت افغانستان برای ایران در حوزه مورد بحث در پیوند با سه بازیگر هند، چین و پاکستان معنا پیدا می‌کند. هند در چارچوب استراتژی کلان، افغانستان را در حلقه دوم استراتژیک خود تعریف کرده است که دروازه ورود این کشور به آسیای مرکزی به شمار می‌رود. همچنین اهمیت افغانستان برای هند از این جهت بوده است که با توسعه نفوذ در این کشور، عمق استراتژیک پاکستان، رقیب منطقه‌ای خود را به چالش بکشد.

۱. از گزارش‌های روز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استفاده شده است.

تلاش‌های هند برای توسعه بندر چابهار، معاهده سه‌جانبه تهران ۲۰۱۶ میان سه کشور ایران، هند و افغانستان و سرمایه‌گذاری‌های چشمگیر در زیرساخت‌های افغانستان در دوران حضور نیروهای خارجی و همکاری‌های امنیتی با دولت‌های کرزای و غنی، همگی در همین چارچوب قابل ارزیابی هستند. چین برخلاف هند از مسیر تنگه واخان دسترسی زمینی مستقیم به افغانستان دارد، افغانستان را در چارچوب مسیر ترانزیتی کلان خود، یعنی پروژه یک کمر بند و یک راه می‌بیند. یک مسیر اصلی این پروژه که طرحی دگرگون‌کننده از نظر چینی‌ها به شمار می‌رود، در خشکی از افغانستان می‌گذرد.

خروج ایالات متحده از افغانستان و تسلط طالبان که به شریک استراتژیک چین، یعنی پاکستان نزدیک هستند در این کشور، یک فرصت طلایی برای پروژه کمر بند و راه در این کشور به وجود آورده است. حتی برخی از تحلیلگران معتقدند که در این نگاه چین، ایران، افغانستان و پاکستان در یک مجموعه قرار می‌گیرند و سند همکاری راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین آن را تکمیل می‌کند. چین علاوه بر نگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک سنتی به افغانستان، نگاهی ژئواکونومیک نیز پیدا کرده و علاوه بر مسئله ترانزیتی، اعلام آمادگی نموده است که به اکتشاف و استخراج ذخایر و معادن این کشور که ارزش آن‌ها را تا سه هزار میلیارد دلار برآورد کرده‌اند نیز بپردازد.

در مورد پاکستان، مسئله ترانزیتی پیچیده‌تر است. این کشور با تغییر نقشه ترانزیتی افغانستان پس از خروج نیروهای خارجی، پیش از هر چیز دست رقیب هسته‌ای خود هند را از حیات خلوتش افغانستان کوتاه می‌کند و مسیر موازی بندر چابهار به افغانستان را در بهترین حالت، کم اثر می‌نماید. علاوه بر آن، مسیر سنتی بندر کراچی به افغانستان را به‌عنوان مسیر اصلی انتقال کالا به سرزمین محصور در خشکی افغانستان تثبیت می‌کند و از این طریق هم وابستگی کابل به اسلام‌آباد را شدت می‌بخشد و هم سود انتقال کالا به افغانستان را وارد اقتصاد خود و نصیب تجار پاکستانی می‌نماید. درنهایت، کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) که بزرگ‌ترین پروژه اقتصادی تاریخ پاکستان به شمار می‌آید را با امتداد به افغانستان و سپس آسیای مرکزی، توسعه داده و آن را به عنوان مؤثرترین و چشمگیرترین مسیر ترانزیتی جنوب به شمال در منطقه تثبیت می‌کند.

۵-۳-۴- تعاملات انرژی ایران و افغانستان

سومین حوزه‌ای که در روابط اقتصادی ایران و افغانستان حائز اهمیت است و از پیامدهای تحولات استراتژیک اخیر در کابل متأثر خواهد شد، صادرات انرژی ایران به افغانستان است. انرژی موتور توسعه، تولید و شریان زیست روزمره مردم بوده و افغانستان کشوری است که نه تنها فاقد منابع زیرزمینی انرژی فسیلی می‌باشد بلکه به دلیل توسعه نیافتگی زیرساخت‌ها طی سال‌های طولانی جنگ داخلی، در حوزه تولید برق نیز بسیار

عقب‌افتاده است. آمار نشان می‌دهد، طی بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ یک فاصله ۳/۷ تا ۵ میلیارد کیلووات بر ساعت میان تولید و مصرف برق در این کشور وجود داشته است.

در تمام سال‌های اخیر، افغانستان در جرگه ۵ مقصد صادراتی ایران بود؛ اما با ورود طالبان، ایران می‌تواند در درازمدت با توجه به نکات زیر جریان مبادلات اقتصادی و تجاری ایران و افغانستان را حفظ کند. وضعیت روابط اقتصادی ایران و افغانستان تابعی از وضعیت کلی اقتصاد کشور است.

۱- بازگشت به برجام و تلاش برای رفع تحریم‌ها شرط اولیه و اساسی برای هرگونه تجارت پایدار است و افغانستان نیز از این قاعده مستثنا نیست.

۲- چین و پاکستان مهم‌ترین متغیرهای آینده تجارت با افغانستان برای ایران خواهند بود. با تسلط طالبان بر افغانستان، در نتیجه روابط نزدیک این گروه با پاکستان، به‌رغم برجا ماندن اختلافاتی مانند اختلافات مرزی و حمایت پاکستان از داعش میان دو کشور، موانع تجاری میان دو طرف کاهش خواهد یافت؛ بنابراین از یک‌سو تجارت میان دو کشور توسعه پیدا خواهد کرد و از سوی دیگر، بخشی از رقم بالای مبادلات غیررسمی میان کابل و اسلام‌آباد به مبادلات رسمی تغییر وضعیت خواهد داد. بر همین اساس مبنای سیاست‌گذاری در این حوزه برای ایران باید حفظ توان رقابت (سیاسی و اقتصادی) با پاکستان در کنار تلاش برای اقناع چین و همگرا کردن آن در یک طرح کلی متناسب با منافع ملی ایران باشد. به عبارت دیگر، ایران باید افغانستان را بخشی از مجموعه‌ای در نظر بگیرد که چین، موتور محرکه و پاکستان، رقیب اصلی ایران در آن مجموعه است. تلاش برای تحمیل روایت و تعریف ایران از افغانستان به چین در مقابل روایت پاکستان، کلیدی‌ترین روند و رفتار ایران در این حوزه خواهد بود.

۳- با تداوم تحریم‌های ایران که سبب کاهش صادرات ایران به افغانستان از نزدیک به ۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷ به حدود ۱/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ شده و توان رقابتی ایران با پاکستان در حوزه اقتصادی کاهش یافته است.

۴- فارغ از روندهای میان‌مدت و بلندمدت، باید این آمادگی وجود داشته باشد که در کوتاه‌مدت، روند صادرات کالاهای مصرفی و کالاهای واسطه‌ای ایران به افغانستان دچار اختلال شود. ظهور بازیگران جدید و فرسایش اقتصاد افغانستان مهم‌ترین دلایل این وضعیت هستند. بر اساس آمارهای منتشرشده توسط گمرک ایران، در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۰، صادرات ایران به افغانستان ۲۵ درصد در وزن و ۱۰ درصد در ارزش در مقایسه با مدت مشابه سال قبل کاهش یافته است؛ یعنی در کوتاه‌مدت، روابط تجاری دو کشور از وضعیت قبل کاهش پیدا کرده است.

۵- در حوزه صادرات سوخت، ایران هژمونی نسبی خود را حفظ خواهد کرد و در زمینه صادرات برق نیز، در کوتاه‌مدت آسیب چندانی پیش‌بینی نمی‌شود. آینده روابط اقتصادی دو کشور در این حوزه در گرو حفظ توان تولیدی و صادراتی ایران، شیوه رفتار بازیگران جدید و آینده دو پروژه تاپی (خط لوله انتقال گاز ترکمنستان از

طریق افغانستان به پاکستان و هند) و کاسا ۱۰۰۰ (پروژه انتقال برق از آسیای مرکزی به افغانستان) است. در هر حال، مزیت‌های نسبی ایران در این حوزه آسیب‌پذیری کمتری خواهند داشت. اگرچه سهم ایران از بازار افغانستان از ۵۷ درصد در سال ۲۰۱۷ به حدود ۲۷ درصد در سال ۲۰۱۹ کاهش یافته و در جایگاه دوم بعد از ترکمنستان قرار گرفته است، برتری ایران در تأمین بنزین و گازوئیل افغانستان پابرجا است که مزیت استراتژیک برای ایران را به دنبال دارد.

۶- در بلندمدت به لحاظ اقتصادی و استراتژیک، یکی از مهم‌ترین مسائل ایران در مورد تحولات افغانستان به آینده بندر و پروژه ترانزیتی چابهار مربوط می‌شود. چابهار برای ایران هم یک دستاورد مهم اقتصادی است و هم ارزش استراتژیک و ژئواکونومیک بالایی برای توسعه روابط با شرق و آسیا، به‌جز چین دارد. ایران منافع زیادی در درگیر کردن هند در منطقه دارد و هند نیز اشتیاق زیادی برای حضور در خلیج فارس و آسیای مرکزی دارد. وضعیت جدید افغانستان هم به لحاظ اقتصادی و هم استراتژیک، این امکان را به‌طور بالقوه به چالش می‌کشد. یک سناریوی معتبر، جایگزین کردن افغانستان با ترکمنستان و امتداد مسیر از چابهار تا ازبکستان خواهد بود تا به این ترتیب بدون عبور از افغانستان، این مسیر ترانزیتی دریای عمان و اقیانوس هند را به آسیای مرکزی متصل نماید.

بنابراین توجه ویژه سیاست‌گذاران در این رابطه باید به شش نکته باشد: بازگشت به برجام و رفع تحریم‌ها؛ حفظ توان رقابت با پاکستان در کنار تلاش برای اقتناع چین متناسب با منافع ملی ایران؛ جلوگیری از کاهش شدید صادرات به افغانستان؛ کنترل اختلال در صادرات کالاهای مصرفی و کالاهای واسطه‌ای به افغانستان؛ حفظ هژمونی نسبی ایران در حوزه صادرات سوخت؛ و رقبای ترانزیت به افغانستان نکاتی است که تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان در جریان مبادلات اقتصادی و تجاری ایران و افغانستان باید آن را مدنظر قرار دهند.

۵-۴- تحولات کشور هند و سیاست‌های تجاری آن

مطالعه و بررسی سیاست تجاری هند و قرار دادن روابط تجاری دوجانبه ایران و هند در قالب آن، می‌تواند چشم‌انداز واضحی از مسائل و راهکارهای این روابط پیچیده به دست دهد. نخستین موضوعی که باید در خاطر داشت این است که بخش بزرگی از مشکلات روابط تجاری ایران و هند ناشی از مشکلات سیاسی ایران، به‌ویژه با ایالات متحده و غرب است. بنابراین به میزانی که روابط سیاسی ایران با این بازیگران عمده نظام بین‌الملل عادی‌سازی شود، روابط تجاری آن نیز با کشورهای گوناگون، به‌ویژه هند تسهیل خواهد شد و این باید مهم‌ترین دستور کار نظام تصمیم‌سازی باشد. با این حال، در سطح خرد تصمیم‌سازی و حوزه کارشناسی بخش خصوصی، مسائلی وجود دارد که با عنایت به مباحث این پژوهش می‌توان مطرح کرد:

۱- فشار برای پیشبرد موافقت‌نامه‌های تجاری ترجیحی دوجانبه: بخش مهمی از مسائل تجارت ایران و هند ناشی از فقدان رویه‌های ثابت و قابل اتکا برای تجار دو طرف و نیز وجود تعرفه‌های ناعادلانه است. از سوی

- دیگر، در سند سیاست تجاری هند این موضوع مورد اشاره قرار گرفت که موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه و چندجانبه به عنوان مکمل سیاست تجاری این کشور، بخش مهمی از رویکرد دولت هند برای گسترش تجاری با جهان است. آخرین مورد، دستیابی به یک موافقت‌نامه تجارت آزاد با دولت امارات متحده عربی بوده که از اول می ۲۰۲۲ اجرایی شده است. هند با بسیاری از کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای طیف مختلفی از موافقت‌نامه‌های تجاری دارد؛ اما با وجود پیشینه طولانی و پتانسیل‌های فراوان روابط ایران و هند، چنین سندی در روابط دوجانبه میان دو کشور وجود ندارد. مذاکراتی برای یک موافقت‌نامه محدود از مدت‌ها پیش در جریان است؛ اما ظاهراً تا دستیابی به یک توافق، راه زیادی باقی است. مهم‌ترین دستور کار بخش خصوصی در رابطه با هند، ارائه کار کارشناسی و مشارکت در سیاستگذاری در این حوزه است.
- ۲- مذاکره برای گنجاندن وضعیت ویژه برای ایران در متن سیاست تجاری جدید: همان‌گونه که اشاره شد، وضعیت ویژه ایران در نظام بین‌الملل مهم‌ترین مانع توسعه روابط دوجانبه تجاری با هند بوده است. هرچند راهکار کلان برای این مسئله حل بحران سیاسی با غرب است و نه تنها روابط ایران و هند بلکه بسیاری دیگر از ابعاد روابط تجاری و سیاسی ایران با دنیا در گرو آن به نظر می‌رسد. با این حال تعریف یک وضعیت ویژه برای ایران در سند سیاست تجاری بعدی هند که باز هم ابلاغ آن حداقل تا ماه سپتامبر سال جاری به تأخیر افتاده است، برای ایجاد یک حاشیه امن ضروری به نظر می‌رسد. در سند سیاست تجاری جاری هند، روابط تجاری این کشور با روسیه به شکل صریح و مشخصی از رویه‌های معمول مستثنا گردیده و ساز و کارهای ویژه‌ای برای آن اندیشیده شده است؛ همچنین موافقت‌نامه‌های دوجانبه بر اصول کلی سند ترجیح دارد. ایران با توجه به تجربه‌های گذشته و امکان قرار گرفتن در وضعیت‌های مشابه پس از خروج آمریکا از برجام در آینده نیاز دارد با اداره کل تجارت خارجی^۱ وارد مذاکره شده تا ترتیبات مشابهی برای تجارت دوجانبه با هند در سند آتی تعریف شود.
- ۳- استفاده از ظرفیت‌های سیاست تجاری در بخش انرژی: کشور هند نیاز بالایی به واردات انرژی دارد و انرژی بخش مهمی از صادرات ایران به این کشور را در قله روابط تجاری دو کشور تشکیل می‌دهد. همچنین، مواد شیمیایی مورد استفاده در تولید بسیاری از مصنوعات که خود فرآورده صنایع پتروشیمی ایران هستند، در زمره صادرات ایران به هند قرار دارند. هر دو مورد این کالاها می‌توانند در قالب فصل چهارم سند سیاست تجاری هند و به عنوان مواد اولیه فعالیت‌های تولیدی-صادراتی این کشور تعریف شوند و به این ترتیب از مالیات و تعرفه‌های مشخصی معاف گردند. سیاست‌های مشابهی را می‌توان در مورد دیگر تولیدات ایران که پتانسیل به کارگیری در فعالیت‌های تولیدی در هند را دارند در پیش گرفت.
- ۴- تجهیزات پیمانکاری پروژه‌های عمرانی: سیاست تجاری هند تسهیلات قابل توجهی را برای پیمانکاران این کشور از جمله پیمانکاران بین‌المللی برای واردات، اجاره، تعمیر تجهیزات مورد نیاز جهت فعالیت‌های آنها

1. Directorate General of Foreign Trade (DGFT)

قائل شده است. از سوی دیگر، بسیاری از پروژه‌های عمرانی ایران از جمله پروژه‌های مشترک با شرکت‌های هندی در چابهار تا حدی به دلیل مشکلات تأمین تجهیزات ناشی از تحریم‌ها با دشواری مواجه شده است، در حالی که شرکت‌های هندی چنین مشکلی ندارند. مرور امکان تأمین نیازهای عمرانی کشور از این طریق مثلاً تأسیس شرکت‌های مشترک ایرانی- هندی و بهره بردن از ظرفیت‌های این بخش از سند تجاری هند، ممکن است راه‌حل‌های جدیدی پیشنهاد دهد.

۵- تعریف زنجیره‌های صادرات و تولید مشترک با هند: این مورد شاید مهم‌ترین پیشنهاد این پژوهش باشد. همان‌گونه که از هدف و روح و بخش‌های مختلف سیاست تجاری هند مشخص است، هدف نهایی آن گسترش تولید در داخل هند به منظور صادرات است و مواردی که در این گزارش از جمله در پیشنهاد‌های قبلی مطرح شد، بهره‌گیری از آن ظرفیت‌ها برای گسترش صادرات ایران است. با این حال، در میان‌مدت و بلندمدت هیچ برنامه‌ای نمی‌تواند مفید، جاه‌طلبانه و سودآورتر از تعریف یک زنجیره صادرات- تولید- صادرات مجدد با مشارکت هند باشد.

به این ترتیب، دولت و بخش خصوصی ایران با شناسایی پتانسیل‌های تولیدی در هند که دربرگیرنده واردات برخی مواد اولیه از ایران باشند، سرمایه‌گذاری‌های مشترکی در این بخش‌ها انجام داده و پس از تأمین نیازهای اولیه با ایران با بهره‌گیری از طیف گسترده‌ای از معافیت‌های مالیاتی و تعرفه‌ای، تولید در هند با بهره‌گیری از مزیت‌ها و معافیت‌های مشابه را صورت داده و سپس از سود حاصل از صادرات محصول نهایی از هند نیز سهم خواهد بود. این امر، از یکسو به جای رقابت با دیگر صادرکنندگان به هند، شکلی از صادرات انحصاری را برای تجار ایرانی در آن بخش به وجود خواهد آورد و از سوی دیگر، مشکلاتی که تولید و صادرات در ایران به همراه دارد و تحریم‌های بین‌المللی و بی‌ثباتی سیاسی در رأس آن قرار دارند را برطرف خواهد کرد. عربستان سعودی در حوزه انرژی، سیاستی را در قبال هند در پیش گرفته که تا حدی مشابه با این پیشنهاد است. به این ترتیب که در پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌های هندی سرمایه‌گذاری کرده و این تأسیسات، طبیعتاً نفت خود را از عربستان سعودی تأمین می‌کنند که یک امتیاز انحصاری برای نفت عربستان در این کشور به وجود آورده است. علاوه بر آن، پالایش نفت در هند مزیت‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و زیرساختی فراوانی دارد که در نهایت هم منجر به تولید ارزش افزوده‌ای می‌شود که عربستان نیز در آن سهم خواهد داشت. دولت و بخش خصوصی ایران با پیگیری امکان مشابه در بخش‌های اقتصادی مختلف هند می‌توانند یک پتانسیل کم‌نظیر را در روابط دو کشور فعال کرده و از آن بهره ببرند.

۶- اثرات کوتاه مدت تغییرات اقلیمی کم آبی

تغییرات اقلیمی به عنوان یکی دیگر از تحولاتی است که جهان را با چالش مواجه کرده و اقتصاد اغلب کشورهای جهان را تحت تأثیر قرار داده است. از یک سو، تغییرات اقلیمی منجر به کاهش بارندگی‌ها و افزایش دوره‌های خشکسالی شده و از سوی دیگر، افزایش شدید تقاضا برای آب، باعث فشار بر منابع آب و سفره‌های زیرزمینی گردیده و تنش‌های آبی را شدت بخشیده است. اضافه برداشت آب از سفره‌ها و استفاده نامتعارف از منابع آبی نیز پیامدهای مختلفی را به همراه خواهد داشت که به شرح زیر است:

- باعث تخریب تدریجی اکوسیستم خواهد شد.
- سطح آب‌های زیرزمینی کاهش و فرونشست بی‌شمار در اکثر مناطق کشور ایجاد خواهد کرد.
- زمین‌های قابل کشت کاهش یافته و در نتیجه محصولات کشاورزی با کمبود مواجه شده و منجر به فقیر شدن جوامع روستایی خواهد شد.
- باعث گسترش بیابان‌ها و کویرها و نیز افزایش تعداد کویرهای نوظهور در پهنه کشور خواهد شد.
- منجر به آلودگی هوا در نتیجه شکل‌گیری پدیده ریزگردها خواهد شد.
- باعث تخریب زیستگاه‌هایی مانند دریاچه‌ها و تالاب‌ها خواهد شد.
- منجر به منازعه بر سر آب و امنیتی شدن آب که همان هیدروپلیتیک است خواهد شد.
- کمبود آب می‌تواند پیامدهای اجتماعی و اقتصادی را ایجاد کرده و افزایش بیکاری، گسترش فقر و حاشیه‌نشینی را نیز به همراه داشته باشد.
- باعث افزایش مهاجرت‌های داخلی اقلیمی خواهد شد که به دلیل خشکسالی، ریزگردها، آب و هوا و نیز کاهش امکان فعالیت‌های کشاورزی خواهد بود.

بنابراین آب به عنوان مایعی حیاتی و استراتژیک بر عملکرد بسیاری از حوزه‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم اثر می‌گذارد و کمبود آن تهدیدی جدی برای رشد اقتصادی محسوب می‌شود. بی‌توجهی به کم آبی و رشد آن با توجه به لزوم رشد جمعیت و نیازهای فزاینده آن، تبعات مخربی در بخش‌های سلامت، کشاورزی، اقتصاد و محیط‌زیست در پی خواهد داشت.

یکی از پیامدهای خشکسالی در جوامع روستایی، تشدید فقر روستایی است. بین خشکسالی و ایجاد سایر نابسامانی‌ها از جمله فقر، به خصوص فقر غذایی ارتباط تنگاتنگی به چشم می‌خورد؛ چراکه خشکسالی کاهش تولید محصولات کشاورزی را به همراه خواهد داشت و کاهش تولید محصولات، افزایش بهای سبد غذایی خانوار و کاهش امنیت غذایی اقشار آسیب‌پذیر و خانوارهای کم‌درآمد را به همراه داشته که ادامه این فرایند می‌تواند فقر و سوءتغذیه را افزایش دهد.

بنابراین می‌توان بیان کرد که این مسئله حتی در کوتاه مدت پیامدهای اجتماعی و اقتصادی زیادی را به همراه دارد. با توجه به شرایط تورم رکودی کنونی ایجاد شده، این عامل یکی از مسائل شکل‌گیری بیکاری و افزایش

فقر در مناطق مختلف کشور است که باعث تخلیه مناطق روستایی و تمرکز در کلان‌شهرها می‌گردد. کاهش کشاورزی نیز با توجه به شرایط فعلی هزینه‌های تولید و یا واردات را افزایش داده و تمامی این عوامل می‌توانند تورم را تشدید کرده و قدرت خرید مردم و رفاه عمومی را نیز کاهش دهند. اگرچه به نظر می‌رسد تلاش برای کنترل و حفاظت از پیامدهای محیطی نیاز به هزینه‌های بالاتری است؛ اما محاسبه هزینه-فایده این امر شاید بیانگر این نکته باشد که منافع حاصل از حفاظت محیطی بسیار بالاتر از هزینه‌های آن حتی در کوتاه‌مدت باشد. همچنین نباید غافل شد که استمرار بحران آب موجب تضعیف قدرت ملی کشور، بروز تنش و درگیری‌های داخلی و منطقه‌ای نیز خواهد شد.^۱

۱. از مطالعه مختاری هشی و مرادی (۱۴۰۰) استفاده شده است.

۷- تحریم و اثرات آن بر اقتصاد ایران

در مطالعه لئوتادی و پسران (۲۰۲۱)، با استفاده از معیار جدیدی از شدت تحریم‌ها بر اساس پوشش روزنامه، اثرات تحریم‌ها بر نرخ ارز، تورم، رشد تولید، اشتغال، مشارکت نیروی کار و آموزش متوسطه در ایران کمی‌سازی شده است. تحلیل‌های تجربی نشان می‌دهد که تحریم‌ها، شاید ناخواسته به جای کاهش تبعیض جنسیتی، آن را تشدید و منابع را از آموزش به نیازهای ضروری‌تر دیگر مانند حفظ مصرف به قیمت آسیب به سرمایه‌گذاری فیزیکی و انسانی هدایت می‌کنند.

شکی نیست که تحریم‌ها به اقتصاد ایران آسیب رسانده است؛ اما نباید صدمات ناشی از سال‌ها سوء مدیریت اقتصادی را دست‌کم گرفت. نمی‌توان همه رشد تولید پایین ایران نسبت به ظرفیت‌های آن، تورم بالا و نوسانات زیاد آن را به تحریم‌ها نسبت داد و این‌ها ریشه‌های داخلی ناشی از دوره‌های طولانی ضعف در عملکرد اقتصادی، قیمت‌های نسبی دستکاری‌شده، سیستم بانکی ضعیف و توسعه نیافتگی نهادهای مالی دارند.

تحریم‌ها برخی از این روندها را تشدید کرده و اجرای اصلاحات بسیار ضروری را به تأخیر انداخته است. همچنین تحلیل جامع‌تر تحریم‌ها مستلزم بررسی دقیق این است که چگونه تحریم‌ها و انواع آن در چهل سال گذشته بر تصمیم‌گیری‌های سیاستی در همه سطوح، از سیاست‌های پولی و مالی گرفته تا سیاست‌های صنعتی، منطقه‌ای و اجتماعی تأثیر گذاشته است. همگان اذعان دارند که هنگام افزایش شدت تحریم‌ها، دولت‌هایی که از پیامدهای سیاسی هراس دارند، تمایلی به محدود کردن سیاست‌های انحراف‌زا مانند یارانه‌های کلان برای غذا و انرژی ندارند و حتی ممکن است آن‌ها را تشدید کرده یا برای کاهش اثرات تورمی تحریم‌ها به تعدد نرخ ارز متوسل شوند.

در ارزیابی هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم تحریم‌ها، با دنبال کردن ادبیات سعی شده است عوامل مخدوش‌کننده احتمالی، یعنی عوامل خارجی و داخلی را که بر اقتصاد تأثیر می‌گذارند؛ اما با تحریم‌ها ارتباطی ندارند مانند پیشرفت‌های فناوری، رشد تولید جهانی، قیمت‌های بین‌المللی و عملکرد اقتصادی برخی از کشورهای همسایه کنترل شود.

با استفاده از فرم خلاصه‌شده رگرسیون، رشد تولید روی متغیر شدت تحریم‌ها، کاهش سالانه تولید ایران حدود ۲ درصد برآورد شده که وقتی در طول زمان انباشته شود، قابل توجه است. باید در نظر داشت که در این قبیل برآوردها میزان بالایی از نا اطمینانی وجود دارد حتی اگر عملکرد رشد ایران در دوره فصل اول ۱۹۸۹ تا فصل اول ۲۰۲۱ با ترکیه و سایر اقتصادهای نوظهور هم‌اندازه مقایسه شود، مشخص است که رشد تولید محقق شده ۳ درصدی ایران هنوز از میانگین رشد ۴/۴ درصدی تجربه‌شده توسط اندونزی، ترکیه، کره جنوبی و تایلند در دوره مشابه کمتر است.

همچنین اهمیت بررسی اثرات احتمالی تحریم‌ها بر انحراف قیمت‌ها و افزایش نابرابری درآمدی و فقر بررسی شده است. هزینه واقعی خانوارها در ایران، به‌ویژه در مناطق شهری کاهش یافته است. شکاف درآمدی به طرز بارزتری بین دهک‌های بالا و پایین توزیع هزینه قابل مشاهده است. ضریب جینی به‌عنوان معیاری برای سنجش نابرابری کلی، در ایران رو به افزایش بوده و تقریباً برابر با ضریب جینی ایالات متحده است که در میان اقتصادهای پیشرفته بالاترین میزان را دارا است. یکی دیگر از حوزه‌های مهم، تأثیر احتمالی تحریم بر انحراف قیمت‌ها و پیامدهای آن بر بهره‌وری و اشتغال است. با این حال، بررسی دقیق این موضوعات بسیار حائز اهمیت است.

تحریم‌ها برخی آثار جانبی مثبت به همراه داشته است. صادرات غیرنفتی از ۶۰۰ میلیون دلار پیش از انقلاب به حدود ۴۰ میلیارد دلار رسیده و در نتیجه تنوع ارزی بیشتر شده است. بخش فناوری پیشرفته در ۱۰ سال گذشته شاهد رشد تصاعدی بوده و اکنون یکی از سریع‌ترین بخش‌های در حال رشد منطقه به حساب می‌آید. شرکت‌های بزرگ اینترنتی ایران از جمله دیجی کالا (آمازون)، آپارات (یوتیوب)، کافه بازار (گوگل پلی)، اسنپ (اوبر) و دیوار (کریگزلیست)^۱، از رقابت احتمالی با هم‌تایان آمریکایی خود که در پرنانز نشان داده شده‌اند، مصون مانده‌اند. در حال حاضر تخمین زده می‌شود که بیش از ۶۵ درصد خانوارهای ایرانی به اینترنت متصل هستند. این گسترش سریع توسط دولت تسهیل شد تا اینترنت پرسرعت مقرون به صرفه در ایران رنگ واقعیت به خود بگیرد. اکنون شرکت مخابرات سیار ایران بیش از ۴۳ میلیون مشترک دارد.

همچنین تحلیل‌ها به‌وضوح نشان می‌دهد که تحریم‌ها تنها می‌توانند بخش نسبتاً کمی از واریانس رشد تولید را توضیح دهند و علت رشد تولید اندک و بیش‌ازحد پرنوسان ایران را باید در جایی دیگر جستجو کرد. این به‌نوبه خود نشان می‌دهد که لغو تحریم‌ها به احتمال زیاد اثرات مثبت کوتاه‌مدتی خواهد داشت و برای اصلاحات اساسی بلندمدت پایدار به مدیریت بهتر اقتصاد هم نیاز است. این اصلاحات شامل اصلاحاتی گسترده در بانکداری، سیستم مالیات و یارانه، یکسان‌سازی نرخ ارز و ایجاد یک سیستم منسجم شبکه تأمین اجتماعی برای حمایت از فقرا است.

سیاست‌های توسعه منطقه‌ای باید با اولویت دادن به مناطق دورافتاده آغاز شود. سیاست‌های دولت باید با استقبال و شفافیت بیشتری نسبت به طرح‌های بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی همراه گردد. حفاظت از اقتصاد در برابر نوسانات درآمد نفتی نیز پس از برداشته شدن تحریم‌ها به یک موضوع سیاستی ضروری تبدیل خواهد شد. در گذشته، اقتصاد ایران نسبت به نوسانات قیمت نفت بسیار حساس بوده است و در بلندمدت، ایران به یک صندوق ثروت مستقل نیاز دارد تا تأثیر نوسانات درآمدهای نفتی را کاهش دهد. چالش

1. Craigslist

اصلی این است که چگونه اقتصاد ایران در نظام اقتصادی منطقه‌ای و جهانی ادغام گردد تا پتانسیل واقعی اقتصادی ایران محقق شود.

در نهایت، یادآوری این نکته مهم است که کووید-۱۹ نمی‌توانست در زمانی بدتر از این برای اقتصاد ایران رخ دهد. نمونه این مطالعه زمان بعد از مارس ۲۰۲۰ که اثرات کووید-۱۹ در ایران احساس شد را پوشش نمی‌دهد؛ اما واضح است که کووید-۱۹ می‌تواند پیامدهای میان‌مدت مهمی به‌خصوص برای بخش خدمات سنتی داشته باشد. شوک کووید-۱۹ جهانی بوده است- تقریباً ۲۰۰ کشور را با شدت‌های مختلف تحت تأثیر قرار داده- و تأثیرات آن از طریق تجارت جهانی و پیوندهای مالی تشدید شده است. تأثیر کامل اقتصادی کووید-۱۹ بر اقتصاد ایران معلوم نیست و نیاز به بررسی بیشتر دارد.

۸- نکات پایانی؛ تحولات اخیر اقتصاد ایران بیشتر متأثر از تحولات جهانی است یا سیاست‌های

داخلی

تحولات جهانی و سیاست‌های داخلی می‌تواند با توجه به باز یا بسته بودن اقتصاد، متغیرهای حقیقی و عملکردی آن را تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال، اعمال سیاست‌های نادرست و ناصحیح پولی و مالی می‌تواند تبعات و پیامدهای مختلفی را بر متغیرهای کلان اقتصادی داشته باشد که نمونه آن اجرای ناقص و غیرهماهنگ سیاست مردمی‌سازی و هدفمندی یارانه‌ها است که نتوانسته ظرفیت تولید، اشتغال و کنترل سطح عمومی قیمت‌ها و ... را به همراه داشته باشد.

همچنین آثار اجرای ناصحیح خصوصی‌سازی نتوانسته است پیامدهای مثبت و مناسب را به ارمغان داشته باشد که مشکلات و موانع مربوط به قانون‌گذاری و موانع نهادی و قانونی و سایر زمینه‌ها از مهم‌ترین عوامل و علل آن بوده است. همچنین در خصوص افزایش قیمت حامل‌های انرژی که هدف آن اصلاح الگوی مصرف و بهینه‌سازی آن بود آمار و شواهد ارائه شده دلالت بر عدم موفقیت این سیاست بوده که مشکلات اجرایی، نظارتی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را بیش از پیش آشکار و برملا می‌سازد. به نظر می‌رسد سیاست‌های نادرست داخلی، سهم بالایی در تحولات اخیر اقتصاد کشور داشته است.

وضعیت امروز اقتصادی ایران، تکرار بحران‌های اقتصادی متداول در بسیاری از کشورهای در حال توسعه است که در مواجهه با خطاهای سیاستی همواره راه خروج غیرمنظم از بحران را به راه‌حل‌های خروج منظم و با برنامه ترجیح داده‌اند. چنانچه طی ۱۵ سال گذشته دولتمردان و سیاستگذاران اقتصادی اقدامات اصلاحی را جزء به جزء و با اولویت‌گذاری مناسب در عرصه‌های مختلف بودجه‌ای و مالی، پولی، تجاری و تعرفه‌ای، ارزی و با اتکا به معیارهای بازار به صورت تدریجی به مرحله اجرا گذاشته بودند، آنگاه این جهش‌های بیگ‌بنگی در عرصه سیاست‌های عمومی اقتصادی ضرورتی پیدا نمی‌کرد.

بنابراین شاید بتوان بیان کرد که فعلاً به دلیل تحریم‌ها و بسته بودن اقتصاد، ایران بسیار متأثر از شوک‌های کوچک جهانی نیست و شوک تحریم حتی از شوک پاندمی کرونا بالاتر بوده است. در حقیقت شوک تحریم فشار بر گلوگاه‌های اقتصاد ایران آورده است؛ اما مهم‌تر از تحریم، سیاست‌های داخلی ایران است که در نتیجه آن بحث تورم و اشتغال، بیشتر به علت سیاست‌های ناکارآمد در کاهش اثرات تحریم می‌باشد. به نظر می‌رسد تحولات اخیر ایران بیشتر حاصل عقبه تاریخی سیاست‌های داخلی است که تورم موجود نتیجه اشتغال‌زایی‌های غیرپایدار بوده و حاصل آن، چاپ پول به وسیله بانک مرکزی و افزایش نقدینگی به خاطر اشتغال ناپایدار است.

همچنین، بخشی از افزایش قیمت‌ها به علت افزایش انتظارات تورمی می‌تواند باشد که افزایش نرخ ارز و تداوم تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری بین‌المللی برای کشور به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاستی و فرهنگی هم می‌تواند به واسطه ارتباط بین بازارها و بخش‌های مختلف اقتصادی بر متغیرهای کلان اقتصادی تأثیرگذار باشد که پاندمی کرونا، بحران مالی رخ داده در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، جنگ روسیه و اوکراین و ... از جمله آن بوده است که در خصوص هر یک از این پدیده‌ها و آثار و پیامدهای آن بر بازارها و بخش‌های مختلف اقتصادی با روش‌هایی مانند تحلیل داده-ستانده، الگوهای کلان‌سنجی، ماتریس حسابداری اجتماعی، مدل‌های تعادل عمومی محاسبه‌پذیر و تعادل تصادفی پویا می‌توان تجزیه و تحلیل کرد که خود موضوع و بحث مفصلی است.

در خصوص تأثیر تورم اخیر ایران از متغیرهای جهانی باید این نکته را مدنظر قرار داد که با توجه به سیاست‌های اتخاذ شده طی سال‌ها، همواره ایران با تورم انباشته روبه‌رو بوده است و تحولات جهانی می‌تواند سیاست‌های کنترل تورمی دولت را با مشکل مواجه ساخته و از این طریق تورم داخلی را تحت تأثیر قرار دهد. در این زمینه، یکی دیگر از علت‌های آسیب‌پذیر بودن اقتصاد ایران، پایین بودن GDP بخش غیرنفتی کشور و افزایش انتظارات تورمی است که لزوم تقویت بیش از پیش بخش‌های اقتصادی مانند صنعت و کنترل این انتظارات برای موفقیت سیاست‌های دولتی را می‌طلبد.

بنابراین می‌توان انتظار داشت که هرگونه شوک سیاست‌های پولی و مالی در کشورهای مختلف و نیز سیاست‌های اتخاذ شده در داخل هر دو بر متغیرهای کلان اقتصادی تأثیرگذار باشد که بسته به شرایط، پارامترها، نظام‌های پولی و ارزی و همچنین نوع سیاست پولی و مالی اتخاذ شده آثار و پیامدها می‌تواند متفاوت باشد. به عنوان مثال، در صورت اجرای سیاست پولی انقباضی مانند فروش اوراق مشارکت در حالی که کشور از تحرک کامل سرمایه برخوردار بوده و منحنی تراز پرداخت‌ها با کشش و افقی باشد، به انتقال منحنی تعادل تراز پول به سمت چپ و بالا منجر شده و در نتیجه نرخ بهره افزایش می‌یابد. حال اگر نظام ارزی شناور مستقل یا آزاد باشد، عرضه ارز افزایش یافته و نرخ ارز کاهش می‌یابد که نتیجه آن انتقال منحنی تعادل بازار کالا به سمت چپ و پایین و نیز کاهش نرخ بهره و تولید و درآمد ملی است. برای دیگر سیاست‌ها هم می‌توان در قالب الگوی ماندل-فلمینگ^۱ و با مفروضات مختلف، این تجزیه و تحلیل را هم ارائه کرد.

- در خصوص تحلیل وضعیت اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۱ پیش‌بینی می‌شود:
- با توجه به وابستگی بالای رشد اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و پیشی گرفتن استهلاک از تشکیل سرمایه طی سال‌های اخیر پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی بدون نفت برای سال ۱۴۰۱ در حدود ۴ تا ۵ درصد می‌باشد که این رقم توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در محدوده ۲ تا ۳ درصد برآورد شده است. شیوع سویه‌های جدید کووید-۱۹، عدم قطعیت در تحقق لغو تحریم‌ها، تنش‌های اخیر در منطقه و تأثیرات تغییرات آب و هوایی، چالش‌های محتمل بر رشد آتی اقتصاد ایران می‌باشد.
 - در خصوص بخش صنعت نیز محدودیت‌های تجاری ناشی از تحریم‌ها و شیوع ویروس کرونا، نقدینگی پایین شرکت‌ها و افزایش قابل توجه قیمت مواد اولیه مهم‌ترین چالش‌های رشد آتی بخش صنعت است. ضمن آنکه مهم‌ترین فرصت‌های پیش روی بخش صنعت و زیرگروه‌های آن متأثر از افزایش قیمت نفت و سایر کامودیتی‌ها، رفع تحریم‌ها و افزایش مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در توسعه میادین نفتی، مناطق آزاد و ویژه اقتصادی است.
 - چشم‌انداز تورم در سال ۱۴۰۱ تحت تأثیر عوامل مهمی مانند افزایش قیمت نفت و سایر کامودیتی‌ها و بیم افزایش تورم وارداتی، رشد نقدینگی، کاهش انتظارات تورمی ناشی از به ثمر رسیدن مذاکرات و رفع تحریم‌ها، ابهامات موجود پیرامون الگوی استقرای دولت و روش‌های تأمین مالی کسری بودجه و ناترازی ترازنامه بانک‌ها است. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که کاهش تورم مصرف‌کننده از میانگین بلندمدت آن (۳۰-۴۰ درصد) امکان‌پذیر نباشد و تورم مصرف‌کننده و تولیدکننده در سال آتی به ترتیب در محدوده ۳۵ و ۴۸ درصد باشد. پیش‌بینی نرخ رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به ترتیب ۲۷,۵ و ۴۱,۶ درصد است.
 - چشم‌انداز روند آتی نرخ ارز در کوتاه‌مدت به نتایج مذاکرات بستگی دارد؛ اما برای تحلیل چشم‌انداز بلندمدت نرخ ارز لازم است به عوامل اثرگذار بر عرضه و تقاضای ارز توجه داشت. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که متوسط نرخ ارز در سال ۱۴۰۱ بالغ بر ۳۰ هزار تومان خواهد بود. در شرایط کنونی به دلیل زمان‌بر بودن مدیریت چالش‌های ریشه‌ای و بنیادی اقتصاد ایران از جمله رشد بالای نقدینگی، کسری بودجه، بی‌انضباطی‌های پولی و مالی در کنار توان تولید پایین و وابستگی شدید به مواد اولیه وارداتی و رقابت‌پذیری ضعیف، نمی‌توان کاهش قابل توجهی برای نرخ ارز متصور بود.
 - چشم‌انداز بازار سهام در سال ۱۴۰۱ بیش از عوامل درونی بازار از عوامل بیرونی متأثر است. تورم، روند قیمت کامودیتی‌ها، دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت (نرخ مالیات بنگاه‌های صادراتی، نرخ خوراک گاز صنایع بورسی)، روش‌های تأمین کسری بودجه و ... از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر روند آتی شاخص بورس است. صاحب‌نظران اقتصادی متوسط شاخص کل بورس را در حدود ۱,۶ میلیون واحد پیش‌بینی کرده‌اند.

- اگرچه کاهش انتظارات تورمی به دلیل اخبار مثبت از مذاکرات هسته‌ای و ثبات بازار ارز در فصل آخر سال ۱۴۰۰ انتظارات فعالان اقتصادی برای افت قیمت مسکن را تقویت کرده است؛ اما تورم صنعت (ساخت) که بیش از ۵۰ درصد در طی سال ۱۴۰۰ برآورد شده است به عنوان یک عامل بازدارنده در کاهش قیمت مسکن عمل می‌کند. با توجه به آنکه در ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۰ قیمت دلاری مسکن به میانگین قیمتی ۲۰ ساله خود بسیار نزدیک شده است و حتی با میانگین قیمت دلاری ۳۰ ساله‌اش نیز اختلاف نامتناسبی ندارد. می‌توان چشم‌انداز قیمت مسکن برای سال ۱۴۰۱ را در صورت ثبات شرایط اقتصادی و سیاسی در محدوده قیمت‌های فعلی با رشد حداکثری معادل نرخ تورم برآورد کرد.
- پیش‌بینی سازمان‌های جهانی حاکی از آن است که قیمت نفت در سال ۲۰۲۲ بیش از ۴۵ درصد نسبت به سال ۲۰۲۱ رشد خواهد داشت و به طور متوسط در محدوده ۱۰۰ تا ۱۰۵ دلار در هر بشکه معامله خواهد شد که با توجه به همبستگی روند تغییرات قیمت نفت و شاخص قیمت تولیدکننده صنایع تولید فلزات پایه، مواد و فرآورده‌های شیمیایی، فرآورده‌های لاستیکی و پلاستیکی و صنایع کک و فرآورده‌های نفتی انتظار افزایش قیمت زنجیره تولید این صنایع در سال ۱۴۰۱ پیش‌بینی می‌شود. ضمن آنکه این امر بر صادرات محصولات صنعتی (و همچنین شاخص قیمت صادرکننده) محصولات صنایع شیمیایی و وابسته و صنایع مواد پلاستیک، کائوچو و مصنوعات نیز اثرگذار است.
- اگرچه در سال ۱۴۰۱ مواردی مانند کمبود گاز پتروشیمی‌ها، افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و به تبع آن افزایش هزینه‌های تولید به دلیل افزایش قیمت جهانی کالاها و ... چالش‌های مهمی برای تراز تجاری ایران است؛ اما در صورت رفع تحریم‌ها و بهبود درآمدهای نفتی انتظار می‌رود تراز تجاری سال ۱۴۰۱ مثبت باشد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که صادرات غیرنفتی و واردات ایران در سال ۱۴۰۱ به ترتیب بالغ بر ۴۳,۷ و ۵۲,۶ میلیارد دلار باشد.
- شیوع گونه‌های جدید کرونا و توقف‌های زنجیره تأمین و تولید، رشد قیمت انرژی در اروپا، تنش اوکراین با روسیه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان بازارهای انرژی، آلومینیوم و ... کاهش شدید سطح موجودی انبارهای LME در شرق آسیا، روند صعودی تورم در آمریکا و رسیدن به اوج خود از سال ۱۹۸۴، الزام فولادسازان چین به کاهش آلایندگی و تولید، افزایش فزاینده تعداد قراردادهای اختیار خرید نفت بیش از ۱۰۰ دلاری برای دسامبر ۲۰۲۲ و ... سرمایه‌گذاران بازارهای کالایی جهان را به چشم‌انداز افزایشی قیمت‌ها طی سال آینده مطمئن‌تر کرده است.

منابع

- امامی میبیدی، علی و محمد شمس‌الدین (۱۳۸۹). بررسی تأثیر سیاست‌های پولی آمریکا بر قیمت‌های واقعی جهانی نفت و درآمد واقعی نفت کشورهای صادرکننده نفت اوپک. پژوهش‌های اقتصادی ایران. سال چهاردهم، شماره ۴۳، ۱۰۹-۸۱.
- برکچیان، مهدی و مهرداد شریف‌واقفی (۱۳۹۴). بررسی واکنش نرخ بهره کوتاه‌مدت کشورهای مختلف به شوک پولی آمریکا و عوامل توضیح‌دهنده آن. پژوهش‌های پولی-بانکی، سال هشتم، شماره ۲۵، ۳۷۸-۳۵۵.
- مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری (۱۴۰۰). تلفیق مطالعات پشتیبان برنامه پسا کرونا. تهران: مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری.
- رضوی، عبدالله، مصطفی سلیمی‌فر، مهدی مصطفوی و مرتضی بکی‌حسکوئی (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سیاست‌های پولی آمریکا بر قیمت نفت خام‌های شاخص در کوتاه‌مدت. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و چهارم، شماره ۷۷، ۲۱۰-۱۸۳.
- سازمان توسعه تجارت ایران (۱۴۰۰). گزارش اجمالی عملکرد تجارت خارجی کشور. تهران: دفتر برنامه‌ریزی، آمار و پژوهش‌های تجاری.
- ظفریان، حبیب‌اله (۱۳۹۶). مقایسه صادرات گاز به روش خط لوله و ال‌ان‌جی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مختاری هشی، حسین و امین مرادی (۱۴۰۰). تبعات زیست محیطی بحران آب در ایران. آمایش سیاسی فضا. سال سوم، شماره ۲، ۱۱۷-۱۳۱.
- ورهرامی، ویدا و افسانه تهرانی (۳۹۷). تحلیلی بر صادرات گاز ایران به ترکیه. بررسی‌های بازرگانی. سال شانزدهم، شماره ۹۰-۹۱، ۷۸-۹۲.

Ajmal, M. M., Khan, M., & Shad, M. K. (2021). The global economic cost of coronavirus pandemic: current and future implications. *Public Administration and Policy*.

Akbari Dehbaghi, S., Arman, S. A., & Ahangari, M. (2020). The Impact of Domestic and Foreign Monetary Policy on Iran's economy: Global Modeling. *Journal of Money and Economy*, Vol.15, No.2, 151-180.

Belitski, M., Guenther, C., Kritikos, A. S., & Thurik, R. (2022). Economic effects of the COVID-19 pandemic on entrepreneurship and small businesses. *Small Business Economics*, Vol.58, No.2, 593-609.

International Labour Organization. (2020). ILO Monitor: COVID-19 and the World of Work. *Updated Estimates and Analysis*. Int Labour Organ.

Jackson, J. K. (2021). *Global economic effects of COVID-19*. Congressional Research Service.

Ramos-Francia, M., & García-Verdú, S. (2014). The transmission of US monetary policy shocks to EMES: an empirical analysis. *BIS Papers*, (78), 363.

Takáts, E., & Vela, A. (2014). International monetary policy transmission. *BIS paper*, (78b).

Wu, J. C., & Xia, F. D. (2016). Measuring the macroeconomic impact of monetary policy at the zero lower bound. *Journal of Money, Credit and Banking*, Vol.48, No. (2-3), 253-291.

<https://ec.europa.eu/eurostat>

<https://www.oecd.org>. Quarterly National Accounts Database, September 17, 2021

<https://www.cbi.ir/datedlist/23198.aspx>

<https://www.federalreserve.gov/>

<https://www.imf.org/en/Home>